

NEUES TESTAMENT

Die Gute Nachricht

**NEW (3)
NOUVEAU
TESTAMENT
IN**

**PERSIAN
FARSI**

IRANIAN

III

PERSAN

PERSISCHE

کتاب

پیمان تازه

خداوند وراننده ما

عیسی مسیح

که از لسان اصلی یونانی

بفارسی

ترجمه کرده

افضل الفضلا المسيحيه

هنری مارتین کشیس انگلیسی ایست

که در دار السلطنت لندن محروسه

باعانت مجمع مشهور به بیبل سوسیته

کرت سیم بدار الطباعه بنده کمترین رچارد واطس

انگلیسی مطبوع گردید

۱۸۳۷

مسیحیه

THE
NEW TESTAMENT

OF
OUR LORD AND SAVIOUR

JESUS CHRIST

TRANSLATED FROM THE ORIGINAL GREEK,
INTO PERSIAN,

BY THE
REV. HENRY MARTYN, B.D.

FOURTH EDITION.

LONDON:
PRINTED BY RICHARD WATTS,
FOR THE BRITISH AND FOREIGN BIBLE SOCIETY,
IN THE YEAR
1837.

فهرست این کتاب مقدس

<p>503 . رسالهٔ دویم پولس بتسلنیقیان</p> <p>507 . رسالهٔ اول پولس بتیموثیوس . . .</p> <p>516 . رسالهٔ دویم پولس بتیموثیوس . . .</p> <p>522 . رسالهٔ پولس بتیتوس</p> <p>526 . رسالهٔ پولس بفلیمون</p> <p>528 . رسالهٔ پولس بعبریآن</p> <p>552 . رسالهٔ عام یعقوب حواری</p> <p>561 . رسالهٔ عام اول پطرس حواری</p> <p>570 . رسالهٔ عام دویم پطرس حواری</p> <p>576 . رسالهٔ عام اول یوحناي حواری</p> <p>585 . رسالهٔ عام ثاني یوحناي حواری</p> <p>586 . رسالهٔ عام سیم یوحناي حواری</p> <p>587 . رسالهٔ عام یهوداي حواری</p> <p>590 . کتاب مکاشفات یوحناي الهی</p>	<p>انجیل متی آغاز میکند در صحیفهٔ 1</p> <p>انجیل مرقس 83</p> <p>انجیل لوقا 135</p> <p>انجیل یوحنا 221</p> <p>کتاب اعمال حواریان 288</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل روم 371</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل قونتس 405</p> <p>رسالهٔ دویم پولس حواری باهل قونتس 437</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بکلتیان 459</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بافسسیان 470</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل فیلیپی 481</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بقلسیان 489</p> <p>رسالهٔ اول پولس بتسلنیقیان 496</p>
---	---

باب اول

- ۱ از آنجا که جمعی شروع نموده که آن وقایعی را که در میان ما یقین
- ۲ پیوسته است تبیین نمایند * به نحوی که آنان که ز آغاز بچشم خود
- ۳ میدینند وفادمان کلام بوده بما رسانیده اند * من نیز مصلحت
- چنان دیدم که آن وقایع را تماما من البدایت کمال تبعیت نموده
- ۴ بر حسب اتصالشان تحریر نمایم برای تو ای ثیوفلس کرامی * تا
- ۵ حقیقت سخنانی که تو آنها را تعلیم یافته در یابی * در اوان
- هیروویس سلطان یهودیه زکریا نام کاهنی بود که از دسته ایبا بود
- وزنی داشت از دختران بارون که او را نام ایصابت بود
- ۶ * وایشان هر دو در نزد خدا ثواب کار می بوزند و در تمامی فرایض
- ۷ و سنن خداوند بی وغرغ رفتار می نمودند * وایشان از فرزندی
- نبود زیرا که ایصابت یائسه بود و هر دو بر عمر سبقت جسته بودند
- ۸ * چنین بوقوع پیوست که در اوانی که نوبت دست خود در نزد
- ۹ خداوند کار باوای لوازم کهانت می پرداخت * بر حسب آئین
- کهانت نوبت آن شد که در هیکل خداوند در آمده بخور نماید
- ۱۱ * و تمامی خلق در هنگام سوزانیدن بخور بیرون نماز میکردند * که
- یکی از فرشتگان خداوند کار بر او هویدا گشته چنانکه بر طرف راست
- ۱۲ مجمر ایستاده بود * زکریا از ملاحظه او مضطرب گردیده خوف

- ۱۳ برومی استیلا یافت * آن ملک ویرا گفت مترس امی زکریا
 زیرا که دعای تو مستجاب شده زوجهات ایصابت پسری برای
 ۱۴ تو خواهد آورد و تو او را یحیی خواهی نامید * و ترا خواهد بود
 خوشوقتی و خرمی و از تولد آن بسیاری شادمان خواهد کردید
 ۱۵ * زیرا که او در نزد خداوند کار بزرگ میشود و شراب و خمر نخواهد
 ۱۶ آشامید و هم از شکم مادر خود بروح القدس مملو خواهد کردید * و او
 بسیاری از بنی اسرائیل را بسوی خداوند خدای آنها بر خواهد
 ۱۷ گردانید * و او در پیش روی وی بروح و قوت الیاس خواهد
 رفت تا که مایل گرداند قلوب پدران را بجانب فرزندان و نا
 فرمانان را بفهم عاقلان تا که قومی کامل را برای خداوند مهیا نماید
 ۱۸ * زکریا ملک را گفت که چه سان من این را بدانم و حال آنکه
 ۱۹ من پیر هستم و زن من کهن سالست * ملک ویرا جواب
 داده گفت که منم جبرائیل که نزد خدا حاضر میباشم و برای همین
 فرستاده شده ام که با تو سخن گفته این مژده را بتو سپارم
 ۲۰ * و اینکه تو خاموش خواهی بود بلکه یارای تکلم نخواهی داشت تا
 روزی که اینها واقع شود زیرا که تو سخن نمی توانی باور نکردی
 ۲۱ و حال آنکه آنها در وقت خود بوقوع خواهد پیوست * و مردم
 منتظر زکریا بودند و از بسیاری توقفش در هیكل متحیر میبودند
 ۲۲ * و او بیرون آمده یارای تکلم با آنها نداشت پس دریافتند که
 در درون هیكل او امر غریبی را مشاهده نموده است که بآنها
 ۲۳ اشارت میکند و کنک مانده است * و چون ایام خدمتش
 ۲۴ منقضی گشته بخانه خویش رفت * و بعد از آن زوجه اش

- الیصابات آبتن شده خوررا پنجمه پنهان داشته وگفت
 ۲۵ * که در این اوان که خداوند کار خوو منظور میداشت باین نهج
 ۲۶ بامی نموده تا ننکی که مرا در میان انسان میباشد بر وارد * ودر
 ماه ششم فرشته جبرائیل از خدا بسوی شهری از جلیل که ناصره
 ۲۷ نام داشت * بترو دختر دوشیزه مریم نام که منسوب بوو بیوسف
 ۲۸ نام مروی از دودمان واو فرستاده شد * وملک بنزو وی آمده
 گفت که السلام ای شرف یافته خداوند با تو است و تو در
 ۲۹ میان زنان مبارکی * و او چون این را دید از سخن او مضطرب
 ۳۰ شده ودر شبهه افتاد که این چه نوع سلام است * و ملک ویرا
 گفت که مترس ای مریم زیرا که تو یافته نعمت خدا وادرا
 ۳۱ * واینک تو آبتن خواهی شد و خواهی زائید پسری و او را عیسی
 ۳۲ خواهی نامید * و او شخص بررکی خواهد بوو و فرزند خدایتعالی
 خوانده خواهد شد و خداوند خدا تخت پدرش و او را بوی خواهد
 ۳۳ داد * و بر دودمان یعقوبی تا ابد سلطنت رانده سلطنتش را
 ۳۴ نهایت نخواهد بوو * مریم ملک را گفت که چگونه این تواند شد
 ۳۵ و حال آنکه من مروی را نیافتم ام * و ملک ویرا جواب داده
 گفت که روح القدس بر تو نرول خواهد نمود و قوت خدایتعالی
 بر تو سایه افکند از آنجاست که آن مولود مقدس فرزند خدا
 ۳۶ خوانده خواهد شد * و اینست الیصابات خویش تو نیز در پسری
 پسری بارور است و این ماه آنکس را که یائسه میدانند ماه ششم
 ۳۷ است * زیرا که نرو خدا هیچ امری محال نیست * مریم گفت
 اینک کنیرک خداوند بشوو بر من بر وفق کلام تو پس فرشته از

- ۳۹ نرووی جداگشت * و مریم بر خاسته در آن اوان بسوی کوهستان
- ۴۰ بجانب شهر یهووا شتافت * و در خانه ذکر یاد آورده ایصابت را
- ۴۱ سلام نمود * و چون ایصابت سلام کردن مریم را استماع نموده
- طفل در رحم او جسته و ایصابت بروح القدس مملو گشت
- ۴۲ * و باواز بلند تکلم نموده گفت که در میان زنان مبارکی
- ۴۳ و مبارکست ثمره رحم تو * و کجا سزااست مرا که مادر خدا قدم
- ۴۴ بنزد من آید * اینک چون آواز سلام تو بکوشه ما رسید طفل
- ۴۵ در شکم من از خرمی بحرکت آمد * و خوشا حال زنی که ایمان
- آورده است زیرا سخنانی را که از جانب خداوندگار است بوی
- ۴۶ کمالی میباشد * و مریم گفت که جان من خداوندگار را ثنا میکوید
- ۴۸ * و خوشنودو میشود روح من بسبب خدا نجات و هدیه من * زیرا که
- نظر مرحمت بر حقارت کنیزک خود انداخته و اینست ازین
- ۴۹ وقت تمامی طبقات انام مرا مبارک خواهند وانست * زیرا
- که نموده است آن قادر کارهای بزرگ برای من پس منزله باد
- ۵۰ اسم او * و رحمت او بر کسانیکه از او می ترسند پشت در
- ۵۱ پشت * و بیازوی خود قوت را پدیدار نموده آنانی را که بخیالات
- ۵۲ خود برتری داشتند پریشان نمود * و بریر آورد مقتدرانرا از تختها
- ۵۳ و خاک نشینانرا بر داشت نمود * و سیر کردانید کرسنگانرا از
- ۵۴ خوبها و روانه نمود متمولین را تهی دست * و بنده خود اسرا تمل را
- ۵۵ مساعدت نموده تا رحمت خود را یو آورد * که بر ابراهیم و زربتیش
- ۵۶ تا باید خواهد بود چنانچه به پدران ما فرموده است * و مریم
- ۵۷ قریب بسه ماه بوی بوده پس بر گشت بخانه خود * و ایصابت را

- ۵۸ وقت وضع حمل رسیده پس زائید پسری را * و شنیدند
 همسایگان و خویشان که خداوند بر وی بسیار رحمت نموده پس
 ۵۹ ایشان نیز با وی خرمی نمودند * و در روز هشتم بجهت ختنه طفل
 ۶۰ آمده او را با اسم پدرش زکریا میخواندند * مادرش جواب داده
 ۶۱ گفت نه بلکه خوانده شوو بیحسی * ویرا گفتند که نیست از
 ۶۲ خویشان تو شخصی که خوانده شوو باین اسم * پس پدرش را
 ۶۳ اشارت نمودند که به چیست خوهشت که نامیده شوو * و او
 تخنه را خواسته بر آن نوشته گفت که اسم اوست یحیی و همگی
 ۶۴ متحیر گردیدند * و در همان لحظه ذهن و زبان وی باز شده بحمد
 ۶۵ خدا تکلم فرمود * و بر همگی آنان که بر اطراف وی ساکن می
 بودند خوف عارض گشت و در همه کوهستان بهر وی از این
 ۶۶ وقایع گفت گو میرفت * و آنان که شنیدند همگی متفکر بوده
 میگفتند که آخر این طفل چه خواهد بوو و با وی بوو دست خداوند
 ۶۸ * و پدرش زکریا بروح القدس ممتلی گشته بالهام گفت * خداوند
 خدای اسرائیل مبارکباد زیرا که نظر مر حمت انداخته برای قوم
 ۶۹ خوو فدیة مقرر فرمود * و در خانه بنده خوو و اوو شاخ نجاتی برای
 ۷۰ ما بر پا داشت * چنانچه بر زبان انبیای مقدس خوو از اوان
 ۷۱ سلف فرموده است * یعنی نجات از دشمنان ما و از دست
 ۷۲ همه آنانی که کینه میورزند با ما * تا آنکه بجای آرد رحمت خوورا بر
 ۷۳ پدران ما و تا آنکه یاد آرد عهد مقدس خوورا * یعنی سوکنندی که
 بابراهیم پدر ما خورده است که با این بخشش را خواهد فرمود
 ۷۴ * تا آنکه ما از چنگ دشمنان خوو مستخلص شده بیخوف او را

- ۷۵ بنده کسی نائیم * و تا همه زنده گانی خور را بپاکیزگی و صواب کاری
 ۷۶ در نزد او باشیم * و تو ای کودک رسول خداوند تعالی خوانده
 خواهی شد زیرا که تو پیش روی خداوند خواهی رفت تا آنکه
 ۷۷ راهی او را آماده نائی * و تا آنکه عطا شود بقوم او شناسائی راه
 ۷۸ نجات که با امرزش کنانست * از غایت ترحم خدای ما که
 ۷۹ بجهت آن روشنی صبح از عالم علو بر ما هویدا گشت * تا آنانی را
 که در تاریکی و سایهٔ مرگ نشسته بودند روشن گرداند و قدمهای
 ۸۰ ما را براه آرام راهنائی نماید * و هر که میشد آن طفل و در روح
 قوت می یافت و تا اوانی که بر بنی اسرائیل ظهور نمود در
 اطراف بیابانها میریست

باب دوم

- ۱ و در آن اوان چنین اتفاق افتاد که از جانب قیصر او کو صطس
 ۲ حکم شد که در همه ولایات اسم نویسی نمایند * و این نخستین
 اسم نویسی بود که در او انبیکه کرینیوس حاکم شام بود واقع شد
 ۳ * بجهت آنکه اسمی نوشته شود هر کسی بشهر خود رفتندی
 ۴ * و یوسف نیز از جلیل از شهر ناصره بیهودی شهر داود که به
 بیت لحم مسمی است رفت زانرو که او از دوومان و قبیله داود
 ۵ میبود * تا نوشته شود اسمش با زن منسوب بخور مریم که
 ۶ آبستن بود * و در آن اوان که ایشان در انجا بودند ایام وضع
 ۷ حملش رسید * پس زانید نخستین پسر خور را و او را در قنذاقه
 پیچیده در آخر خوابانید زیرا که نبود در اندرون کاروانسرا مکانی
 ۸ برای آنها * و در آنزمین شبانان میبوزند که کله خور را جرات

- ۹ نموده در شب بنوست کشیک می کشیدند * ناکاه فرشته
- خداوند بر آنها نزول نموده نور خداوند باطراف آنها درخشید و آنها
- ۱۰ بغایت مخوف گردیدند * آن ملک ایشانرا گفت مترسید که
- اینک مژده سروری بیغایت که خواهد بود برای تمامی فبایل
- ۱۱ بشما آورده ام * زیرا که نجات دهنده از برای شما که او مسیح
- ۱۲ خداوند است امروز در شهر داود متولد شد * و اینست برای
- شما نشانی که یابید طفلی را که بقنذاقه پیچیده در آخر گذاشته
- ۱۳ شده است * ناکاه فوجی از لشکر آسمانی با آن ملک خدا را
- ۱۴ ستایش کنان نمودار شده * میگفتند که خدا راست در عالم بالا
- ۱۵ جلال و بر زمین آرام دور میان انسان رضامندی * و چون
- آن فرشتگان از نزد آنها بسوی آسمان رفتند شبانان گفتند با
- یکدیگر که تا به بیت لحم رفته این واقع را که خداوند بمانمودار
- ۱۶ گردانیده است ملاحظه نمائیم * پس برومی روان شده یافتند
- مریم و یوسف را و آن طفل را در حالتی که در آخر خوابیده بود
- ۱۷ * پس ایشان ملاحظه نموده سخنی را که در باره آن طفل
- ۱۸ بآنها گفته شده بود بدرستی دریافتند * و هر آنکس که آن سخنانرا
- ۱۹ از شبانان شنیده متعجب میشد * و مریم تمامی این سخنانرا در
- ۲۰ دل جای میداد و نگاه میداشت * و شبانان خدا را حمد و ثنا
- گویان برگشتند زیرا که مطابق همه آنچه بآنها گفته شده بود دیدند
- ۲۱ و شنیدند * و چون هشت روز ایام ختنه طفل باتمام رسید اورا
- عیسی نامیدند و همان نامست که قبل از تقررش در رحم ملک
- ۲۲ بان نامش خواند * و چون ایام تطهرش رسید بر حسب آئین

- ۲۳ موسی اورا باور شلیم آوردند تا نزد خداوندش بر پا دارند * چنانچه نوشته شده است در آئین خداوند که هر آن زکوری که نخست باز کند رحم را برای خداوند منزّه خوانده شود * و تا قربانی گذرانند چنانچه در آئین خداوند مقرر است یا جفت حمام یا دو جوجه
- ۲۵ کبوتر * و اینک کسی بود در اورشلیم مستمی بشمعون که مرد عادل و متقی بود و منتظر تسلی اسرائیل میبود و روح القدس بر او بود * از روح القدس الهام یافته که پیش از آنکه مسیح کرده
- ۲۷ خداوند را نه بیند مرک را نخواهد دید * پس براه نمائی روح در هیکل درآمده در هنگامی که والدین عیسی طفل را باندرون
- ۲۸ می آوردند تا کرده شود اورا آنچه موافق رسم آئین است * او
- ۲۹ بر وی دست خود گذاشت و خدا را حمد گفت * که خداوند حالا
- ۳۰ تو بنده خود را بروفق سخن خود بسلامت رخصت میدهی * زیرا
- ۳۱ که دیده است چشمان من نجات تورا * که در پیش رومی همگی
- ۳۲ قبایل مهیا کرده * نوری برای روشنی قبایل و جلال قوم خود
- ۳۳ اسرائیل * و یوسف و مادرش از سخنانی که در باره او گفته
- ۳۴ میشد متحیر میبودند * و شمعون ایشانرا دعای خیر کرده مادرش
- مریم گفت که این کسی است که برای افتادن و برخاستن بسیاری در اسرائیل و برای هدف مخالفان شدن گذاشته
- ۳۵ میشود * و در دل تو نیز نیزه فرو خواهد رفت تا تصورات
- ۳۶ دلهمای بسیاری آشکارا شود * و بود زنی نبیه حنا نام دختر فانیل
- از طایفه عشیر بسیار کهن سال و هفت سال از اول بکرتیت
- ۳۷ خود با شوهر بسر برده * و قریب بهشتاد و چهار سال بود که او بیوه

بود و از هیكل جدا نشده با روزه و دعا روز و شب عبادت میکرد
 ۳۸ * آنزن در آن ساعت حاضر شده خداوند را شکر مینمود و در باره او
 ۳۹ با همگی منتظران نجات در اورشلیم تکلم مینمود * چون جمیع
 رسوم را بحسب آئین خداوند بجا آورند بجانب جلیل و شهر
 ۴۰ خود ناصره برگشتند * و آن طفل بر رک شده در روح قوت
 ۴۱ پیدا کرده بعقل مملو میشد و با وی بود توفیق خدا * و والدین
 ۴۲ او هر ساله در عید فصح با اورشلیم میرفتند * و چون دوازده ساله
 ۴۳ شد ایشان موافق رسم عید با اورشلیم رفتند * و چون ایام
 عید را تمام کرده در اوانیکه مراجعت مینمودند آن طفل عیسی در
 ۴۴ اورشلیم توقف نمود و یوسف و مادرش نمی دانستند * بلکه زانجائی
 که گمان میداشتند که او در کاروانست یک منزل آمده در میان
 ۴۵ خویشان و آشنایانش جستجو مینمودند * و او را نیافته در تفحص
 ۴۶ او با اورشلیم برگشتند * و بعد از سه روز او را یافتند که در وسط
 معلمان در هیكل نشسته است و از آنها می شنود و پرسش مینماید
 ۴۷ * و همگی انانی که از وی شنیدند از ذهن و جوابهایش متحیر مینمودند
 ۴۸ * او را دیده تعجب نمودند مادرش ویرا گفت کودک چرا چنین
 بما نمودی اینست پدر تو و من اندوه ناک گشته در جستجوی تو
 ۴۹ مینمودیم * ایشانرا گفت که چرا مرا می جستید آیا ندانسته بودید که
 ۵۰ مرا میبایست در خانه پدر خود باشم * و ایشان این سخن را که
 ۵۱ بایشان گفت نیافتند * و با آنها روان شده بناصره آمد و مطیع
 آنها بوده مادرش تمامی این واقعاترا در دل نگاه میداشت
 ۵۲ * و عیسی در عقل و قامت و مهربانی نزد خدا و خلق ترقی میکرد

باب ستم

- ۱ در سال پانزدهم از سلطنت تیریوس قیصر که پنتیوس پیلطس حاکم یهودیه و هیروویس رئیس ربع جلیل و فیلیپوس برادرش رئیس اتوریه و مرزوبوم تراخونی و لیسنیاس رئیس
- ۲ ربع آیلینی * و حنا و قیافا کاهنان بزرگ می بودند کلام خدا
- ۳ نازل شد بیحیی ابن زکریا در بیابان * و آمده همگی مرز و بوم اطراف رود اردن را برای آموزش کنانان بغسل توبه ندا میکرد
- ۴ * چنانچه در صحیفه اخبار اشعیه پیغمبر نگارش یافته است که می گفت در بیابان آواز فریاد کننده ایست که راه خداوند را
- ۵ مستعد کنید و طریق او را مستقیم سازید * هر کوهی انباشته و هر کوه و تلی پست خواهد کردید و کجیها راست در انامی درشت
- ۷ هموار خواهد شد * و خواهد دید مجموع بشر نجات خدایا * و طوایفی را که برای غسل تعمیدش بیرون رفتندی میگفت ای افعی
- ۸ زاده گان که شما را راه نمود که بگریید از غضب آینده * پس بیارید ثمراتی که شایسته توبه باشد و در دل خود شروع بگفتن ننمائید که ما را پدر ابراهیم است زیرا که بشما میگویم که خدا قادر است بر
- ۹ آنکه برخیزاند ازین سنگها فرزندان از برای ابراهیم * و الحال تبر بر بیخ درختان گذاشته شده است و هر درختی که ثمر نیکو نیارد
- ۱۰ بریده و باتش افکنده خواهد شد * و طوایف پرسیندش و گفتند که پس ما را چه باید کرد * آنها را جواب داده گفت کسی که درو جامه
- وارد آنکس را که ندارد شریک سازد و آنکس که نان دارد هم
- ۱۲ چنین بایدش کردن * و باج خوانان نیز بجهت غسل تعمید

- ۱۳ آمده گفتندش که ای استاد ما را چه بایست کردن * آنها را
- ۱۴ فرمود که شما بیش از آنچه بر شما مقرر است مکنید * سپاهیانش
- نیز پرسیدند که ما را چه باید کرد آنها را فرمود که هیچ کس را جبر
- ۱۵ نمائید و بر کسی افترا نمرود و بموجب خود اکتفا نمائید * و در اثنائی
- که مردم در انتظار میبودند و هر یک در دلهای خود تصور میبودند
- ۱۶ در باره یحیی که آیا این مسیح باشد * یحیی همگی را باین
- خطاب مخاطب نموده که من شمارا فصل باب میدهم اما آید
- کسی که قوی تر است از من و من نیستم قابل آنکه بند
- نعلینش را کشایم آنست که شمارا بروح القدس و آتش فصل
- ۱۷ خواهد داد * که طبقتش در دست اوست و خرمن خور را خوب
- پاک نموده کندم را در انبار خود جمع خواهد نمود و گاه را در آتشی
- ۱۸ که افسرده کسی نپذیرد خواهد سوزانید * و باند زبانی بسیار و بیکر آن
- ۱۹ گروه را نصیحت فرمود * و رئیس ربع هیرودیس که بسبب
- هیرودیا زن برادر فیلیپوس و بسبب قبایح و بیکر که متوجه میبود
- ۲۰ از او ملامت یافته بود * این را نیز بر آنها مزید کرد که یحیی را در
- ۲۱ زندان محبوس گردانید * و چونکه تمامی مردم عسل یافتند
- و عیسی نیز فصل یافته و عا مینمود چنین بوقوع پیوست که آسمان
- ۲۲ باز شده * و بصورت جسمانی روح القدس چون کبوتری بر او
- نازل شده و آوازی از آسمان بر آمد که گفت توئی پسر محبوب
- ۲۳ من و بتو رضامند میباشم * و عمر عیسی تخمینا آغاز بسی سال
- ۲۴ بود و چنانچه گمان میداشتند بود پسر یوسف پسر مالی * پسر
- ۲۵ متثان پسر لاوی پسر ملخی پسر یانا پسر یوسف * پسر مطاشیا

۲۶ پسر عاموس پسر ناخوم پسر اسلی پسر نجی * پسر مات پسر مطاشیا
 ۲۷ پسر شمعی پسر یوسف پسر بهووا * پسر یوحنا پسر ریضا پسر
 ۲۸ زور بابل پسر سالائیل پسر نیری * پسر ملخی پسر اوی پسر قوصام
 ۲۹ پسر سموام پسر آئیر * پسر یوسی پسر ایلعازر پسر یوریم پسر
 ۳۰ متئات پسر لاوی * پسر شمعون پسر بهووا پسر یوسف پسر
 ۳۱ یونان پسر ایلیاقیم * پسر میلیا پسر مانیان پسر مطاشیا پسر
 ۳۲ نائان پسر داود * پسر یستی پسر عبید پسر باعاز پسر سلمون
 ۳۳ پسر نخشون * پسر عمداب پسر ارام پسر حصرون پسر فارض
 ۳۴ پسر بهووا * پسر یعقوب پسر اسحاق پسر ابراهیم پسر تاریخ پسر
 ۳۵ ناخور * پسر ساروغ پسر زاغا پسر فالخ پسر عایر پسر صالا * پسر
 ۳۶ قنیاں پسر ارفخشید پسر سام پسر نوح پسر لامح * پسر ماتوشلح پسر
 ۳۸ اخنوخ پسر یارو پسر مهلائیل پسر قینان پسر انوش پسر شیت
 پسر آدم پسر الله

باب چهارم

۱ وعیسی از روح القدس مملو بوده از رو اردن مراجعت فرموده
 ۲ بقوت روح در بیابان روان گشت * مدت چهل روز ابلیس
 اورا ممتحن میساخت و در آن اوان مطلقاً نمی خورد و چون
 ۳ آن ایام با تمام رسید در آخر کرسنه گشت * ابلیس اورا گفت
 ۴ چنانچه تو پسر خدا هستی بفرما این سنگ را تانان شود * وعیسی
 در جواب با وی گفت که نوشته شده است که انسان نه همین
 ۵ بمخرد نان خواهد زیست بلکه بهر نوع فرموده خدا * ابلیس اورا
 بر کوه بلندی آورده تمامی ممالک ربع مسکون را در آنی وی

- ۶ نمودار کرد * گفت ویرا ابلیس که من جمیع این قدرت و شان را
- بتو خواهم داد زیرا که وا گذاشته شده است بمن و هر آنکس را
- ۷ که خواهد وهم * و چنانچه در پیش من سجده نمائی اینهمه تورا
- ۸ خواهد بود * عیسی در جواب باو فرمود که بعفت برو ای شیطان
- زیرا که نوشته شده است که تو خدای خود خداوند را ستایش کن
- ۹ و او را بتنهائی بنده کسی نما * پس او را باور شلیم آورده بر کنکره
- هیکلش ایستاده نمود و گفتش چنانچه تو پسر خدا هستی خور را از
- ۱۰ اینجا بیائین انداز * زانرو که نوشته شده است که او بفرشتگان
- ۱۱ خور در باره تو حکم خواهد فرمود که تورا حراست نمایند * و اینکه
- تورا بروستها خواهند برداشت که مبادا پای تو از سنگ کوفت
- ۱۲ یابد * عیسی در جواب با وی گفت که گفته شده است که تو
- ۱۳ امتحان تمامی خداوند خدای خور را * و ابلیس تمامی امتحانات را
- ۱۴ تمام نموده مدتی از وی جدا گشت * و عیسی بقوت روح بسوی
- ۱۵ جلیل برگشت و آوازه او بتمامی مرز و بوم اطراف پیچید * و او
- ۱۶ در مجامع آنها را تعلیم میداد و همگی او را تحسین می نمودند * و او تا
- ناصره محلی که تربیت یافته بود آمده و در روز سبت بر حسب
- ۱۷ رسم خور در مجمع در آمده برای تلاوت برخاست * و کتاب
- اشعیه پیغمبر باو داده شد و او باز نموده مقامی را یافت که در آنجا
- ۱۸ مرقوم است * که بر منست روح خداوند برای کاری که مرا برای
- آن مسح فرموده و فرستاد مرا که بفقیران مژده آرم و دل شکستگان را
- ۱۹ شفا بخشم * و وهم خبر رستگاری با سیران و بینائی بکوران و آزاد
- ۲۰ سازم جرات دیده کانرا و ندا کنم بسال مقبول خداوند * پس

کتاب را بسفید پسر هنک داده بنشست و همگی مجمع چشمهای
 ۲۱ خور را بر او دوختند * و بانها آغاز تکلم فرموده که امروز این کتاب
 ۲۲ تکمیل یافته است در کوشهای شما * و همه برای وی شهادت
 داده و از سخنان مهر آمیزی که از دهانش بیرون می آمد تعجب
 ۲۳ کرده میگفتند که آیا نیست این پسر یوسف * و بانها گفت که
 ہی شبه این مثل را بمن خواهید آورد که طیب خور را شفا
 بخش و آنچه را که در کفناحوم شنیدیم که واقع شده است در
 ۲۴ اینجا نیز که وطن تست کرده باش * و باز گفت که من بدرستی
 گویم شمارا که هیچ پیغمبری در وطن خود قبول کرده نمی شود
 ۲۵ * و من به تحقیق شمارا گویم که در ایام الیاس در اوانی که از
 آسمان مدت سه سال و شش ماه باران منقطع گردید بنوعی که
 کرانی عظیمی در تمامی زمین هویدا گشت بوزند بیوه های بسیار
 ۲۶ در اسرائیل * لیکن الیاس فرستاده نشد بنزد هیچ یک از آنها
 ۲۷ مگر بصارقیه صیدا بنروزن بیوه * و در زمان الیشع پیغمبر بوزند
 مبروص بسیاری در اسرائیل و نشد هیچ کس از آنها مضمی
 ۲۸ مگر نعمان سیری * و چون شنیدند این سخنان را تمامی اهل
 ۲۹ مجمع غضبناک گشته * برخاسته از شهرش بیرون نموده بدامن
 کوهی که شهر ایشان بر آن بنا شده بود آورده که از کوه سر
 ۳۰ ازیرش نمایند * لیکن او از میان آنها گذشته روان گردید * و بکفناحوم
 که شهر است از شهرهای جلیل آمده در روز سبت ایشانرا
 ۳۱ تعلیم می نمود * و از تعلیم کردنش متحیر میبوزند زیرا که کلامش با
 ۳۲ قوت میبوز * و در آن مجمع بود کسی که در آن بود روح دیو

۳۲ پلید باواز بلند فریاد کرد * که واکنار مارا چه کار است تورا ای
 عیسای ناصری کویا که آمده که مارا هلاک کردانی می شناسم که
 ۳۵ کیستی تو ای مقدس الله * عیسی اورا نهیب کرده گفت که
 خاموش باش و بیرون آمی ازو پس آن دیو اورا در میان
 ۳۴ انداخته ازو بیرون شد و اورا مطلقاً ضرری نه رسانید * و همگی از
 آن بشکفت آمده با یکدیگر میگفتند که این چه نوع کلامیست که
 بقدرت و توانائی با روح پلیده فرمان داده بیرون می آیند
 ۳۸ * وصیت او باطراف همه مرزوبوم پیچید * و او از مجمع برخاسته
 بخانه شمعون در آمد و مادر زن شمعون بتب شدیدی مبتلا بوده
 ۳۹ اورا در باره او التماس نمودند * و بنزد وی ایستاده تب را نهیب
 نمود که ازو زایل شده اوفی الفور برخاسته ایشانرا خدمت کردن
 ۴۰ گرفت * و در غروب آفتاب همه آنانی که کسان ایشان
 گرفتار بودند بناخوشیهای کوناگون ایشانرا بنزدش آوردند و او
 و ستهای خویش بر هر یک از آنها نهاده ایشانرا شفا می بخشید
 ۴۱ * و از داخل اکثری مردم دیوان بیرون رفته فریاد مینمودند که تویی
 مسیح پسر خدا و او ایشانرا نهیب کرده اجازت بگفتن اینکه دانسته
 ۴۲ بودند که او مسیح است نغمه * چونکه هنگام روز آمد بیرون رفته
 بویرانه رسید و طوائف جستجویش نموده باو رسیده چنگ در وی
 ۴۳ زدند که مبارک از میان ایشان بدر رود * ایشانرا گفت که
 بایست مرا که مژده ملکوت خدا را بشهرهای دیگر برسانم زیرا که
 ۴۴ فرستاده شده ام برای همین کار * پس در مجامع جلیل پیوسته
 وعظ مینمود

باب پنجم

- ۱ وچون بر کناره دریاچه کنیسترت ایستاده بود و گروهی بر وی
- ۲ هجوم نمودند که کلام خدا را بشنوند * دید دو کشتی را که بکناره دریاچه
- ۳ ایستاده بود و ماهی گیران از آنها برآمده و امهارامی شستند * بر
- یکی زان کشتیان که زان شمعون بود سوار شده از در خواست
- نمود که کشتی را از کناره اندکی دور نماید پس در آن نشسته مردم را
- ۴ تعلیم میفرمود * وچون تکلم بانجام رسید شمعون را فرمود که
- ۵ برانید بعمق بحرویندازید و امه های خورا برای شکار * شمعون
- ویرا جواب داده گفت ای مولا ما تمام شب زحمت کشیده هیچ
- ۶ صید نموده ایم لیکن بفرموده تو و ام را خواهم انداخت * چون
- چنین کردند بقدر انبوهی از ماهیان اطاع نموده که و ام ایشان
- ۷ می کسینت * زرقائی که در کشتی ویکر بودند اشاره کردند که
- آنها آمده کومک نمایند پس ایشان آمده هر دو کشتی را بنهجی
- ۸ انباشتند که مشرف بغرق میبوزند * چون شمعون بطرس
- این را دیده بر زانوهای عیسی افتاده عرض کرد که ای مولا از
- ۹ من جدا شو زیرا که من مردی هستم کناه کار * زیرا که بسبب
- شکار ماهیانی که بچنگ آورده بودند حیرت او وهمه رفیقانش را
- ۱۰ فرو گرفته بود * و همان قسم پسران زبدریا یوحنا و یعقوب که
- شمعون را شریک میبوزند و عیسی شمعون را فرمود که مترس که
- ۱۱ ازین هنگام تو مردم شکار خواهی بود * آنگاه کشتیانرا بساحل
- ۱۲ کشیده همگی چیزها را گذاشته از عقبش روان شدند * و در
- هنگامی که در یکی از شهرها بود نگاه مردی که بر بود از برص

- عیسی را دیده و بر رو افتاده است دعا نموده گفت مولانا اگر خواهی
 ۱۳ توانی که پاک نمائی مرا * پس دست را دراز نموده و او را لمس
 ۱۴ نموده فرمود که خواهم مصفی شو * و در زمان برص او رقع
 شده او را فرمود که به چیکس مگو بلکه از آنجا رفته خود را بکاهن
 تما و چنانچه موسی حکم نموده است هدیه برای طهارت خود
 ۱۵ بگذاران تا برای آنها شهادتی باشد * لیک آوازه او بیشتر از
 بیشتر روان شده گروهی انبوه با اتفاق آمده تا که کلامش را
 ۱۶ شنیده و شفای بیماران خود را از دریابند * و لیک او در صحاری
 ۱۷ متواری بوده بدعا اشتغال مینمود * و یکروز چنین وقوع یافت
 که او تعلیم میداد و بعضی از فریسیان و فقها که از تمامی قراء
 جلیل و پرهیز و اورشلیم آمده بودند نشسته و حاضر بود قوت شفا
 ۱۸ بخش خداوند * و نگاه کسانی چند شخصی را که فالج بود بر تختی
 ۱۹ آورده خواستند که او را باندرون آورده بتزوش گذارند * چون
 بسبب از دام خلق راه نیافتند که او را باندرون داخل نمایند
 بر بام رفته او را از میان سفالها با تخت در پیش روی عیسی
 ۲۰ در وسط نهادند * چون او ایمن آنها را ملاحظه نمود و پراگفت که
 ۲۱ ای شخص کنایان تو آمرزیده شده است و نویسنده کان و
 فریسیان در فکر افتاده گفتند که این کیست که کفر میگوید
 ۲۲ کیست که تواند کنایانرا آمرزید جز خدا و بس * و عیسی تصورات
 آنها را دریافت نموده ایشانرا جواب داده فرمود که در دلها می
 ۲۳ خو چه تصور میکنید * کدامست اسهل گفتن که کنایانست
 ۲۴ آمرزیده شد یا گفتن که بر خیز و بخرام * ولیکن تابانید که فرزند

- انسان بر زمین اختیار وارد که پیامرزدکنانرا مملوج گفت که تورا
 ۱۵ کویم که بر خاسته و تخت خود را بر داشته بخانه خود روان شو * واو فی
 الفور در نزد ایشان تختی را که بر آن خوابیده بود برداشته و خدارا
 ۲۶ حمد گوید. خانه خودش روان شد * و تحیر همگی را فرو گرفته و خدارا
 سپاس نمودند و ترسناک گشته میبگفتند که ما امروز امور غریبه
 ۲۷ مشاهده نموده ایم * و بعد از آن بیرون رفت و باج خواهی را که
 لوئی نام داشت دید که بر باجگاه نشسته است و پرا فرمود که از
 ۲۸ عقب من آی * واو همه چیز را ترک نموده بر خاسته از عقب او
 ۲۹ روان شد * و لوئی ضیافت عظیمی برای او در خانه خود مهیا
 نموده و در آنجا گروهی بسیار بودند از باج خوانان و دیگران که از
 ۳۰ هم نشینان بودند * و نویسنده کان ایشان و فریسیان غوغا نموده
 بشاکردان او گفتند که چرا میخورید و می نوشید شما با باج خوانان
 ۳۱ و کناه کاران * عیسی ایشانرا جواب داده فرمود که تن درستان را
 ۳۲ احتیاجی بطیب نیست بلکه بیماران را ست * و نیامده ام
 ۳۳ من که نیکانرا بتوبه صلاوهم بلکه کناه کارانرا * آنها گفتندش که
 چونست تلامیند بچی و ایم روزه دارند و وعانانید و همان دستور
 تلامیند فریسیان نیز اما شاکردان تو و ایم میخورند و می آشامند
 ۳۴ * ایشانرا فرمود آیا شما سوریانرا ماوامی که و اماو با ایشانست
 ۳۵ توانید روزه دار نمود * ولیک آید آیامی که و اماو از پیش آنها
 ۳۶ برداشته خواهد شد و در آن ایام روزه خواهد داشت * واو مثلگی
 برای آنها آورد که نمیدوزد هیچ کس برخت کهنه پارچه رخت
 نورا و الا رخت نو نیز از آن شکافد و پارچه نو با کهن موافقت

۳۷ نماید * و هیچ کس شراب نورا در مشکهای کهنه نماید والا شراب نو مشکها را پاره نموده و خور ریخته میشود و مشکها تباه خواهد گشت *
 ۳۸ ولیکن شراب نورا در مشکهای نو باید گذاشت تا ۳۹ هرو روز باقی ماند * و هیچ کس نیست که شراب کهنه را آشامیده نورافنی الفور خواهش نماید زیرا که کوید کهنه نیکوتر است

باب نهم

- ۱ و در آنروز شنبه که بعد از شنبه بر رکست چنین اتفاق افتاد که چون از میان زراعتها عبور می نمود شاکروانش خوشهها را چیده
- ۲ بدستها مالیده میخوروند * و بعضی از فریسیان بایشان گفتند که چرا میکنید چنین کاری را که در سبت کردن آن جایز نیست
- ۳ * عیسی ایشانرا جواب فرمود که آیا نخوانده اید آنچه را کرد داود و رفقای او در وقتی که گرسنه بود * که چه سان او در خانه خدا در آمده نانهای تقدیم را که خوردن آنها جایز نیست هیچ کس را جز کاهنان و بس بر داشت و خور تناول نمود و رفقای خویش را
- ۵ نیز داد * و نیز آنها را فرمود که فرزند انسان خداوند سبت نیز می باشد * و در سبت دیگر اتفاق افتاد که او در مجمع در آمده تعلیم می نمود و شخصی در آنجا حاضر بود که دست راستش خشک می بود
- ۷ * و نویسنده کان و فریسیان او را مترصد میبوزند که شاید او را در سبت شفا دهد تا جای شکایت بر او یابند * و خور تصورات آنها را دریافته بان شل فرمود که بر خیز و در میانه بایست پس
- ۹ او برخاسته و ایستاد * ایشانرا گفت که چیزی شمارا بهرسم آیا نیکویی نمودن در روز سبت جایز است یا بدی نمودن را نهیدن

- ۱۰ نفسی را یا هلاک نمودن * پس باطراف بهمکنی آنها نگاه نموده
 آن شخص را فرمود که دراز کن دست خور را و او چنان نمود
 ۱۱ آن دست چون دیگر دستش درست گردید * و آنها چون
 ۱۲ دیوانگان شده باهم میگفتند چه کنیم عیسی را * و در آن ایام
 چنین اتفاق افتاد که بسوی کوه بقصد نماز بیرون رفت و در
 ۱۳ دعای خدا شب را بسر برده * چون روز برآمد شاگردان خویش را
 پیش خوانده و وازده نفر را از آنها اختیار فرموده بحواری مسمی
 ۱۴ نمود * یعنی شمعون را که پیطرس ملقب فرمود و برادرش
 ۱۵ اندریاس و یعقوب و یوحنا و فیلیپوس * و بر تلما و متی و ثوما و یعقوب
 ۱۶ پسر حلفی و شمعون که بغیور ملقب است * و یهوای برادر
 ۱۷ یعقوب و یهوای اسخر یوطی که خاین گردید * و آنها پائین
 آمده بر میدان ایستاد و جماعت شاگردانش و گروهی وافر از تمامی
 یهودیه و اورشلیم و اطراف دریائی صور و صیدا که از برای استماع
 ۱۸ کلامش و شفا یافتن از امراض آمده بودند * و اشخاصی که از
 ۱۹ ارواح پلیده صدمه می یافتند نیز شفای یافتند * و تمامی آن گروه
 میخواستند که او را مس نمایند از آنجا که قوت از او نشر میشود
 ۲۰ و همه را تندرست می نمود * و چشمان خویش را بشاگردان انداخته
 فرمود خوشحال شما ای مسکینان زیرا که ملکوت خدا زان
 ۲۱ شماست * و خوشحال کسانی که الحال کرسنه میباشید زیرا
 که سیر خواهید گردید و خوشحال با حوال شما که الحال گریانید زیرا
 ۲۲ که خواهید خندید * و خوشحال شما که مروم برای فرزند انسان
 شمار دشمن دارند و جدا سازند و رسوا کنند و بیرون نمایند نام

- ۲۳ شمارا چون نام بد * و در آنوقت خوشوقت باشید و فرح نمائید زیرا که بسیار است در آسمان مژده شما که کردند پدران آنها به
- ۲۴ پیغمبران مثل اینهارا * لیکن وای بر شما ای کسانیکه صاحب دولت میباشد زیرا که شما تسلی خود را تمام یافته اید
- ۲۵ * و وای بر شما ای سیر شده کان زیرا که کرسنه خواهید کشت وای بر شما که الحال میخندید زیرا که خواهید نمود کریمه وزاری
- ۲۶ * وای بر شما وقتی که تمامی خلق شمارا تحسین نمایند زیرا که اجداد ایشان چنین کردند مر پیغمبران کاذب را * و شمارا که می شنوید
- میکویم که دشمنان خود را دوست دارید و نیکی کنید کسان را
- ۲۸ که عداوت کنند شمارا * و تبرک کوئید اشخاصی را که لعنت کنند
- ۲۹ شمارا و دعای خیر نمائید آنانی را که با شما بد رفتاری نمایند * و آنکس که تورا بر رخ زنده رخ دیگر را پیش آر و آنکس که می کیرد قبای
- ۳۰ تورا از گرفتن پیراهنش منع نما * و هر کس که سؤال نماید تورا
- ۳۱ بده و از آنکس که کیرد چیزهای تورا باز مخواه * و چنان که میخواهید مردم نشاء عمل کنند شما نیز بهمان طور بایشان عمل نمائید
- ۳۲ * چه اگر دوست دارید آنانی را که دوست دارند شمارا مر چیست فضیلت شمارا زیرا که بدکاران نیز دوست دارند کسان را
- ۳۳ که دوست دارند ایشانرا * و اگر نیکی کنید کسان را که نیکی کنند شمارا چه چیز است فضیلت شما زیرا که کناه کاران نیز
- ۳۴ اینچنین کنند * و اگر عاریت دهید ایشانرا که امید باز یافتن از ایشان دارید پس چیست شرافت شما زیرا که کناه کاران
- ۳۵ بکناه کاران نیز عاریت دهند که عوض یابند * اما دشمنان خود را

دوست دارید و نیکی نمائید و عاریت دهید بدون امید عوض و مرد
 شما بسیار خواهد بود و فرزندان الاعلا خواهید بود زیرا که او بر نا
 ۳۶ شکران و بدکاران نیز مهربانست * پس رحیم شوید آن چنان که
 ۳۷ پدر شما رحیم است * و عیجیوئی نمائید که بر شما عیب نخواهند
 جست و تحکم بر کسی نمائید که بر شما تحکم نخواهد شد بیامزید
 ۳۸ تا آمزیده شوید * بدهید تا واوه شود شمارا و پیمانۀ خوب تپانیده
 جنبانیده و لبریز شده را بدامن شما خواهد ریخت که پسموده خواهد
 ۳۹ شد برای شما به پیمانۀ که می پمائید * و با آنها این مثل را آورد که
 آیا تواند کورمی که رهنائی نماید کورمی دیگر را آیا که نخواهند افتاد
 ۴۰ هر دو در خندق * و شاگرد را تفوقی بر استاد خود نیست بلکه هر
 ۴۱ کس که کامل شود مثل استاوش خواهد بود * و چونست که تو
 آن خاشاک را که در چشم برادر نست می بینی و آن شاه تیر را
 ۴۲ که در چشم نست نمی نگر می * چگونه است که برادر خود را توانی
 گفت ای برادر بگذار مرا که این خاشاک را که در چشم تست
 بیرون کنم و آن شاه تیر را که در چشم تست ملتفت نیستی ای
 حیلۀ باز نخستین شاه تیر را از چشم خود بیرون آر آنکاه خوب
 ۴۳ خواهی دید که از چشم برادرت خاشاک را بیرون کنی * زیرا که
 نیست هیچ درخت نیکوئی که ثمر بد بار آرد و نه درخت زشتی که
 ۴۴ میوه نیکو آرد * هم چنانکه شناخته میشود هر درخت از میوه خود
 از درخت خاریبند انجیر را و چینند از بوته خار خوشه های انکور را
 ۴۵ * و بیرون آرد مرد نیکو از خزانه نیکوی دل خود چیز نیکو را و بیرون
 آرد مرد بد از خزانه بد و لاش چیز بد را زیرا که تکلم کند و دانش از

۲۶ لبریزی آنچه ویرا در دلسنت * وچونسنت که شما مرا آقا آقامی
 ۲۷ نامید و آنچه میفومایم بعمل نمی آرید * هرکس که بنزد من آید
 ۲۸ وکلام مرا شنیده بجا آرد گویم شمارا که چه کس را ماند او * آنکس را
 ماند که خانه را میساخت وکنده و عمق واده بنیادش را بر سنگ
 نهاده چون طوفان آمد سیل بر آن خانه صدمه زد نتوانست که
 ۲۹ آنرا از جایی کند زیرا که بنیادش بر سنگ بود * و آنکس که شنود
 و بجا نیارد آنکس را ماند که خانه بی بنیادی بر زمین ساخته باشد
 که چون سیل صدمه زد فی الفور افتاد و شکستگی آخانه
 عظیم بود

باب هفتم

۱ و چون تمامی سخنهای خور را بسمع خلق رسانیده داخل بکفر ناحوم
 ۲ کردید * و یکی از یوز باشیانرا غلامی بود که نزدیک وی بسیار عزیز
 ۳ میبود و از مرض قریب . هلاکت میبود * چون خبر عیسی را شنیده
 جمعی از مشایخ بهودرا نزدش روان نمود که از او استعدا نمایند که
 ۴ آمده غلام اورا نجات بخشند * پس ایشان بنزد عیسی حاضر
 شده التماس بابر ام نموده گفتند که این لایق است آنرا که بر آن
 ۵ احسان نمائی * زیرا که او دوست دارد قوم ما را و خود نیز مجمع
 ۶ برای ما ساخته است * پس عیسی باتفاق ایشان روان گردیده
 و در حوالی خانه آن یوز باشی رسیده بود که جمعی از دوستانرا
 بنزدش فرستاده گفت که یا خداوند خور را زحمت مده زیرا که من
 ۷ شایسته آن نیستم که در زیر بام من درائی * و هم ازین سبب
 خور را قابل آن ندیدم که بخدمت آمده باشم لیک یک کلمه

- ۸ بفرما که غلام من شفا خواهد یافت * که من مردی هستم محکوم در تحت دیکری و میدارم در تحت خود سپاهیان را هرگاه بیکی بگویم برو رود و بدیکری بیا آید و با غلام خود که بکن این را کند
- ۹ * عیسی این سخنانرا شنیده تعجب فرموده و برگشته بحجمعی که بعقب اومی بوزند فرمود که شما را میکویم که من اینچنین ایمانی
- ۱۰ در اسرائیل ندیدم * چون کسانی که فرستاده شده بوزند بر
- ۱۱ کشتند بخانه غلام بیمار را تدرست یافتند * و در روز دوم آنچهان اتفاق افتاد که بسوی شهری که ناین نام دارد راه میرفت
- ۱۲ جمعی که شاگردانش میبوزند و گروهی انبوه با وی میرفتند * و چون بدروازه شهر نزدیک شد چنان شد که مرده را بیرون می آوردند که مادرش را همان یک فرزند بود و او زن بیوه بود و گروهی از
- ۱۳ اهل شهر با آنرن بوزند * و خداوند او را دیده بروی ترخم فرمود
- ۱۴ و او را گفت کریه مکن * و نزدیک آمده تابوت را مس کرده تا
- ۱۵ حاملانش ایستادند فرمود ای جوان تو را کویم برخیز * پس آن مرده راست نشسته آغاز سخن گفتن نمود پس او را با درش
- ۱۶ تسلیم کرد * پس خوف همرا فرو گرفته خدا را سپاس میبوزند و میگفتند پیغمبری کلان در میان ما مبعوث شده است و اینکه
- ۱۷ نظر کرده است خدا بر قوم خود * پس این شهرت در باره وی
- ۱۸ در همگی مرز و بوم اطراف پیچید * و بجایی را شاگردانش تمامی این
- ۱۹ چیزها مخبر نمودند * پس بجایی دو نفر از شاگردان خود را طلب فرموده بنزد عیسی روان نمود و گفت آیا تو آنی که آمدنش ضرور
- ۲۰ میبود یا دیکر را منتظر باشیم * و آن مردان نزد وی آمده گفتند که

- یحیی غسل دهندہ مارا بنزو تو فرستادہ کفۃ است کہ آیا آنکسی
 ۲۱ کہ آمدنت ضرور بود یا ما منتظر باشیم ویکریرا * دور آنساعت
 بسیاریرا از بیمارہا ووروا وروحہای شریر شفا دادہ ویکوران
 ۲۲ بسیار بینائی بخشید * عیسی ایشانرا جواب دادہ فرمود کہ بروید
 آنچه دیدید وشنیدید یحیی را خبر دهید کہ کوران بینا و لنگان روان
 و مبروصین پاک و کوران شنوا و مرده کان برخاستہ میگردند و بفقیران
 ۲۳ مژوہ دادہ میشود * و خوشا حال آنکس کہ در بارہ من لغزش
 ۲۴ نیابد * چون فرستادہ کان یحیی رفتند بطوایف آغاز تکلم در بارہ
 یحیی فرمودہ کہ برای دیدن چہ چیز شما در دشت رفتید آیا
 ۲۵ نثی را کہ بہوا می جنبد * و برای دیدن چہ چیز بیرون شتافتید آیا
 کسی کہ بلباس نرم ملبس است اینک کسانیکہ لباس فاخر
 ۲۶ دارند و عیش و عشرت کنند در دولتخانہای پادشا مانند * و بقصد
 دیدن چہ چیز بیرون رفتید آیا پیغمبری بلی شمارا میگویم بلکہ
 ۲۷ پیش از پیغمبری * اینست کہ در شان او نوشته شدہ است
 اینک من قاصد خور را پیش روی تو میفرستم کہ راہ تورا در پیش
 ۲۸ روی تو مہیا خواہد کردانید * و میگویم شمارا کہ در میانہ انہای نسا
 پیغمبری بزکتر از یحیی غسل دهندہ نیست لیکن آنکس کہ
 ۲۹ در ملکوت خدا کوچک تر است اوست بزرگ تر از او * تمامی
 خلق چون این را شنیدند و باج خوانان نیز تصدیق کردند خدا را کہ
 ۳۰ بغسل یحیی غسل یافتہ بودند * و فریسیان و فقیہان خواہش
 ۳۱ خدا را در شان خود ضایع کردند زیرا کہ ازو غسل نیافتند * خداوند
 فرمود کہ من اشخاص این طبقہ را بچہ تشبیہ کنم و آنہا کراماتند

- ۳۲ * آن اطفال را مانند که در بازار نشسته هم ویکرا خوانند و گویند که ما برای شمانی زودیم و شما رقص نکرودید و نوحه برای شما نمودیم
- ۳۳ نکر یستید * زیرا که چینی غسل و هنده آمده است که نه نان
- ۳۴ مخورو و نه شراب می آشامد شما گوئید که دیو دارد * و فرزند انسان که آمده است خورنده و آشامنده گوئیدش مرد آکول
- ۳۵ می پرست و هواخواه باج خوانان و کنه کاران * ولیکن حکمت
- ۳۶ تصدیق می یابد از همه فرزندان خود * یکی از فریسیان ویرا
- سؤال نمود که باوی خورده باشد چیزی را پس بخانه فریسی
- ۳۷ و رآمده بنشست * نگاه زنی از آن شهر که کنه کار میبود چون یافت که او در خانه فریسی نشسته است حقه عطری پیدا نموده
- ۳۸ پس بعقب سر او کریان نزدیک پایهایش ایستاده شروع بتر کردن پایهای او باشک خود نموده و بمویهای سر خود خشک
- ۳۹ نموده و پایهایش را می بوسید و عطر می مالید * آن فریسی که او را خوانده بود این مقدمه را ملاحظه کرده با خود میگفتند چنانچه اینکس بیغمبر بودی هر آئینه یافتی که این زن او را مس میکنند
- ۴۰ کیست و چه قسم زنیست زیرا که کنه کار است * عیسی تکلم فرموده ویرا گفت ای شمعون چیزی دارم بتو اظهار میکنم
- ۴۱ گفت ای استار بفرما * گفت طلبکاری را دیده کار بوزند که یکی
- ۴۲ پانصد دینار بده داشت و دیگری پنجاه دینار * چون چیزی نداشتند که او نمایند هر دو را بخشید پس بگو که کدام یک از آنها او را
- ۴۳ بیش دوست خواهد داشت * شمعون در جواب عرض کرد که کمان دارم که آنکس که باو بیشتر بخشیده است فرمود

۲۲ بر استی جواب واوه * و بان زن اشارت نموده شمعون را گفت
 این زن را می بینی من در خانه تو در آمده آب برای پاهای من
 نیاوردی اما او پاهای مرا بشکها شسته بمویهای سر خود خشک
 ۲۵ نمود * تو مرا نبوسیدی و او از وقت آمدنم از بوسیدن پاهای من
 ۲۶ باز نایستاده است * و تو سر مرا برون چرب نمودی او پاهای
 ۲۷ مرا عطر مالید * و جهت این بتو میگویم که کنان بسیار او
 آمرزیده شد زیرا که بسیار دوست داشت و آنکس که اندک
 ۲۸ دوست دارد برای او اندک آمرزیده شود * و آن زن را گفت که
 ۲۹ کنان تو آمرزیده شد * وهم نشینان آغاز تکلم بیکدیگر نمودند که
 ۵۰ کیست این که کنانرا نیز آرزو * زن را فرمود که ایمان تو تورا
 نجات داده است برو سلامت

باب هشتم

۱ و بعد ازین بوقوع پیوست که او شهر بشهر و ده بده رفته ندای کرد
 و مژده ملکوت خدا را میداد و آن دوازده نفر او را همراه میبوزند
 ۲ * و بوزند چند زن نیز که از ارواح پلیده و بیمارها شفا یافته یعنی
 ۳ مریم که بمجدلیه مسمی بود که از هفت دیو اخراج شده بود * و یوحنا
 زوجه خوزا خزانه دار هیروودیس و سوسن و زنان بسیار دیگر که او را
 ۴ خدمت می نمودند از مال خود * و چون جمعیتی وافر و کسانیکه
 از هر شهر بنزدش آمده بوزند مجتمع گردیدند مثالی را نقل نمود
 ۵ * که ترمزگری برای پاهین تخم بیرون شتافت و چونکه تخم را می
 پاشید قدری برکناره راه ریخته و پایمال کشته و پرنده کان هوا آنرا
 ۶ برچیند * قدری دیگر برسنگ ریخته روئید و پرنده شد زیرا که

- ۷ ریشه نداشت * وقدری در میان خارا ریخته خارا با آن بهم بر
 ۸ آمده آنرا خفه نموند * وقدری بر زمین نیکو افتاده روئید و صد
 چندان ثمر داد چون این را فرمود پس فریاد نمود که هر کس که
 ۹ کوش شنوا وارو بشنوو * شاکروان پرسیدندش که چه چیز است
 ۱۰ این مثل * گفت که معرفت اسرار ملکوت خدا سپروه شده
 است بشما و دیگرانرا بمثلها که چون بینند نه بینند و چون شنوند
 ۱۱ نفهمند * ومثل اینست که آن تخم کلام خداست * آنچه بر سر
 راهست آنانی هستند که می شنوند و ابلیس آمده کلام را از دل
 ۱۳ ایشان میرباید که مبادا ایمان آورده نجات یابند * واصحاب
 سنک آنانند که چون بشنوند کلام را بخوشی پذیرند لیکن بیخی
 ۱۲ ندارند بلکه مدتی ایمان آورده در زمان امتحان بر میگردند * و آنچه
 در میان خارا افتاد آنانند که شنیده اند و رفته بتفکرات و دولت
 ۱۵ ولذات و نیوی مخنوق کوریده و ثمره را بکمال نرسانند * و آنچه
 بر زمین نیکو افتاد آنانند که بدل خوب و نیکو کلام را شنیده در
 ۱۴ میگیرند و ثمره بدوام می آزند * هیچ کس چراغی را روشن نموده که
 آنرا در ظرفی پنهان نماید یا زیر تخت گذارد بلکه بر چراغدان
 ۱۷ گذارد تا واغال شونده کان نور آنرا ادراک کنند * زیرا که هیچ
 پنهان نیست که آشکار خواهد گشت و نه هیچ مجهول که معلوم
 ۱۸ و روشن خواهد گشت * پس توجهه نمائید که چگونه می شنوید زیرا
 که کسی که دارد باو داده خواهد شد و کسی که ندارد آنچه را هم که
 ۱۹ گمان آورد که دارد ازو گرفته خواهد شد * و مادر و برادرانش
 بنزدیک وی آمده بسبب کثرت خلق فرصت ملاقاتش نمی

- ۲۰ یافتند * و اورا خبر داده گفتند که ما در ویرادرانت بیرون ایستاده
- ۲۱ خواهند که تورا ملاقات نمایند * ایشانرا جواب داده گفت که ما در ویرادران من آناتند که کلام خدا را شنیده بر آن عمل نمایند
- ۲۲ * و اینچنین اتفاق افتاد که روزی او وشاکروانش در کشتی در آمدند و ایشانرا فرمود که بانطرف دریاچه روان شویم پس ایشان
- ۲۳ روان شدند * و وقتی که آنها بر دریاچه میرفتند اورا خواب ربوده طوفان بر دریاچه فرود آمد پس کشتی آنها پر میشد و در خطر
- ۲۴ میبوزند * پس ایشان پیش آمده اورا بیدار نموده می گفتند مخدوما مخدوما هلاک می شویم و او برخاسته باد و تلاطم آب را نهیب
- ۲۵ کرده پس باز ایستاده ساکن شدند * و ایشانرا فرمود که کجاست ایمان شما آنها خایف شده و متعجب گشتند و میگفتند با یکدیگر که کیست این شخص که نیز سیادنا و آب حکم میناید و اورا
- ۲۶ اطاعت مینمایند * و ایشان تا مرزوبوم کدرئین که مقابل جلیل است رسیدند * چون بر ساحل فرود آمد شخصی از شهر که مدت مدیدی بود که دیوان در او بودند و لباس پوشیده و در خانه
- ۲۸ نموده بلکه در مقبره بسر میبرد ویرا دو چار شد * و چون عیسی را دیده فریاد نموده به پیش او افتاده باواز بلند گفت که اسی عیسی پسر خدای متعال مرا چه کار است باتو از تو استند عا مینایم که مرا
- ۲۹ عذاب ندهی * چه او روح پلیدرا حکم نموده بود که از درون آن شخص بیرون آید زیرا که بارها میکرفتتش باوجود آنکه اورا برنجیرها و کندا حبس نموده محافظتتش مینمودند کندهارا شکسته و از راندن
- ۳۰ ویو بسوی بیابانها میرفت * عیسی پرسیدش که نامت چیست

- ۳۱ گفت فوج زیرا که دیوان بسیار در او در آمده بودند * و ازو استندنا
 ۳۲ نمود که آنها را نفرماید که بترف روند * و بودند در آنجا کله خوک
 بسیاری که بر کوه میچیزند ازو خواهش نمودند که اجازت دهد که
 ۳۳ در آنها در آیند پس آنها را اجازت داد * آنگاه دیوان از آنکس
 بیرون شده باندرون خوکان در آمده و کله از قله کوه در دریاچه
 ۳۴ افتاده خفه شدند * و شبانان این ماجرا را ملاحظه نموده گریخته
 ۳۵ آمدند و بشهر و دیات خبر دادند * پس ایشان برای دیدن آن
 مقدمه بنزد عیسی رسیده و دیدند آنکس را که دیوان ازو اخراج شده
 بودند که رخت پوشیده و هشیار نزدیک پاهای عیسی نشسته
 ۳۶ است پس ترسیدند * و آنانی که دیده بودند ایشانرا خبر دادند
 ۳۷ آن دیوانه چگونه نجات یافت * پس تمامی خلق مرز و بوم کدرئین
 که در آن حوالی بودند ازوی خواهش نمودند که از نزد آنها بیرون
 زیرا که در خوف عظیم گرفتار شده بودند پس او در کشتی سوار
 ۳۸ شده مراجعت نمود * و آنمرد که دیوان از میانش بدر رفته بودند
 ازو التماس نمود که باوی باشد اما عیسی او را از خوود جدا نموده فرمود
 ۳۹ * بر کرد بخانه خوود و آنچه خدا باتو نموده است بیان کن پس
 روان گردیده و در تمامی شهر آنچه عیسی باوی کرده بود مناوی
 ۴۰ مینمود * چون عیسی برگشت تمامی خلق او را استقبال نمودند
 ۴۱ زیرا که همه انتظارش را می کشیدند * و نگاه مروی که یائیرس نام
 داشت و خوود بر مرکب مجسمی بود آمده بر پاهای عیسی افتاده ازو
 ۴۲ استندنا نمود که بخانه وی در آید * زیرا که بود او را و حتر بکانه قریب
 بدوازده ساله که می مرد و در وقت رفتن خلق او را مزاحم می

- ۲۳ شدند * وزنی بود که مدت دوازده سال بود که خون از وی جاری بود و همگی معیشت خود را بر اطباء خرچ نموده هیچ کس او را علاج
- ۲۴ نمی توانست نمود * او بعقبش در آمده و امن رختش را مس
- ۲۵ نمود فی الفور جریان خورش ایستاد * عیسی فرمود کیست که مرا مس نمود چون همگی انکار نمودند بطرس و رفیقانش عرض کردند که مخدوما خلق هجوم آورده زحمت میدهند تو میفرمائی
- ۲۶ کیست که مرا مس کرد * عیسی فرمود مرا کسی مس کرده است
- ۲۷ زیرا که یافتم قوتی از من بیرون آمد * چون آنزن دید که او پنهان نماد پس لرزان آمده او را سجده نمود و نزد تمامی خلق بیان نمود که
- ۲۸ بچه علت او را مس کرده بود و چگونه فی الفور شفا یافت * ویرا گفت ای دختر خاطر جمع باش که ایمانت تو را نجات داده
- ۲۹ است برو سلامت * و او هنوز تکلم مینمود که کسی از ملازمان رئیس مجمع آمده او را گفت که دخترت مرو است او را تکلیف مکن
- ۳۰ * چون عیسی این را شنیده ویرا در جواب گفت مترس ایمان بیمار
- ۳۱ و بس که نجات خواهد یافت * چون بخانه در آمد هیچ کس را رخصت و خول نفرمود مگر بطرس و یعقوب و یوحنا و پدر دختر و مادرش را
- ۳۲ * و بودند همگی بجهت او گریه کنان و سپینه زنان گفت مگر تید که او نموده
- ۳۳ است بلکه خوابیده است * او را استهزای نمودند بعزت آنکه
- ۳۴ میدانستند که فوت شده است * و او تمامی را بیرون نموده و مستش را
- ۳۵ گرفت و فریاد نمود که ای دختر برخیز * پس روحش بر کشته او فی الفور برخاست پس فرمود که او را چیزی خور اکی داده باشند * و والدینش
- ۳۶ متحیر شدند آنها را حکم فرمود که این واقعه را به هیچ کس مگوئید

باب نهم

- ۱ پس او دوازده شاگرد خود را طلب فرموده. بخشید ایشانرا
- ۲ قدرت و اختیار بر تمامی دیوان و شفا بخشیدن بر بیماران * و آنها را
- ارسال نمود که بملکوت خدا ندا نموده بیمارانرا شفا بخشند
- ۳ * و ایشانرا فرمود که هیچ چیز بجهت سفر همراه خود بردارید نه
- ۴ چوبدستی و نه توبره و نه نان و نه زر و نه یک نفر دو جامه را * و هر خانه
- که داخل شوید در آنجا توقف نموده تا از آنجا بیرون آئید
- ۵ * و اشخاصیکه قبول نمایند شمارا چون از آن شهر بیرون آئید
- ۶ غبار پاپوش خود را بتکانید تا که شهادتی باشد بر آنها * پس
- آنها بیرون رفته گذشتند و ده بده را تماماً دور هر جا متروه میدادند
- ۷ و شفا می بخشیدند * و هر آنچه از وی صادر میشد هیروویس
- رئیس ربع شنیده در تخیر می بود زیرا که بعضی گفتندی که یحیی
- ۸ از میان مردهگان برخاسته است * و بعضی که الیاس ظاهر
- گردیده است و دیگران که یکی از پیغمبران سابق برخاسته است
- ۹ * هیروویس گفت که یحیی را من سر بریدم این کیست که
- اینهارا در باره او می شنوم پس متفحص میبود که او را ملاقات
- ۱۰ نماید * و چون حواریان باز آمده آنچه کرده بودند با وی بیان نمودند
- ایشانرا برواشته خفیتاً در مکانی ویران از شهر می که بیت صیدا نام
- ۱۱ وارو متواری کشت * و خلق یافته بعقبش رفتند پس ایشانرا
- پذیرفته از ملکوت خدا با ایشان سخن میراند و آنانی را که بعلاج
- ۱۲ محتاج بودند شفا بخشید * و چون روز آغاز زوال نمود آن دوازده

- نفر پیش آمده گفتندش که مردم را مرخص فرما که در دوات
 حوالی و بلوکات رفته راحت نمایند و خورشنی یابند زیرا که این
 ۱۳ مقام ویرانست که ما میباشیم * بآنها گفت که شما ایشانرا
 خورش بدهید گفتند که ما بیش از پنج نان و دو ماهی نداریم جز
 ۱۴ آنکه رفته خورش بجهت تمامی خلق بخیریم * بجهت آنکه قریب
 پنج هزار خلق می بووند پس شاکر وان را فرمود که مردم را
 ۱۵ صف بصف صفی پنجاه نفر بنشانید * پس باین طور کرده
 ۱۶ تمامی را نشانیدند * آنکه پنج نان و دو ماهی را گرفته در آسمان
 نگریدند آنها را برکت داد و شکسته بشاکردان داد که پیش آنکرده
 ۱۷ بگذارند * پس همگی خورده سیر شدند و آن پاره نائی که از آنها
 ۱۸ زیاد آمد برواشته شد مساوی دوازده طبق میبورد * و چون بتنهائی
 بدعا مشغول بود و شاکردان با وی بووند از ایشان پرسید که مردم
 ۱۹ مرا چه کس میکنند * ایشان جواب داده گفتند که بچی غسل
 رهنده و بعضی الیاس و بعضی یکی از پیغمبران سابق که بر خاسته
 ۲۰ است * ایشان فرمود شما مرا که میدانید پطرس جواب داد که
 ۲۱ مسیح الله * او ایشانرا حکم محکم فرموده که این را بهیچکس
 ۲۲ مگوئید * و فرمود که باید فرزند انسان را که بسیار زحمت کشیده
 رو کرده شود از مشایخ و کاهنان بزرگ و نویسنده کان و کشته شود
 ۲۳ و بر خیزد در روز سیم * و همه را گفت که اگر کسی خواهد که در
 پی من آید باید نفس خود را مخالفت نموده صلیب خورده روز
 ۲۴ برواشته پیروی من نماید * زیرا که هرکس که خواهد که نجات
 ۲۵ دهد جان خود را آنرا تلف خواهد نمود * که چه سود دهد کسی را

که تمامی جهان را حاصل نموده نفس خود را ضایع کند یا آنکه بجزیره
 ۲۶ از وی گرفته شود * زیرا که هرکس که خجل باشد از من و از
 کلام من فرزند انسان نیز چون بجلال خویش و بجلال پدر
 ۲۷ خویش و فرشتگان مقدس رسد از و خجالت خواهد کشید * و من
 بشما راست میگویم که هستند بعضی ازین کسانی که در اینجا
 ایستاده اند که مرا نخواهند چشید مگر آنکه ملکوت خدا را به
 ۲۸ بینند * و چنین شد که قریب بهشت روز بعد ازین سخن
 پطرس و یوحنا و یعقوب را برداشته بکوه برای دعا کردن روان
 ۲۹ شد * و هنگامی که دعا مینمود ظاهر صورتش دیگر کون و لباس
 ۳۰ او سفید و درخشان گردید * و ناگاه دو مرد که موسی و الیاس
 ۳۱ بودند با وی تکلم مینمودند * که در جلال نمودار شده ذکر وفاتش را
 ۳۲ که در اورشلیم نزدیک بود که واقع شود مینمودند * و پطرس
 و رفیقانش در خواب کران مینمودند و چون بیدار شده جلالش را
 ۳۳ و آن دو مرد که با وی ایستاده بودند دیدند * و چون ایشان از آن
 جدا میشدند پطرس بعیسی گفت که مخدوما خوبست که ما در اینجا
 توقف نمائیم سه مسکن بسازیم یکی برای تو و یکی بجهت موسی
 ۳۴ و یکی برای الیاس و نمیدانست که چه میگوید * و هنگامی که او
 این سخنان را می گفت ابر شد و بر آنها سایه افکند و چون ایشان
 ۳۵ داخل ابر میشدند ترسیدند * و آوازی از ابر برآمد که میگفت
 ۳۶ اینست پسر محبوب من از او استماع بکنید * و بعد از این آواز
 عیسی رانها یافتند و ایشان سکوت نموده ذکر این چیزها که
 ۳۷ دیدند در آن ایام به یکس نسموزند * چون روز دیگر آنها از

- ۳۸ کوه پائین آمدند گروه بسیاری اورا استقبال نمودند * نگاه مروی
 از آن گروه فریاد نمود که ای استاد تورا التماس می نمایم که بر پسر من
 ۳۹ بنگری زیرا که یگانه من است * و نگاه روحی اورا می گیرد و فی
 الفور او فریاد میکند و مضطرب گردیده کف می نماید و اورا خسته
 ۴۰ کرده بدشواری ازو جدا می شود * شاکردان تورا درخواست نمودم
 ۴۱ که اورا بیرون نمایند نتوانستند * و عیسی جواب داده گفت که
 ای قوم بی ایمان کج رو تا کسی من باشما خواهم بود و از شما تحمل
 ۴۲ خوام نمود بیاور پسر خود را باینجا * و هنوز می آمد که روح اورا انداخته
 پاره پاره کرد و عیسی روح پلید را نهیب کرده پسر را شفا بخشید
 ۴۳ و اورا بپدرش سپرد * و همگی از برکتی خدا متحیر شدند و چون
 تمامی از همه آنچه با که عیسی میکرد تعجب می نمودند شاکردان
 ۴۴ خود را گفت * که در گوشه های خود این کلام را نگاه دارید که
 نزدیک است که فرزندان انسان بدستهای مردم تسلیم گروه شود
 ۴۵ * و آنها این کلام را نفهمیدند و از آنها مخفی ماند تا آنرا نیابند و از
 ۴۶ پرسیدنش بخصوص آن سخن ترسیدند * و در میان ایشان
 ۴۷ مباحثه شد که کدام یک از آنها بزرگتر هست * و عیسی تصور
 ۴۸ قلوب آنها را یافته طفلی را گرفت و نرو خویش برپا نمود * و ایشانرا
 گفت که هر کس که قبول کند این طفل را باسم من مرا قبول
 کند و آنکس که قبول کند مرا قبول کند آنکس را که مرا فرستاده
 است و آنکس که در میان تمامی شما کوچک تر است همانست
 ۴۹ بزرگتر * و یوحنا آغاز تکلم نموده گفت که ای مخدوم دیدیم کسی را
 که باسم تو بیرون میکند و یونارا و ما اورا منع کردیم زیرا که با ما پیروی

- ۵۰ نمی نماید * عیسی ویرا گفت که منع مکنید زیرا که آنکس که بر ما
 ۵۱ نیست از مامت * و چون ایام برخاستنش نزدیک رسید عزم
 ۵۲ خوررا بسفر اورشلیم استوار نمود * و پیش از خود قاصدانرا فرستاده
 آنها رفته بیکس از وراثت سمریه داخل شدند که برای او آماده نمایند
 ۵۳ * آنها اورا قبول نکردند زیرا که رامی او برقتن اورشلیم بود * چون
 شاکردانش یعقوب و یوحنا این را دیدند گفتند که یا خداوند آیا
 رامی توهست که حکم کنیم که آتش از آسمان آمده آنها را فرو
 ۵۵ کیرد چنانچه الیاس کرد * و او رورا کردانیده ایشانرا نهیب کرده
 ۵۶ گفت که نمیدانید که شما از چه قسم روح سرشته شده اید * زیرا که
 فرزند انسان نیاید که جانهای مردم را هلاک کند بلکه نجات دهد
 ۵۷ و رفتند بده و بیکر * و هنگامی که راه میرفتند اتفاقا کسی در راه گفت
 ۵۸ یا خداوند هر جا که تو میروی من بعقب تو خواهم آمد * پس ویرا
 گفت عیسی که روبان سوراخها دارند و پزنده گان هوا نشیمنها
 ۵۹ ولیکن فرزند انسان برای نهادن سر جای ندارد * و بدیکری گفت
 از پی من بیا گفت خداوند مرا اجازت ده که نخستین بروم و پدر
 ۶۰ خوررا و فن نامیم * عیسی ویرا گفت بگذار که مرده گان مرده گان
 ۶۱ خوررا و فن نمایند اما تو برو و بملکوت خدا خبر ده * و بیکری گفت
 ای خداوند من تورا پیروی خواهم نمود لیکن نخست اجازت ده
 ۶۲ که تا اهل خوررا وواع نامیم * عیسی ویرا گفت که آنکس که دست
 خوررا بر خیش گذاشته پس نکره قابل ملکوت خدا نباشد

باب دهم

۱ و بعد ازین خداوند هفتاد نفر و بیکرا انتخاب نموده بهر شهری

- ۱ و مقامی که خود قصد آن داشت آنها را دو بدو پیش روی خود
- ۲ روان میفرمود * و ایشانرا فرمود که حصار بسیار است و حصار کن قلیل پس از خداوند حصار بخواید تا کار کنانرا برای حصار
- ۳ خود بیرون نماید * بروید اینست من شمارا چون کوسفندان
- ۴ در میان کرکان میفرستم * بهمراه مکیرید نه کیسه و نه تو بره و نه
- ۵ نعلین و هیچ کس را در راه سلام ننمائید * و بهر خانه که در آن
- ۶ در آید نخستین گوئید که سلام باد این خانه را * و اگر فرزند سلامت در آنجا باشد سلام شما بر آن قرار خواهد گرفت والا بسوی شما
- ۷ بازگشت خواهد نمود * و در همان خانه توقف نموده آنچه داشته باشند بخورید و بیاشامید زیرا که کار کن مستحق است مزد
- ۸ خویش را و از خانه بخانه دیگر مروید * و هر شهری که در آن آید و آنها
- ۹ شمارا بپذیرند چیزائی را که پیش شما بگذارند بخورید * و به بیمارانی که در آنجا باشند شفا بخشید و بگوئید ایشانرا که آمده است ملکوت
- ۱۰ خدا بر شما * و به هر شهری که در آید و بپذیرند شما را بمیدانهای آن
- ۱۱ شهر در آمده بگوئید * که حتی غباری را که از شهر شما بر ما می نشیند بر شما می تکانیم لیک این را دانسته باشید که ملکوت خدا نزدیک
- ۱۲ شما آمده است * و شما را میگویم که در آنروز بر سدوم آسانتر
- ۱۳ خواهد بود که بر آن شهر * و امی بر تو امی خوزین و و امی بر تو امی بیت صیدا زیرا که اگر آن معجزاتی که در شما بوقوع پیوست در
- صورت صیدا میشد آنها مذتهای مدید در پلاسی و خاکستر نشسته توبه
- ۱۴ مینمودند * ولیکن برای سور و صیدا در روز جزا اسهل خواهد بود
- ۱۵ که برای شما * و تو امی کفر ناحوم که تا آسمان سر کشیده بجهنم

- ۱۶ فرو خواهی شد * وانکس که قبول کند شمارا مرا قبول کرده است وانکس که تحقیر کند شمارا تحقیر کند مرا وانکس که تحقیر کند مرا تحقیر کند انکس را که مرا فرستاده است * پس آن هفتاد نفر با خرمی مراجعت نموده گفتند یا خداوند دیوان هم باسم تو ۱۸ اطاعت می کنند ما را * پس ایشانرا گفت که من شیطانرا دیدم که چون برقی از آسمان افتاد * واینک قدرت میدهم شمارا که بر ماران و بر عقارب پایالی کنید و بر تمامی قدرت دشمنان واز ۲۰ هیچ چیز متضرر نخواهید شد * ولیکن ازین مسرور مشوید که ارواح اطاعت شمارا مینمایند بلکه اولی این است که خوشوقت باشید ۲۱ بجهت آنکه نامهای شما در آسمان نقش شده است * و در آنوقت عیسی در دل خوشوقت گشته گفت والدا خداوند آسمان وزمینا سپاس میکنم تو را که این چیزرا از ارباب عقول واصحاب کیاست مخفی داشته و بر اطفال نمودار کرده آری والدا ۲۲ زیرا که همین نزد تو رضا بود * و بسوی شاکروان گردیده فرمود که تمامی چیزها از پدر من بمن تفویض شده است و هیچ کس نمیداند که کیست پسر مگر پدر و پدر کیست مگر پسر وانکس که پسر ۲۳ خواسته باشد که بر او هویدا نماید * و بسوی شاکروان بپنهانی نکر بسته ۲۴ گفت خوشا حال چشمانی که می بینند آنچه می بینید * زیرا که من میگویم شمارا بسیاری از بیغمبران و پادشاهان خواستند که آنچه شما می بینید به بینند و ندینند و آنچه می شنوید بشنوند و نشنیدند ۲۵ * ناکاه یکی از فقیهان بجهت امتحانش برخاسته گفت که ای ۲۶ استاد مرا چه باید نمود که حیات جاوید را بایم * و بر آن گفت که در آئین

- ۲۷ چگونه نوشته شده است و چگونه مطالعه مینمائی * او جواب داده گفت تو خدای خداوند خور را بهم دل و همه جان و همه توانائی و همه اندیشه خود دوست بدار و آشنای خود را نیز چون خود
- ۲۹ * ویرا گفت که جواب نیکوگفتی چنین کن و خواهی زیست * و او قصه ترکیه خود نموده عیسی را گفت که کیست آشنای من
- ۳۰ * عیسی سؤالش را یافته گفت کسی که از اورشلیم بسوی یربجا میرفت در میان وزران افتاد و آنها برهنه اش نموده چوبش زوده رفتند و او را نیم کشته شده گذاشتند * قضا را گاهنی از آنراه رفته
- ۳۲ او را دید و از مقابلش گذشت * و لایقی نیز بحوالی آنمکان رسیده
- ۳۳ نزدیک آمده او را دیده از کناره جسته روان شد * و سمری که در
- ۳۴ سفر بود بجائی که او بود رسیده او را دیده رحم نمود * و نزد وی آمده زخمهایش را روغن زیتون و شراب ریخته بر بسته و بر مرکب
- ۳۵ خوبش نشاند و بکاروانسرایش برده از وی باخبری بود * روز دیگر خود بیرون آمد و دروینار بسراوار داده ویرا گفت که ازو باخبر بوده
- ۳۶ هرچه ازین پیش خرجش کنی چون آیم بتو ادا خواهم نمود * کدام ازین سه نفر تو را معلوم میشود که آشنای آنکس باشد که در میان
- ۳۷ وزران افتاده بود * گفت آنکس که بروی رحمت نموده عیسی
- ۳۸ ویرا گفت برو و همان قسم عمل کن * و هنگامی که در راه میبودند اتفاقاً در یکی از دوات درآمده زنی مرثا نام او را بخانه خود برد
- ۳۹ * و او را خواهری بود مریم نام که نزدیک پایهای عیسی نشسته
- ۴۰ کلامش را استماع مینمود * و مرثا از ثروت خدمت در ترود میبود و پیش آمده گفت یا خداوند ملاحظه نمائی که خواهرم مرا تنها

۳۱ در خدمت گذاشته است بفرما اورا که مرا مدد کند * وعیسی ویرا
 جواب داده گفت ای مرثا مرثا تو از برای اشپای کثیره در ترو
 ۳۲ واضطراب میباشی * لیکن آخه ضرور یست یک چیز است
 و مریم حصه خوب را برگزیده است و آن ازو گرفته نخواهد شد

باب یازدهم

۱ و هنگامی که او در مکانی از امکانه نماز میکند و چون تمام شد یکی از
 شاگردانش وی را گفت که یا خداوند پیامبر ما را نازمی چنانکه
 ۲ یحیی آموخت شاگردان خویش را * ایشانرا گفت چون نماز
 گذارید بگوئید ای پدر ما که در آسمانی مقدس باو اسم تو و آید
 پادشاهی تو و کرده شود خواهش تو در زمین چنانچه در آسمانست
 ۳ * نان کفاف ما را روز بروز ما به بخش * و پیامرز کنان ما را که ما
 نیز هر یک وام دار خود را می آموزیم و میاور ما را در مقام امتحان
 ۴ بلکه رستگاری ده ما را از شریر * و ایشانرا گفت چنانچه کسی از
 شما دوستی داشته باشد و نصف شب بنزد وی رفته بگوید ای
 ۵ دوست سه نان بمن عاریت ده * که یکی از دوستان از راه
 ۶ بنزد من آمده است و من ندارم چیزی که به پیشش گذارم * و او
 از درون جواب دهد که زحمت ده مرا زیرا که الحال در بسته
 است و فرزندان با من در رخت خواب خوابیده اند نمی توانم
 ۷ برخاست که تورا نان دهم * من میکویم شما را که اگر چه آن
 شخص نخواهد برخاست که او را نان بدهد بعلت دوستی لیک
 بعلت بی شرمی او خواهد برخاست و آنچه را بدان محتاجست
 ۸ باو خواهد داد * و من نیز شما را میکویم که بخوابید که بشما داده

- خواهد شد و بجوئید که خواهید یافت و بکوشید که کشاوه خواهد شد
- ۱۰ * زیرا که هر آنکس که میخواهد میکیرو و آنکس که میخواهد می
 یابد و برای آنکه گوید کشاوه خواهد شد * و کیست از شما که پدر
 باشد و پسرش نان خواهد سنگی باو خواهد داد و یا اگر ماهی
 ۱۲ خواهد بعوض ماهی ماری بوی دهد * یا اگر تخم مرغی خواهد ویرا
 ۱۳ عقربی خواهد داد * پس چون شما با وجود آنکه بد هستید
 بخششهای نیکورا بفرزندان خود توانید نمود پس بچند مرتبه ازید
 ۱۴ پدر آسمانی روح القدس را بطالبان خود خواهد داد * و او بیرون
 میکرد و بوی را که کنک میبود و چون ویو بیرون شد آن کنک
 ۱۵ حرف زد و مردم تعجب نمودند * و میگفتند بعضی از آنها که او
 ۱۶ بمدو بعزبول رئیس ویوان دیوانرا اخراج میکنند * و دیگران در مقام
 ۱۷ امتحان از وی آیت سماویرا مطالبه نمودند * او خیالات ایشانرا
 دریافته ایشانرا گفت که هر مملکت که برخلاف خود منقسم شود
 ۱۸ ویران شود و هر خانه که بخلاف خانه منهدم گردد * پس اگر شیطان
 بر خلاف خود منقسم شود سلطنتش چگونه پایدار باشد زیرا که شما
 ۱۹ میکوشید من دیوانرا به بعزبول اخراج مینمایم * و اگر من بیرون
 کنم دیوانرا به بعزبول پس انبای شما بمدو که اخراج مینمایند
 ۲۰ و بجهت این ایشان بشما انصاف خواهند نمود * و اگر بانگشت
 خدا دیوانرا اخراج میکنم هر آینه ملکوت خدا بشما رسیده است
 ۲۱ * چون مرد نیرومندی سلاح پوشیده خانه خودرا پاس دار و اموال
 ۲۲ او بسلامت است * چون مردی نیرومندتر از او آمده او را زبون
 سازد سلاحی را که بر آن اعتماد داشت میکیرو و اموال او را

- ۲۳ قسمت نماید * آنکس که نیست بامن بر منست و آنکس که
 ۲۴ جمع نمیکند بامن پرکنده مینماید * چون روح پلید از شخص بیرون
 آید بطلب استراحت از میان اراضی بی آب کند و چون
 نیاید گوید که بسوی خانه خود که از آنجا بیرون شده ام باز خواهم
 ۲۵ کشت * و آمده آنرا باید که جاروب شده و آراسته است * آنگاه
 روزه و هفت روح و یک که از خود شیرتر اند با خود گرفته داخل میشوند
 و در آنجا مسکن مینماید و اواخر آن شخص بدتر از اوایل میشود
 ۲۶ * و هنگامی که او این سخنانرا تکلم مینمود زنی از آن گروه با آواز بلند
 ویرا گفت خوشا حال آن رحم که تو را پرورد و آن پستانها که تو
 ۲۸ مکیدی * و گفت بیشتر خوشا باحوال آنها که کلام خدا را شنیدند
 ۲۹ و آنرا نگاه دارند * چون مردم جمع میشدند شروع بتکلم فرمود که
 بد طبقه هستند این طبقه طالب هستند آیتی را و هیچ آیتی بآنها
 ۳۰ داده نخواهد شد مگر آیت یونس پیغمبر * زیرا چنانکه یونس
 بجهت نینویان آیت شد همان قسم فرزند انسان برای این
 ۳۱ طبقه خواهد بود * و خواهد بر خاست ملکه جنوب در محکمه با
 مردم این طبقه و حکم خواهد نمود بر آنها زیرا که از اقصای زمین
 آمد که حکمت سلیمانرا بشنود و اینک بیشتر از سلیمان در
 ۳۲ اینجاست * و خواهند بر خاست مردان نینوی در محاکمه با این
 طبقه و بر آنها حکم خواهند کرد زیرا که ایشان توبه کردند از وعظ
 ۳۳ یونس و اینک بیش از یونس در پنجاست * و هیچ کس نیست
 که افرزو چراغی را در پنهانی نهد یا زیر پیمانه بلکه بر چراغدان
 ۳۴ نهد تا آنان که داخل شوند به بینند روشنی آنرا * و چراغ بدن

چشم است ما و امی که چشمت مصفا است تمامی بدن تو پر نور
 ۳۵ است و چون مکرر باشد بدن تو نیز تاریکست * پس با حذر
 ۳۶ باش مبادا آن نور که در تست ظلمت شود * چنانچه اگر بدن
 تو تماماً روشن باشد و هیچ جزئی تاریک ندارد همه اش منور خواهد
 ۳۷ بود چون چراغی که بر روشنی خود تو را منور کند * و هنگامی که او تکلم
 مینمورد یکی از فریسیان از وی سؤال نمود که با وی چاشت خورد
 ۳۸ پس در آمده بنشست * و فریسی چون دید که او پیش از چاشت
 ۳۹ نشست و شو نمی نماید حیران شد * خداوند ویرا گفت که شما
 فریسیان بیرون کاسه و بشقاب را پاک مینمائید و درون شما پر
 ۴۰ از ظلم و شرارتست * ای بیوقوفان آنکس که ساخت بیرون را
 ۴۱ آیا او نساخت اندرون را * لیکن موجودات را بخیرات تصدق
 ۴۲ دهید که اینک همه چیزها از برای شما پاک کرد * لیکن وای بر
 شما ای فریسیان که شما ده یک از پوینده و سداب و انواع
 سبزیها را میدهد و انصاف و محبت خدا را میکذارید بایست که
 ۴۳ اینها را بجا آرید و آنها را نیز ترک نمائید * وای بر شما ای فریسیان
 زیرا که دوست میدارید شما بالا نشستن مجامع را و سلام نمودن
 ۴۴ در بازارها * و وای بر شما ای نویسنده‌گان و فریسیان ریاکار زیرا که
 ۴۵ شما مانند قبرهای پنهان هستید که مردم بر آنها میروند و ندانند * یکی
 از فقیهان تکلم نمود ویرا گفت ای استاد ازین سخنانی که تو
 ۴۶ میگوئی ما را نیز سب مینمائی * گفت وای بر شما نیز ای فقیهان
 زیرا که شما بارهای گرانرا بر مردم می نهید و خود یک انگشت بآن بارها
 ۴۷ نمیگذارید * و وای بر شما زیرا که خود میسازید قبور پیغمبرانرا و حال

۴۸ آنکه کشتند آنها را پدران شما * پس شهادت میدهید و راضی
 هستیید بکارهای پدران خود زیرا که ایشان کشتند آنها را و شما
 ۴۹ قبرهای ایشانرا میسازید * و از آنجاست که حکمت خدا فرموده
 است که من پیغمبران و رسولانرا بنزد ایشان خواهم فرستاد
 ۵۰ و بعضی را خواهند کشت و بعضی را زجر خواهند نمود * تا از این
 طبقه باز خواست شود خون تمامی پیغمبران که از آفرینش جهان
 ۵۱ ریخته شده است * از خون ابیل تا خون زکریا که در میانه
 قربانگاه و فانه هلاک شد هر آنکه بشما میگویم که از همین طبقه باز
 ۵۲ خواست خواهد شد * و ای بر شما ای فقیهان زیرا که گرفته اید
 کلید معرفت را نه خود در می آید و در آیندگانرا نیز باز میکروانید
 ۵۳ * هنگامی که او این سخنانرا بایشان میگفت نویسنده کان
 و فریسیان در باره بسیاری مقدمات در او با برام آویخته اورا که
 ۵۴ نموزند * و در کمین و جویای این می بوزند که چیزی از وانش
 بچنگ آزند تا جای شکایت ازو یابند

باب دوازدهم

۱ در هنگامی که هزاران هزار خلق جمع آمده بوزند بنوعی که یکدیگر را
 پامال می نمودند بشما کروان آغاز تکلم نموده که بیش از هر چیز از
 ۲ خمیر فریسیان با خذر باشید که این ریاضت * زیرا که نیست
 چیزی نهفته که آشکارا نخواهد کردید و نه پنهانی که فاش خواهد
 ۳ کشت * بجهت آنکه هر آنچه در تاریکی گفته اید در روشنی
 شنیده خواهد شد و هر آنچه در خلوت خانها در گوش گفته اید در
 ۴ باها منادی خواهد بود * و شما دوستان خود میگویم که نترسید

- از آنانی که چون بدنرا بقتل رسانند زیاده بر آن کاری باکس
 ۵ نتوانند کرد * و شمارا نشان وهم که از چه کس بترسید از آنکس
 که بعد از کشتن قدرت آن دارد که در جهنم اندازد آری
 ۶ میکویم که ازو بترسید * آیا نیست که پنج کنجشک بدو فلس فروخته
 میشود و حال آنکه هیچ یک از آنها در نزد خدا فراموش نمیشود
 ۷ * و تا بموبهای سر شما تمامی شمرده شده است پس نترسید
 ۸ زیرا که از بسیاری کنجشکان افضلید * و میکویم شمارا که هر آنکس
 که تصدیق کند مراد در حضور مردم فرزند انسان نیز تصدیق کند
 ۹ ویرا در حضور فرشتگان خدا * و آنکس که مرا انکار کرد نزد مردم
 ۱۰ انکار کرده خواهد شد در حضور فرشتگان خدا * و هر آنکس که
 نسبت حرفی بخلاف فرزند انسان بنزد آمرزیده خواهد شد اما
 آنکس که نسبت بروح القدس ناسزا گوید آمرزیده نخواهد شد
 ۱۱ * چون شمارا در آرند در مجامع و نزد ارباب حکم و اقتدار میندیشید
 ۱۲ که بچه نوع یا بچه ولیل ایشانرا جواب دهید یا تکلم نائید * زیرا
 که روح القدس همان لحظه خواهد آموخت شمارا که چه باید گفت
 ۱۳ * و شخصی از میان آنکروه گفت ای استاد مقرر فرما که برادر
 ۱۴ من میراثرا با من قسمت نماید * ویرا گفت ای مرد کیست
 ۱۵ که مرا قاضی یا قاسم بر شما تعیین نموده است * و ایشانرا فرمود
 که زهار از طمع با خدر باشید زیرا که حیات کسی بفرآوانی اموال
 ۱۶ تعلق ندارد * و از جهت آنها مثلثی را ایراد کرده فرمود که مرد
 ۱۷ صاحب دولتی را زراعتش بسیار نیکو کردید * او با خود اندیشیده
 گفت که چون کنم که جائی را که محصول خودرا در آن انبار

- ۱۸ نایم ندارم * وگفت که چنین خواهم نمود که انباران خور را خراب
نموده بزرگ تر سازم و همگی حاصل و مال خور را در آنجا انبار نایم
- ۱۹ * و بادل خور خواهم گفت که ای دل تو مال کثیر برای سالهای
بسیار فراهم آورده حال آرام گرفته بخور و بیاشام و خوشوقتی کن
- ۲۰ * لیکن خدا ویرا گفت ای احمق در همین شب جان تو را از
تو باز خواهند گرفت و آنچه اندوخته که را خواهید بود * هم چنین
- است آنکس که می اندوزد خزانه برای خور و آنچه دولت است
- ۲۲ نرو خدا پیدا نمی نماید * و شاکروان خویش را فرمود که هم ازین
سبب است که شما را میکویم که بجهت نفس خور میندیشید
- ۲۳ که چه خورید و برای تن که چه پوشید * که جان پیش از خوراکست
- ۲۷ و تن پیش از پوشاک * و بنگرید کلاغانرا که نه تخم کارند و نه درو
نمایند و نه مخزن و نه انبار است آنها را و خدا رزق میدهد آنها را
- ۲۵ شما بچند مرتبه از مرغان افضلید * کیست از شما که باندیشه
تواند یک ذراع بر قامت خویش بیفزاید * پس اگر چیزی باین
- ۲۷ حقارت را نتوانید کرد چونسست که در باقی چیزها تفکر مینمائید * بنگرید
سوسنهارا که چگونه میرویند و حال آنکه نه تعب میکشند و نه میریسنند
و من بشما میکویم که سلیمان هم با مجموع بزرگی خور مانند یکی از
- ۲۸ اینها نپوشیده شد * پس اگر آن گیاهی را که امروز در صحراست
و فردا در تنور افکنده میشود خدا باین طور بوشاند پس چه قدر بیشتر
- ۲۹ شما را ای کم اعتقادان * و شما در تفحص مباحثید که چه خورید
و چه آشامید و متحیر مباحثید * که خلق جهان تمامی این چیزها را
میجویند لیکن پدر شما میدانند که شما محتاج باین چیزها هستید

- ۳۱ * لیکن بجوئید ملکوت خدا را که تمامی این چیزها نیز برای شما زیاده
 ۳۲ خواهد کشت * مترسید اسی کله کوچک زیرا که خواهش پدر شما
 ۳۳ اینست که ملکوت را بشما بدهد * آنچه وارید فروخته بخیرات
 بدهید و کیسهائی که کهنه نمی شوند و خزانه که زایل نمی شود در
 آسمان بجهت خود پیدا کنید آنجائی که نه زرد نرود یک آید و نه بید
 ۳۴ خراب کند * زیرا که هر جا که خزانه شماست دل شما نیز خواهد بود
 ۳۵ * پس بایست که بسته باشد کمرهای شما و فروخته باشد چراغهای شما
 ۳۶ * و خود باشید مانند آنکسانی که انتظار می کشند آقای خود را که کسی
 از عروسی باز آید که چون آید و در زند و فعت در را کشایند
 ۳۷ * خوشحال آن نوکران که چون آقا آید بیدار یابد آنها را و من بشما
 میگویم که بدرستی که کمر خود را بسته آنها را خواهد نشانید و نزد
 ۳۸ شان آمده آنها را خدمت خواهد نمود * و اگر آید در پاس دویم یا
 ۳۹ در پاس سیم و چنین یابد پس خوشحال آن نوکران * و خود
 میدانید این را که چنانچه صاحب خانه وانستی که زود در کدام
 ساعت آمدی هر آینه بیدار بوده نگذاشتی که خانه او را نقب زنند
 ۴۰ * پس شما نیز مهیا شوید زیرا که در ساعتی که گمان ندارید فرزند
 ۴۱ انسان خواهد آمد * پطرس گفت ای آقا تو این مثل را با آنها
 ۴۲ میگوئی یا آنکه همه * خداوند گفت کیست ناظر امین و انشمندی
 که آقای او بر سایر نوکرانش مقرر کرده که حصه نان آنها را در
 ۴۳ وقت داده باشد * و خوشحال آن نوکری که چون مولایش آید یابد
 ۴۴ که چنین میکنند * بشما میگویم بدرستی که او را بر تمامی اموال
 ۴۵ خود مختار خواهد ساخت * و چنانچه آن نوکر با خود اندیشد که

- آقای من در آمدن تاخیر مینماید و آغاز زدن غلامان و کنیزان
 ۴۶ و خوردن و آشامیدن و مست شدن نماید * آقای آن نوکر در
 روزی که منتظر نباشد و در ساعتی که نداند خواهد آمد و او را دو
 ۴۷ نیمه ساخته قسمت او را با بیدینان مقرر خواهد ساخت * پس
 نوکری که خواهش مولای خود را دانسته بر وفق خواهش آماده
 ۴۸ نمود و بجا نیاورده باشد بسیار تازیانه خواهد خورد * و آنکس که
 ندانسته کرد اموری را که قابل تازیانه باشد قلیلی تازیانه خواهد
 خورد و هر کس که ویرا بسیار داده اند از و بسیار خواهد طلبید
 ۴۹ و آنکس که بسیار با و سپرده اند زیاده مطالبه خواهد نمود * و من
 آمده ام که آتش را بر زمین فرود آورم و چه بسیار میخواهم که حال
 ۵۰ افروخته شود * و میباشد برای من غسلی که باید بیایم آنرا و چه
 ۵۱ بسیار در تنگی هستم که تا وقت آن بسر آید * آیا کمان دارید
 که من آمده ام که صلح را بر زمین آورم نی بلکه میکویم شمارا که
 ۵۲ مفارقت را * زیرا که ازین وقت پنج نفر از یک خانه دو از سه و سه
 ۵۳ از دو مفارقت خواهد نمود * و پدر از پسر و پسر از پدر و مادر از دختر
 و دختر از مادر و مادر شوهر از عروس و عروس از مادر شوهر خود
 ۵۴ مفارقت خواهد نمود * و هم بخلق گفت که چون ابر بر امی بینید
 که میخیزد از مغرب فی الفور کوشید باران آید و چنین شود
 ۵۵ * و چون بینید که بار جنوب می وزد کوشید که گرم شود و میشوید
 ۵۶ * ای ریاکاران روی زمین و آسمانرا توانید یافت چگونه این
 ۵۷ زمانرا نمی شناسید * و چرا از خود نیز انصاف بحق نمینمائید
 ۵۸ * و هنگامی که با خصم خود نزد حاکم روی در راه جهد کن که تو را

عفو نماید که مبادا تو را بنزد قاضی کشیده قاضی تو را بپسرهنگ
 ۵۹ سپارد که بپسرهنگ تو را در زندان اندازد * میگویم تو را که از آنجا
 بیرون خواهی آمد مگر آنکه فلس آخرین را داده باشی

باب سیزدهم

- ۱ و در آن هنگام تنی چند حاضر بودند که او را خبر میدادند از جلیلیان
- ۲ که پیلطس خون ایشانرا با قربانیهای ایشان آمیخته بود * و عیسی
 ایشانرا جواب داده فرمود که آیا کمان دارید که این جلیلیان
 بیش از همه جلیلیان دیگر گناه کار بودند که چنین عذایی را در
- ۳ یافتند * من بشما میگویم که نی لیکن اگر شما توبه نکنید تمامی باین
 ۴ طور هلاک خواهید شد * و یا آن هجره نفر که برج در سیلوها بر
 آنها فرود آمده آنها را هلاک نمود کمان دارید که بیش از همه
- ۵ ساکنان اورشلیم بدکار میبوزند * من بشما میگویم که نی لیکن اگر
 ۶ شما توبه نکنید بهمین طور همه هلاک خواهید شد * و این مثل را
 فرمود که شخصی را درخت انجیری بود که در تا کستانش غرس
 ۷ نموده بودند و آمده ثمر آنرا جستجو کرده نمی یافت * تاک نشانرا
 گفت که حال سه سالست که می آیم و ثمر این نهال انجیر را
- ۸ جسته نمی یابم آنرا بیژر چرا بار این زمین باشد * در جواب گفت
 ای آقا امسال دیگر آنرا واکندار که اطراف آنرا بکنم و کور اندازم
 ۱۰ * آن هنگام اگر ثمر آورد و هو المطلوب والا آنرا ببر * و در روز
 ۱۱ سبت در یکی از مجامع و عظمی نمود * و نگاه زنی بود که از
 مدت هجده سال روح ضعف داشت و خم شده مطلقا نمی
 ۱۲ توانست که راست نشیند * عیسی او را ملاحظه فرموده او را

- ۱۳ خوانده گفت ای زن از ضعف خود بیرون آ می * و دستهای
- ۱۴ خود را بر او نهاده دفعی راست شد و خدا را سپاس می نمود * پس
- بزرگ مجمع بهم برآمده زیرا که عیسی او را در سبت شفعا بخشید
- و مردم را گفت که شش روز میباشد که در آن با باید بکارا پرداخت
- ۱۵ در آن با آئید و شفعا یا بیدنه آنکه در روز سبت * خداوند ویرا جواب
- فرمود که ای مکار آیا هیچ یک از شما در سبت کاو یا الاغ خود را
- ۱۶ از آخور باز نمی نماید که برده آب دهد * آیا این شخصه که دختر
- ابراهیم است و شیطان او را حال هجده سالست که بند نموده
- ۱۷ است نبایدست او را در روز سبت ازین بند رها نمود * و چون
- این سخنانرا میفرمود همگی مخالفان او خجل گشتند و قامی خلق
- بجهت کارهای عظیمی که از او صادر می شد خوشوقت میبودند
- ۱۸ * و فرمود که ملکوت خدا چه چیز را ماند و من آنرا بچه چیز تشبیه نمایم
- ۱۹ * و آنه خردل را ماند که شخصی گرفته در کشت خود انداخته پس
- روئید و درخت بزرگ شد و بینه کان هوا در شاخهای آن
- ۲۰ مسکن نمودند * و باز فرمود که ملکوت خدا را بچه چیز تشبیه نمایم
- ۲۱ * خمیر را ماند که زنی گرفته در سه پیمانه آرد پنهان نماید تا هنگامی
- ۲۲ که همه اش خمیری شوو * و شهر بشهر و ده بده میکشت و وعظ
- ۲۳ می نمود و باورشلیم توجه می نمود * شخصی ویرا گفت ای آقا آیا قلیلی
- ۲۴ میباشد که نجات می یابند او در جواب ایشانرا فرمود * جهد
- کنید که از در تنگ داخل شوید زیرا که بشما میگویم که بسیاری بر
- ۲۵ داخل شدن طالب میباشد و نخواهند توانست * و بعد از آنکه
- صاحب خانه بر خاسته در را بسته باشد هر قدر شما از بیرون زیاده

در را بگویند و آقا آقا نماند که از برای مادر را باز کن در جواب
 ۲۶ خواهد گفت که من شمارا نمی شناسم که از کجا میباشید * و آنگاه
 خواهد گفت که پیش روی تو خورده ایم و آشامیده ایم و تو در
 ۲۷ کوچهای ما وعظ کرده * و او خواهد گفت که من شمارا میگویم که
 شمارا نمی شناسم که از کجا میباشید دور شوید از من ای همه
 ۲۸ کننده گان کارهای ناصواب * در اینجا که گریه و فشار زندان خواهد
 بود چون ابراهیم و اسحاق و یعقوب و همگی پیغمبران را بینید که
 ۲۹ در ملکوت خدا میباشند و اینکه شمارا بیرون مینمایند * و از مشرق
 و مغرب و شمال و جنوب خواهد آمد دور ملکوت خدا خواهد
 ۳۰ نشست * و هر آینه کسانی که در آخر هستند اول خواهد بود
 ۳۱ و کسانی که اول هستند آخر خواهند بود * و در آنروز فریسی چند
 آمده و پراگفتند که از اینجا بیرون آمده برو زیرا که هیرودیس
 ۳۲ میخواهد که تورا بقتل رساند * ایشانرا فرمود که شما بروید و آن
 روباه بگوئید که حال من دیوانرا بیرون مینمایم و امروز وفردا شما را
 ۳۳ با تمام میرسانم و روز سیوم کامل میشوم * و اما بایست که من
 امروز وفردا و پس فردا در راه باشم زیرا که ممکن نیست که هیچ
 ۳۴ پیغمبری بیرون از اورشلیم کشته شود * ای اورشلیم اورشلیم که
 پیغمبرانرا بقتل میرسانی و سنگسار مینمائی کسانی را که بتو فرستاده
 شده اند چند دفعه خواستم که فرزندان تورا جمع نمایم چنانچه ماره مرغ
 ۳۵ بجهای خود را زیر پرهای خود جمع کند و شما نخواستید * اینک خانه شما
 ویران کرده گذاشته میشود از برای شما و میگویم شمارا که مرا نخواهد
 دید تا آنروزی که گوئید میمون آنکس است که با اسم خداوند می آید

باب چهاردهم

- ۱ اتفاقاً در خانه یکی از بررکان فریسیان در روز سبت بجهت
- تناول طعام داخل گردید و ایشان او را مترقب میبوزند
- ۳ * و شخصی نزد وی بود که مستسقی میبوز * عیسی فقها
- و فریسیان را مخاطب فرموده گفت که آیا شما بخشیدن در سبت
- ۴ رواست * ایشان خاموش مانند پس او را گرفته شما بخشیده
- ۵ را نمود * و ایشان جواب داده فرمود که کیست از شما که اگر
- حمار یا گاو او در چاه افتد در روز سبت فی الفور آنرا بر خواهد
- ۷ کشید * و آنها در بی‌مقدمات از جوابش عاجز میبوزند * و از جهت
- مهمانان مثلی را ایراد فرمود چون ملاحظه فرمود که چگونه ایشان
- ۸ صدر مجلس را اختیار کردند * پس فرمود ایشانرا که چون کسی
- تورا در زفافی بخواند در صدر مجلس منشین که مبادا شخصی
- ۹ معززتر از تو را هم خوانده باشند * آنکس که هر دو را خوانده است
- آمده بتو گوید که جای را باینکس بده آنوقت تو با نهایت خجالت
- ۱۰ پائین تر را اختیار کنی * بلکه چون بخوانند تورا رفته در جائی
- پائین تر بنشین تا چون آنکس که تورا خوانده است آید بتو گوید
- ای دوست برتر نشین آنگاه تورا در میان هممنشینان عزت
- ۱۱ خواهد بود * زیرا که هر کس که خورا غریب میدارد ذلیل خواهد
- ۱۲ شد و هر که خورا ذلیل میدارد غریب خواهد شد * و آن شخص که
- اورا خوانده بود فرمود که چون چاشت یا شامی مهیا سازی
- دوستان خود یا برادران یا خویشان یا آشنایان دولتمند خورا
- مخوان مبادا که آنها نیز تورا بنوبت خوانده تورا عوض داده شود

- ۱۳ * بلکه چون ضیافت نائی فقیران وشلان ولنکان وکوران را
 ۱۴ بخوان * و خوش خواهد بود حال تو زیرا که ایشان نمی توانند
 تورا عوض دهند پس در قیامت راستان تورا عوض داده خواهد
 ۱۵ شد * و شخصی از همنشینان که این سخن را شنید ویرا گفت
 ۱۶ خوشما حال آنکس که نانرا در ملکوت خدا خورده باشد * او ویرا
 ۱۷ گفت که شخصی ضیافت عظیمی نموده بسیاریرا خواند * و در
 ساعت موعود ملازم خوررا فرستاده که طلبیده کانرا بگوید که بیایید
 ۱۸ زیرا که حال همه چیز آماده است * و همه باتفاق شروع در غدر
 خواهی نمودند نخستین باو گفت که من قطعاً زمیننی را خریده ام
 و ضرور است که رفته آنرا به بینم از تو خواهش می‌نمایم که مرا معذور
 ۱۹ داری * ویکری گفت که من پنج جفت گاو خریده ام میروم که
 ۲۰ آنها را آزمایش کنم از تو سوال می‌نمایم که از من در کنیزی * ویکری
 ۲۱ گفت که من زنی گرفته ام از آن سبب نمی توانم آمد * پس آن
 نوکر آمده مولای خوررا ازین نقلها خبر داد آنگاه صاحب خانرا
 خشم گرفته و نوکر خوررا گفت در میدانها و کوچهای شهر بتعجیل
 ۲۲ برو و فقیران وشلان ولنکان وکوران را باینجا حاضر کن * و ملازم
 گفت ای آقا آنچه چنان که تو حکم فرمودی شد و هنوز مکان خالیست
 ۲۳ * آقا ملازم را گفت براه؛ و خیابانها برو و با برام داخل بگردان تا که
 ۲۴ خانه من پر شود * زیرا میگویم شمارا که هیچ کس از آن مردان که
 ۲۵ خوانده شده بوزن شام مرا نخواهد چشید * و جمع کثیری همراه
 ۲۶ وی میبودند رورا گردانیده بایشان فرمود * که اگر کسی بنزد من
 آید که پدر و مادر وزن و فرزندان و برادران و خواهرای بلکه جان

۲۷ خوررا دشمن ندارد شاکرد من نمی تواند شد * وهرکس که صلیب خوررا بر ندارد وبعقب من نمی آید او نیز شاکرد من نمی تواند بود * کیست از شما که هرگاه خواهش آن نماید که برجی را بسازد اول ننشیند و مظنه خرجش را ننماید که آیا برای اتمامش ۲۹ کفایت دارد یا نه * که مبادا بعد از آنکه بنیادش را نهاده باشد ۳۰ بر اتمامش قادر نباشد و آنانکه بینند شروع در تمسخر نمایند * وگویند ۳۱ که این شخص شروع در ساختن نمود که بر اتمامش قادر نبود * یا کدام سلطان رود که با سلطان دیگر در آویزد که نخستین نشسته تاامل نماید که آیا با ده هزار نفر میتواند بانگس که با بیست هزار ۳۲ نفر می آید مقابله نماید یا نه * واکر نه چون او هنوز دوراست رسولی را فرستاده خواهش میکنند چیزی را که مناسب صلح ۳۳ باشد * و همچنین هر یک از شما که خوررا از همگی مال خود ۳۴ آزاد نسازد شاکرد من نمی تواند بود * نمک خود خوبست ولیکن ۳۵ اگر بکنند بکدام چیز اصلاح خواهد شد * نه از برای زمین و نه بجهت مزبله مصرف دارد بر درش میریزند هرکس که کوششناوارو بشنوو

باب پانزدهم

۱ چون تمامی باج کیران وخطاکاران بنروش می آمدند که کلامش را ۲ استماع نمایند * فریسیان و نویسندهگان غوغا می نمودند و میگفتند ۳ که این شخص کناهکارانرا می پذیرد و با آنها میخورد * و او از ۴ برای ایشان این مثل را ایراد کرده فرمود * که کیست از شما که صد کوسفند داشته باشد و چون یکی از آنها را کم کند آن

نو و فرار در صحرا ترک نکنند و بعقب کم شده نرو و تا وقتی که او را
 ۶ بیابد * پس یافته بر شانهای خود بخوشنودوی گذارد * و بخانه رسیده
 دوستان و همسایگانرا طلب نماید و گوید که با من در خوشوقتی
 ۷ شریک باشید زیرا که من کوسفند کم شده خور را یافتم * و من
 شمارا میگویم که بهمین طور آن خوشنودوی که در آسمان برای
 یک خطاکار توبه کننده است بیش از آنست که برای نو و نه
 ۸ از راستان که احتیاج بتوبه ندارند * و کدام زنست که ده درم
 داشته باشد اگر یک درم را کم کند چراغ را نیفرزد و خانه را جاروب
 ۹ نماید و بسعی تفحص نکند تا وقتی که بیابد * و چون یابد و دوستان
 و همسایگان را فراهم آرد که با من در خورسندی شریک باشید
 ۱۰ زیرا که درم کم شده خور را یافتم * و من بشما میگویم که همچنین
 است از خوشی از برای فرشتگان خدا برای یک گناهکار توبه
 ۱۲ کننده * و گفت شخصی دو پسر داشت * جوانتر از آنها پدر را
 گفت امی پدر رسد مالی که بمن افتد بده پس مال را در میانه
 ۱۳ آنها قسمت کرد * بعد از چندی پسر کوچک اموال خور را جمع
 نموده بمملکت بعیدی سفر نموده و در آنجا بگذران بیهیجا با اموال
 ۱۴ خور را صرف نمود * و چون همرا خرج کرد کرانی سخت از آن
 ۱۵ ملک پیدا شد و او رو با احتیاج آورد * پس رفته یکی از اهل آن
 ملک خور را بسته آنشخص او را بکشتههای خود میفرستاد که خوکانرا
 ۱۶ چراند * و آرزو داشت که زان سبوسهائی که خوکان میخورند
 ۱۷ شکم خور را سیر نماید هیچ کس ویرا نمیداد * و آخر باخود آمده گفت
 چند مزدوری پدر من نان فراوان دارند و من بکرسنگی هلاک

- ۱۸ میشوم * پس من برخاسته بنزد پدر خود خواهم رفت و ویرا خواهم
 ۱۹ گفت که ای پدر من در آسمان ونزد تو کنه‌کارم * وشایسته
 آن نیم که بعد ازین فرزند تو خوانده شوم مرا چون یکی از
 ۲۰ فرزندان خود محسوب دار * پس برخاسته نزد پدر خود رفت و او
 هنوز دور بود که پدرش او را دیده ترحم نموده و در بغل
 ۲۱ گرفت و او را بوسید * پسر ویرا گفت که ای پدر من در آسمان
 ونزد تو کنه‌کارم وشایسته آن نیستم که بعد ازین فرزند تو خوانده
 ۲۲ شوم * پدر ملازمان فرمود که بهترین خلعتی آورده او را بپوشانید
 ۲۳ وانگشترین در دستش نائید و پاپایش نعلین را * و کوساله پرور را
 ۲۴ آورده زبح نائید که خورده وشادی نائیم * زیرا که این پسر من
 مروه بود وزنده شده است و کم شده بود ویافت شده است
 ۲۵ پس شروع خوشوقتی نمودند * و پسر بزرگین در کشت زار میبود
 چون آمده بخانه نزدیک شد صدای سازها و رقص را استماع نمود
 ۲۶ * یکی از غلامان را پیش خوانده پرسیدش که این چیست
 ۲۷ * ویرا گفت برادرت آمده است و پدر تو کوساله فربر را زبح نموده
 ۲۸ است زیرا که او را صحیح باز یافته است * و او خشم نموده خواست
 که باندرون در آید پس پدرش بیرون شتافته از وی در خواست
 ۲۹ کرد * و او پدر را جواب داد که حال اینقدر سالهاست که بنده‌گی
 تو را میکنم و گاهی از حکم تو تجاوز نموده ام و تو کاهل برغاله بمن
 ۳۰ نداده که با دوستان خود بشادی بکنرانم * و چون این پسر تو که
 معاش تو را بر فاحشکان صرف نموده است آمد کوساله فربر را
 ۳۱ برایش زبح نمودی * ویرا گفت ای فرزند تو همیشه با منی و هر

۳۲ آنچه از آن منست زان تست * بایست شادمانی کرد
 خوشوقت بود زیرا که برادر تو مرده بود و زیست کرد و کم شده
 بود یافت شد

باب شانزدهم

- ۱ و دیگر شاکردان خویش را فرمود که شخصی بود توانگر و ناظری
 داشت که در حق او بنزد وی شکایت میبردند که این اموال
- ۲ تورا پراکنده میسازد * پس او را طلب نموده گفت چیست این
 سخنانی که در باره تو می شنوم محاسبه خور را باز ده که ممکن
- ۳ نیست که ما بعد امر نظارت بتو تفویض شود * آن ناظر با خویش
 اندیشید که چه سازم چون مولای من نظارت را از من کیرونه
- ۴ کار کردن کل را توانم کرد و نه از خجالت سؤال نمودنرا * و بد رستی
 یافتم که چون کنم هنگامی که از نظارت معزول شوم مرا در خانهای
- ۵ خویش راه دهند * پس هر یک وام داران مولای خویش را
- ۶ پیش خوانده نخستین را پرسید که بمولای من چند بده کاری * او
 گفت که صد پیمانہ روغن گفتش حجت خور را گرفته بنشین بروی
- ۷ پنجا مرقوم کن * بعد ازین بدگیری گفت تورا چند باید داد
 گفت صد پیمانہ کندم با وی گفت بگیر سند خور را و هشتاد نویس
- ۸ * و آنجناب ناظر خاین را بسبب کار عاقلانه اش ستوده فرمود که
- ۹ ابنای روزگار در صفت خویش و اناتر اند از ابنای نور * و من
 شمارا گویم که از دولت ناصواب خویش دوستان برای خویش
- مہیا کنید که تا چون زلیل شوید شمارا در امکانہ جاودانی جا دهند
- ۱۰ * و آنکس که در شیبی قلیل معتمد است نیز در چیز کثیر معتمد

- ۱۱ است و خاین در قلیل نیز در کثیر خاین است * چون شما دولت نا صواب را امین نبودید کیست آنکه دولت با صواب را بشما سپارد * و چون شما در مال دیگری امانت بجا نیاوردید
- ۱۳ کیست که مال شما را بشما گذارد * و نشاید که ملازمی دو مولی را خدمت کند زیرا که یا یکی را دشمن دارد و دیگری را دوست یا آنکه یکی را مصاحب باشد و تحقیر دیگری نماید پس نمی توانید که
- ۱۲ خدا را وهم ممونارا بنده کسی نمود * و فریستایانی که زر دوست بوزند
- ۱۵ تمام این سخنان را شنیدند و او را تمسخر مینمودند * و ایشانرا گفت که آنان هستید که در نرد خلق خور را مصفی مینمائید لیکن از وللهای شما خدا آگاهست که آنچه نرد خلق مطلوبست آن نرد خدا
- ۱۴ مبعوض است * و شریعت و بیغمبری بود تا بجایی را و الحال بشارت داده میشود بملکوت خدا و هر کس بسعی در آن درمی
- ۱۷ آید * و آسانتر است آسمان وزمین را زایل شدن از جا تا آنکه
- ۱۸ نقطه از شریعت زایل شود * و هر کس که طلاق دهد زنی را که
- زان اوست و گیرد و بگیرد زانیست و هر آنکس که آن زن
- ۱۹ مطلقه را گیرد نیز زانیست * و صاحب مکنتی بود که پیوسته سرخ
- ۲۰ و حریر پوشیدنی و هر روز سرور و عیش منعمانه نمودی * و مفلسی بود
- ۲۱ لعاصر نام که با بدن مقروح بر آستانش افتاده بود * و پیوسته نیازمند بود که سیر شود از لقمههایی که از خوان صاحب دولت
- ۲۲ می افتاد و سگان آمده زبان بر زخمهایی او می مالیدند * و چنین شد که آن فقیر را مرگ دریافت و ملایکه او را تا پهلوی ابراهیم
- ۲۳ بردند و آن غنی نیز مرد و بخاکش سپردند * و در جهنم چون

بعقوبت گرفتار مینوو چشمهای خود را کشوده ابراهیم را از دور
 ۲۷ دید دور پهلویش لعاضرا * و خروش بر آورده گفت که ای پدر
 من ابراهیم بر من رحم نما و فرست لعاضرا که سرانگشت
 خود را در آب نموده زبانم را خنک کرد و اند زیرا که درین شعله معذبم
 ۲۵ * پس ابراهیم گفتش که ای فرزند یو آرز آنکه تو در ایام حیات
 چیزای نیک را بخور و تصرف نمودی و چنین بود مر لعاضرا بلا
 ۲۶ پس اوست حال در تسلی و تو در عذاب * و علاوه بر این همه
 میایه ما و شما دره عظیم است که تا کسانی که خواهند از اینجا
 عبور نموده بنزد شما آیند نتوانند و نه آنکسانیکه آنجا هستند نوانند
 ۲۷ بنزد ما آیند * گفت پس ای پدر از تو استعدا میمائیم که تو او را بخانه
 ۲۸ پدرم فرستی * زیرا که پنج برادر که مراست آگاه سازد که مبار
 ۲۹ آنها نیز باین مکان عذاب در آیند * ابراهیم او را فرمود که موسی
 ۳۰ و پیغمبرانرا وارند از آنها بشنوند * گفت نی ای پدر من ابراهیم
 بدرستی که در صورتی که یکی از مرده کان بر ایشان در آید تایب
 ۳۱ شوند * باز فرمود در صورتی که موسی و پیغمبران را نکرند چنانچه
 از مرده کان هم کسی بر خیزد نخواهند میل نمود

باب هفدهم

۱ و فرمود شاگردانرا که لا بد است از آمدن چیزهای ناملایم و وامی
 ۲ بر آنکس که بوساطتش بوجود آید * و بهتر است او را که سنگ
 آس بکوزد او آویخته بدریاش در اندازند از آنکه یکی ازین
 ۳ اطفال را به لغزش در آرد * از خود احتراز نما و چون برادرت با
 ۴ تو خطا نماید متنبه اش ساز و چون توبه نماید به بخشش او را * و چنانچه

- در روزی هفت مرتبه نسبت بتو تقصیر نموده و روزی هفت کثرت بسوی تو آمده گوید که توبه میکنم هرآینه تورا است آمرزیدنش
- ۵ * و حواریان بخداوند عرض کردند که زیاده کردان ایمان ما را
- ۶ * خداوند فرموده چنانچه شما ایمان را بقدر واته خوردلی میداشتید هرآینه هرگاه باین درخت افراغ می گفتید کنده و در دریا نشانده
- ۷ شو اطاعت میکرد * و از شما کیست که داشته باشد غلامی که خویش نماید یا بچراند و چون از کشت باز آید الان گویدش که
- ۸ بیا بنشین * و نکویدش که چیزی برای آشامم آماده کن و کمر در خدمتم بسته تا آنکه خورم و بیاشامم و بعد از آن تو خور و بیاشام
- ۹ * آیا که ممنون شود از غلام که آنچه فرموده است بجا آرد مظنه ندارم * و همچنین است شمارا چون آنکه مقرر شده است کید بگوئید که ما بنده کانی بی منفعت هستیم زیرا که آنچه بر ما واجب
- ۱۱ بود کردنش همانرا کردیم * و هنگامی که در راه اورشلیم سیر مینمودند
- ۱۲ چنین شد که از میبته سمریه و جلیل عبور نمود * و چون در قریه از قرا در آمده ده نفر مبروص او را استقبال نموده از دور ایستادند
- ۱۳ * و ایشان صدرا بلند کرده گفتند که ای عیسی مخدوما بر ما ترحم
- ۱۴ فرما * پس نظر انداخته فرمود که رفته خورا بکاهنان نشان دهید
- ۱۵ و بوقوع رسید که در هنگام رفتن ایشان پاک کردیدند * و یکی از آنها خون وید که شفا یافت باواز بلند حمد کنان بر کشت * و او را
- ۱۷ ثنا گوین برپا افتاد و آنکس سمری بود * و عیسی جواب داده
- ۱۸ فرمود که آیا پاک نشدند ده تن پس کجائید آن نه تن دیگر * آیا یافت نشدند کسانی که بر کردند و حمد کنند خدا را جز آن غریب

- ۲۰ * پس اورا گفت که خیر ورو که ایمانت تورا رانید * وچون
 فریسیانش پرسیند که کسی در آید ملکوت خدا ایشان را جواب
 ۲۱ داده فرمود که ملکوت خدا با نگاهبانی نیاید * وخواهند گفت که
 اینک اینجا وهمانا آنجاست زیرا که ملکوت خدا شماراست در
 ۲۲ درون * وفرمود شماگردان را که ایامی آید که آرزو کنید که بینید
 ۲۳ روزی از روزهای فرزند انسانرا ونشاید که بینید * وبشما خواهند
 گفت که اینک اینجا واینک آنجاست بیرون نروید ونیفتید در
 ۲۴ عفت او * زیرا چون برق که از طرف آسمان نمودار شده تا طرف
 دیگر درخشان شود چنین خواهد بود فرزند انسان نیز در روز خود
 ۲۵ * لیکن بایش اول که بسیار عذاب کشیده وازین طبقه خواری
 ۲۶ یابد * وچنانچه در ایام نوح شده همان قسم نیز در ایام فرزند انسان
 ۲۷ خواهد بود * میخورند می آشامیند زن میبرزند شوهر میکروند تا
 ۲۸ آنروزیکه نوح بکشتی در آمد و طوفان آمده همه را فرو گرفت * وچنانچه
 در ایام لوط خورند و آشامیند وخریند و فروختند نشانند و ساختند
 ۲۹ * در روزی که لوط از سدوم در آمده آتش وکوکرد از آسمان
 ۳۰ باریدن گرفته تمامی را در گرفت * چنین خواهد بود در روزیکه فرزند
 ۳۱ انسان آشکارا شود * در آنروز کسی که بر بام باشد واسبابش در خانه
 برای گرفتنش نرول نکنند وآنکس که در کشت است نیز رجعت
 ۳۲ نماید * یاد آرید زن لوطرا * وهر آنکس که خواهد نگاهدارد جان خود را
 ۳۳ هلاکش کند وآنکس که هلاک کند آن را حیانتش دهد * ومن
 شمارا میگویم که در آن شب دو نفر که بر یک سریر باشند یکی
 ۳۵ گرفته ودیگری گذاشته شود * وخواهند بود دو زن که آس نمایند که

۳۶ یکی گرفته و دیگری گذاشته خواهد شد * و دو نفر در کشت خواهند بود که یکی زانها دستگیر و دیگری رستگار خواهد شد
 ۳۷ * ایشان گفتندش کجاست یا خداوند او فرمود که هر جا که مردار افتاد و کس با جمع کردند

باب هجدهم

- ۱ و بر ایشان مثل آورو باین مضمون که سزاوار است که همیشه
- ۲ دعا کنید و کلال نیابید * و گفت که قاضی در شهری میبوده از
- ۳ خدا ترس و نه از مردم شرم میکرد * و بویوه در آن شهر که پیوسته
- ۴ بنزوش آمده میگفت که انتقام مرا از خصم من بگیر * و مدتی
- نخواست لیک بعد بخود اندیشید که هر چند نه از خدا ترس و نه از
- ۵ خلق شرم دارم * لیک چون این بویه بر مصدع است بدادش
- رسم که از کثرت آمدنش مبارا و ماغم عاقبت پریشان شود
- ۷ * خداوند فرمود که بشنوید آنچه آن قاضی نا راست گفت * آیا
- نیست خدا که برای بر کزیدهگان که شب و روز او را خوانند
- ۸ انتقام کشد و هر چند تاخیر کند * و من شمارا میکویم که بروی از
- برای آنها انتقام خواهد کشید و آیا چنین است که چون فرزند
- ۹ انسان آید ایمان را بر زمین خواهد یافت * و بر کسانی که بر خود
- اعتماد میداشتند که نیکو کارانند و دیگران را بحقارت می نکرند این
- ۱۰ مثل را زد * که بقصد ناز گذاردن دو نفر یکی فریسی و دیگری باج
- ۱۱ خواه بهیكل روان شدند * و فریسی ایستاده ایگونه در ضمیرش دعا
- مینمود که خدایا تو را حمد میکنم که نیستم چون دیگران ظالم
- ۱۲ و ناراست و زناکار و یا چون این باج گیر * و در هفته دو روز روزه

- ۱۳ وارم و عشر از همه مال خور را ایثار میکنم * و آن عشار دور
ایستاده نمیخواست که چشمان را هم بسوی آسمان کند لیکن بر
- ۱۴ سینه خود زده می گفت خدایا بر من به بخش که گناه کارم * و من
شمارا میگویم که اینکس مصفی بخانه رفت نسبت بدبگیری زیرا
که پست شوو هر آنکس که خور را بلند بیند و بلند شوو هر که
- ۱۵ خور را پست بیند * و طفل چندمی را به پیشش آوردند که مس
۱۶ نماید چون تلامینزش آنها را دیدند ملامت نمودند * اما عیسی آنها را
خوانده فرمود که گذارید اطفال را که بنزوم آیند و مانع نشوید زانرو که
- ۱۷ ملکوت خدا زان اینچنین کسانست * و به تحقیق که بشما میگویم
که هر که نه پذیرد ملکوت خدا را چون طفل داخل آن خواهد
۱۸ شد * و رئیس پرسیدش که امی استاد نیکو چون سازم که حیات
۱۹ جاودان را دریابم * عیسی گفتش چرا نیکو خوانی مرا نیکو نیست جز
۲۰ یکی که او خداست * و تو خود شناسی احکام را زنا مکن و قتل مکن
۲۱ و زوری مکن و گواهی دروغ ده و پدر و مادر خود را محترم دار * او
۲۲ گفت خود این همه را از جوانی نگاه داشته ام * عیسی چون که
این سخن را شنیده باو گفت که یک چیز تورا باقیست هر
آنچه داری بفروش و بمسکینان ده که در آسمان خواهد بود برای
۲۳ تو کنجی و بیا و مرا متابعت نما * و چون این سخن را شنیده بسیار
۲۴ غمگین گشت زیرا که اموال فراوان داشت * چون عیسی
اندوهناکش ملاحظه نمود فرمود چه بسیار مشکل است کسان را
۲۵ که صاحبان دولتند در آمدن در ملکوت خدا * زیرا آسانتر است
شتر را که در چشمه سوزن در آید از اینکه صاحب دولتی در

- ملکوت خدا داخل شوو * وگفتندش کسانی که شنیدند پس چه کس تواند که باید نجات را * فرمود که چیزائی که نرو خلق محال است ۲۸ نرو خدا ممکن است * پطرس گفت که اینک ما تمامی ۲۹ چیزارا وا گذاشته تورا پیروانیم * آنها را فرمود که من شمارامی گویم بدرستی که نیست کسی که خانه یا والدین یا برادران یازن یا ۳۰ فرزندان را جهت ملکوت خدا واکندارو * وچندین مرتبه زیاده تر از آن را نیابد در این جهان ونیز در آن جهان حیات جاویدرا ۳۱ * وآن دوازده تن را برداشته ایشان را فرمود که اینک بسوی اورشلیم روانیم وآچیه در کتب پیغمبران مرقوم شده است بر ۳۲ فرزند انسان کامل میکروو * زیرا که بقبایل سپروه شوو و تمسخر ۳۳ و ظلم یابد و بر او آب دهن خواهند انداخت * واورا چوب زره ۳۴ خواهندش کشت وروز سیم بر خاسته خواهد شد * و آنها این سخنانرا مطلق درک نکرده واین کلام بر ایشان مخفی ماند وآچیه ۳۵ میفرمود نیافتند * ودر زمانی که نزدیک بیرجا بود کوری بر سر راه ۳۶ نشسته سوال مینوو * دریافت که جمعی در گذارند پرسید که ۳۸ چیست این * گفتندش که عیسی ناصری در گذارست * با ۳۹ فغان گفت که امی عیسی ابن داود رحم کن بر من * و آنکسان که در پیش میرفتند اورا منع کردند که خاموش باش لیک او ۴۰ پیش از پیش فریاد کرد که امی پسر داود رحم کن بر من * عیسی ترقف فرموده فرمود که اورا بنزدیکش آورند چون نزدیک شد ۴۱ پرسیدش * تورا چیست خواهش که برای تو کنم عرض کرد که ۴۲ خداوندکارا خواهم که بینا شووم * وعیسی فرمود که بینا شو که

۱۳ ایمانت تو را رستگار ساخت * در حال بینا شده خدا را حمد کویان
در عقبش در آمد و جمیع مردمش دیدند و خدا را ستایش کردند

باب نوزدهم

- ۲ و چون داخل شد میرجارا عبورا * بود مردی که بر کسی نامیده شده
- ۳ بود و بود از تبرکان باج خوانان و صاحب دولت بود * و خواهشمند بود که عیسی را دیده بیند که او چگونه است و از کثرت خلق
- ۴ مقدورش نبود زیرا که بود قصیر القامت * پس پیش دوید و بر درخت افراغی بر آمد تا نظاره اش نماید زیرا که او اراده داشت
- ۵ که از آنراه عبور نماید * و چون عیسی بانمکان رسید بالا نگریدست و او را دیده گفت ای زکی بشتاب و پائین آ که باید مرا که امروز در
- ۶ خانه ات بسر آرم * پس سرعت نزول نمود و او را بخرمی پذیرفت * پس چون همگی نگریدستند آن مقدم را همه در
- ۷ آنها افتاده گفتند که با مردی گناه کار بر آمده خوش نشسته است
- ۸ * و زکی بر پا ایستاده با خداوند عرض کرد که الحال خداوند نصف مال خود را بمساکین میدهم و چنانچه کسی را در مال مغبون کرده
- ۹ باشم چهارم مقابله اش باز دهم * عیسی باو فرمود که امروز رستگاری باین دوومان رسید زانرو که این نیز از اولاد ابراهیم
- ۱۰ است * که فرزند انسان آمده است که کم شده کانرا طلب
- ۱۱ نمود رستگار نماید * و هنگامی که ایشان می شنیدند این سخنانرا بر آن افزوده مثلثی آورد چونکه نزدیک باورشلیم بود و ایشانرا کمان
- ۱۲ این بود که آلان ملکوت خدا آشکارا خواهد شد * پس فرمود که شخص شریفی بقصد مرز دوری روان شد که تا مملکت برای

- ۱۳ خود تحصیل نموده عود نماید * پس ده تن از بندهگان خود را خوانده
 ۱۴ و ده قنطار بانهها داد و گفت که تا باز گشتنم معامله کنید * و اما
 مردمان شهرش عداوت داشتند و پس از وی پیغام فرستاده گفتند
 ۱۵ که ما اینکس را نخواهیم که بر ما امیر باشد * و چون آن مملکت را
 یافته رجعت نمود و با حضار غلامان خویش که زر را بانهها سپرده بود
 ۱۶ فرمان داد که در یابد هر یک چه نفع نموده است * پس اول
 آمده گفت ای آقا یک قنطار تو ده قنطار نفع نموده است
 ۱۷ * پس او را گفت مرحبا ای غلام نیکو از آنجا که تو امین بودی
 ۱۸ این قلیل را پس تورا برده شهر امارتست * و دیگری آمده گفت
 ۱۹ ای آقا یک قنطار تو پیدا نموده است پنج قنطار را * باو نیز
 ۲۰ گفت که تورا نیز بر پنج شهر امارتست * دیگری آمده گفت ای
 آقا یک قنطار تو اینک موجود است آنرا در ملفوفی نگاه داشته
 ۲۱ ام * زیرا که تو مروی بغایت تند مزاج و من از تو مخوف بودم
 ۲۲ بعلت آنکه خود نگذاشته بر میداری و زرع نکرده میدروی * باوی
 گفت که تورا بحرف خودت الزام دهم ای غلام نا شایسته تو
 چون دانستی که مروی تند مزاجم نگذاشته بر میدارم و نکشته میدروم
 ۲۳ * پس چونست که زر مرا بر تخت صرافین نهادهای که چون من
 ۲۴ آیم آنرا با نفعش بگیرم * و گفت حاضران را که قنطار را از او گرفته
 ۲۵ تسلیم آن دیگری که ده قنطار زان اوست نماید * پس او را
 ۲۶ گفتند ای آقا اینست صاحب ده قنطار * و من شمارا میگویم که
 هر کس که دارد داده خواهد شد و آنکس که ندارد از او گرفته خواهد
 ۲۷ شد چیزی که دارد * و آنانی که از عداوت نمیخواستند که من بر

ایشان امارت نامیم در این جا حاضر نمائید و در برابرم بقتل رسانید
 ۲۹ * و چون این را گفت پیشتر بسوی اورشلیم روان شد * و چون
 بنزدیکی بیت فاکسی و بیت عنیه بنزدیکی کوه مستمی بریتون رسید
 ۳۰ و متن از شاکردان خورا فرستاد * و فرمود بقریه برابرور آید و در
 درآمدن در آن کره خرمی می یابید بسته که هیچ کس گاهی بر او
 ۳۱ ننشسته است باز نموده آریدش * و اگر کسی شمارا پرسد که چرا
 این را باز میکنید او را باین قسم جواب دهید که خداوندگار بان
 ۳۲ محتاجست * و ایشان که فرستاده شدند رفته آچنان یافتند
 ۳۳ که او بانها فرموده بود * و هنگامی که کره را باز می کردند مالکانش
 ۳۴ گفتند که چرا این را باز می کنید * گفتند که خداوندگار بان
 ۳۵ احتیاج دارد * پس آنرا بنزد عیسی آوردند و رخت خورا بر او
 ۳۶ افکنده عیسی را بر آن سوار نمودند * و هنگام رفتن رخت خورا
 ۳۷ در راهش گسترانیدند * چون نزدیک بدامن کوه زیتون رسید
 همگی جماعت شاکردانش شروع نموده بخوشوقتی خدا را حمد
 ۳۸ میکردند باواز بلند بعزت آن معجزه بانی که دیده بودند * و میگفتند
 که خجسته باد پادشاهی که باسم خداوند می آید و آرام در آسمان
 ۳۹ و جلال در عالم بالا * و چندی از فریسیان از آن جمع گفتندش
 ۴۰ که ای استاوشاکردان خورا منع نما * پس ایشانرا جواب داده
 گفت که من شمارا میکویم که اگر اینان خاموش باشند سنگها
 ۴۱ فریاد خواهند نمود * و چون نزدیک رسید و شهر را دید بر آن
 ۴۲ گریست * و گفت توبلی توکاش آنچه زبانی که نورا موجب آرام
 بودند در این روزبانی که مالکش هستی می شناختی و حال دیگر

۲۳ از چشمان تو نهانند * زیرا که می آید ایامی بر تو که اعدای تو بر گرد
 تو احاطه نموده بخندق و تورا محصور خواهند ساخت و از همه
 ۲۴ اطراف تورا بتنگی خواهند در آورد * و تورا و فرزندانت را در تو
 همزمین خواهند انداخت و سنگی بر سنگی در تو قرار نخواهد
 ۲۵ داشت زیرا که نشناختی ایام توجه خور را * و در هیکل در آمده به
 بیرون نمودن کسانی که در آن میفروختند و میخریدند آغاز فرمود
 ۲۶ * و با آنها گفت که مرقوم شده است که خانه من عبادت خانه
 ۲۷ است شما آنرا مغاره و زردان نموده آید * هر روز در هیکل تعلیم
 میداد و بزرگان کاهنان و نویسندگان و پیشوایان مردم خواستند
 ۲۸ که هلاکش نمایند * و ندانستند که چون کنند زیرا که همگی مردم
 برشته استماع خور را با و در آویخته بودند

باب بیستم

۱ و در یک روزی از آن روزها اتفاق افتاد که در زمانی که او درون
 هیکل بود و مردم خلق را تعلیم میداد و بشارت میفرمود رؤسای کهنه
 ۲ و فریسیان با بزرگان آمده * گفتندش که بکوی ما را که تو بچه
 اقتدار این را میکنی و آن کیست که داده است این اقتدار را
 ۳ بتو * او رو جواب فرمود که من نیز از شما یک سخن می پرسم
 ۴ بمن بگوئید * که آیا غسل بچیی بود از آسمان یا از خلق * آنها با خود
 اندیشیدند که اگر گوئیم از آسمان بود خواهد گفت که چرا بوی
 ۵ اعتقاد نداشتید * و اگر گوئیم که از مردم بود همه خلق ما را سنکسار
 ۶ کنند زیرا که بچیی را بی شبهه پیغمبر وانند * پس جواب گفتند
 ۷ که ندانیمش که از کجا بود * و عیسی ایشانرا گفت که من بشما

- ۹ نیز نکویم که این کار را با بچه اقتدر کنیم * و شروع نموده این مثل را برای مردم آورد که شخصی تا کستانی را غرس نموده بد هقانانش
- ۱۰ سپروه خود مدتی مسافرت اختیار نمود * و در موسم ملازمی را بنزد دهقانان فرستاد تا ثمره آن تا کستانرا بوی تسلیم نماید لیک
- ۱۱ دهقانانش زوه تہی وست باز کروانیدند * و بیک بار ملازمی و بیکر را فرستاد ایشان اورا نیز زوه خفیفش نموده تہی وست پس
- ۱۲ فرستادند * او نیز ثالثا ملازمی را فرستاده ایشان اورا زخم زوه بیرونش نمودند * صاحب تا کستان گفت که چون کنم میفرستم
- ۱۳ فرزند محبوب خود را که شاید چون بیندش خجل شوند * چون دهقانان ویرا دیدہ با خود تصور نموده گفتند کہ این وارثت بیاید
- ۱۵ کہ تا اورا بکشیم و میراث از آن ما شود * پس از تا کستانش بیرون بروہ بکشتند حال مالک تا کستان با ایشان چه خواهد نمود
- ۱۴ * او خود آید و دهقانانرا ہلاک نموده تا کستانرا بد بیکران خواهد سپرد آنها شنیدہ گفتند این خود مبادا * او در آنها نگرستہ فرمود
- چپست آنچه نوشته شدہ است کہ سنگی کہ معمارانش رو نموده
- ۱۸ اندسر زاویہ واقع شدہ است * هرکس کہ بران سنگ افتد
- ۱۹ خورر میشود و آنکس کہ بر او افتد نرم خواهد شد * پس قصد نمودند کاهنان بزرگ و نویسندہ کان کہ در ہما ن ساعت وستہا بر او اندازند و از مردم ترسیدند زیرا کہ دانستند کہ قصدش از این مثل ایشان بوو * پس فرصت جستہ فرستادند جواسیس چند را کہ خود را صالح مینمودند تا کہ سخنی از وی بچنک آزند کہ اورا باقتدار
- ۲۱ و قدرت حاکم سپارند * پس ایشان پرسیدندش کہ امی استاد

- وانیم که تو آنچه کوتی و تعلیم دهی محض صوابست و نظر در
 ۲۲ ظاهر نمیکنی بلکه راه خدا را برستی منمائی * آیا جایز است که ما
 ۲۳ قیصر را جزیه دهیم یا نه * و چون مکر ایشانرا دانست گفت
 ۲۷ ایشانرا چرا تجربه ام میکنید * نشان دهید بمن ویناریرا که نقش
 ۲۵ وسکه که را وارد پس جواب داده گفتندش که قیصر را * آنها را
 گفت که پس آنچه زان قیصر است بقیصر واگذارید و آنچه از
 ۲۶ خداست بخدا * و نتوانستند بسخمش در نزد مرموم چنگ زنند پس
 ۲۷ از جوابش حیران مانده ساکت شدند * تنی چند از زادو قبیان که
 ۲۸ منکر قیامتند پیش آمده پرسیدندش * و گفتند ای استاد موسی
 برای ما نوشته است که اگر برادر کسی بمیرد که زنی داشته و در
 هنگام مردن بی فرزند باشد باید برادرش زن او را گرفته نسلی
 ۲۹ بجهت برادر خود جاری سازد * و بوزن هفت برادر نخستین
 ۳۰ زنی را گرفته بی فرزند وفات یافت * و دویمی آنزن را گرفته او
 ۳۱ نیز لاولد فوت شد * سیمین او را گرفته و همچنین آن هفت
 ۳۲ نفر نماد آنها را فرزندی و مرزند * و در آخر همه آنزن نیز وفات
 ۳۳ یافت * پس او در قیامت زن کدام یک از ایشان خواهد
 ۳۴ بود زیرا که هر هفت او را گرفتند * و عیسی ایشانرا در جواب فرمود
 ۳۵ که ابنای روزگار راست نکاح نمودن و نکاح کرده شدن * و اما
 کسانی را که سزاوار است که بدست آزند آنچه آنها را و قیامت را از
 ۳۶ مردهگان نه ترویج میکنند و نه ترویج کرده میشوند * و نیز نمیتوانند
 که باز بمیرند زیرا که ایشان ملک را مانند و ایشانند فرزندان خدا را
 ۳۷ زیرا که فرزندان قیامت هستند * و باینکه مردهگان بر میخیزند موسی

نیز اشارت فرمود در حدیث بیوه چون گوید خداوند را خدای
 ۳۸ ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب * خدایست زان
 مرده‌گان بل زان زنده گانست زیرا که نسبت باو همه زنده اند
 ۳۹ * پس بعضی از نویسندگان جواب دادند که ای استاد نیکو
 ۴۰ گفتی * و بعد از آن جرات نمودند که هیچ چیز را ازو سؤال نمایند
 ۴۱ * و آنها را فرمود که چه گونه گوئید که مسیح پسر داود است * و حال
 آنکه داود خود میگوید در کتاب مزامیر که خداوند بخداوند من گفت
 ۴۲ بنشین بر دست راست من * تا آنکه بنهم اعدای تو را در محل
 ۴۳ اقدام تو * داود او را خداوند گفت پس چگونه پسر اوست
 ۴۴ * هنگامی که مردم تمامی می شنیدند شاکر و انش را گفت * که به
 پرهیزید از نویسندگانیکه خواهند خرامیدن در رخت بلند و دوست
 دارند سلام کردن را در بازارها و صدر مجالس را در مجامع و صدر
 ۴۵ سرایرا در ضیافت * و خوردن خانهای بیوه زنان را و طول میدهند
 نمازها را برپا پس اینانند که می یابند عذاب عظیم را

باب بیست و یکم

۱ و نظر کرده دید اغنیار که می انداختند نذورات خورا در مخزن
 ۲ * و دید نیز بیوه مفلسی را که دو فلس در آن می انداخت * و گفت
 بدرستی که راست گویم شمارا که این بیوه مفلس پیش از
 ۳ همگی انداخت * زیرا که انداختند تمامی آنها در نذورات خدا
 چیزها که زاید میباشند و انداخت این بیوه چیزها که ناقص بود
 ۴ یعنی تمامی معاش خورا * و جمعی را که می گفتند از تشریف
 ۵ هیکل بسنگهای نیکو و عطا یا * گفت می بینید این چیزها را و آید

- زمانیکه گذاشته نشود در آن سنگی بر سنگی مگر آنکه خراب شود
- ۷ * پس ایشان او را پرسیده گفتند که استاد این کی خواهد بود
- ۸ و چه نشانست در پیوستن اینها * گفت آگاه باشید که فریفته
- نشوید زیرا که بسیاری با اسم من خواهند آمد که گویند من هستم
- ۹ و وقت قریب است پس نیفتید بعقب ایشان * و چون
- شنوید اخبار جنگها و هنگامها را مضطرب مشوید زیرا که بایست
- که اینها همه اولاً بجا آید لیکن هنوز وقت بانجام نرسیده است
- ۱۰ * و در آن هنگام ایشانرا گفت که بر خواهند خاست قومی بر
- ۱۱ قومی و مملکتی بر مملکتی * و در اماکن خواهد بود زلزلههای عظیم
- و کرانیها و وبا و خواهد بود توهمات و نشانهای عظیم از آسمان
- ۱۲ * و قبل ازین همه می اندازند دستهای خود را در شما و معاقب
- نموده بسبب اسم من در مجامع و زندانها خواهند بود و نژد سلاطین
- ۱۳ و حکام خواهند کشید * این همه شهواتی خواهد بود از برای شما
- ۱۴ * پس در دلهای خود عزم کنید که پیشتر اندیشه از برای معذرت
- ۱۵ جواب آنها نکنید * زیرا که میدهم شمارا زبانی و عقلی که قادر
- نباشند تمامی مخالفین شما که با مخالفت یا مقاومت نمایند
- ۱۶ * و بد رستیکه تسلیم کنند شمارا والدین و برادران و خویشان
- ۱۷ و دوستان و بکشند بعضی از شمارا * و جهت اسم من همگی
- ۱۸ مردم با شما کینه خواهند ورزید * و موسی از سر شما کم خواهد شد
- ۲۰ * و شما خود نفوس خود را بصبر نگاه دارید * و چون یابید اورشلیم را
- که محصور شده است بخپام سپاه آنگاه در یابید که نزدیک
- ۲۱ است ویرانی آن * در آن هنگام کسانی که در یهودیه هستند

- بگریزند بسوی کوهستان و کسانى که داخل آن هستند به بلوکات
 ۲۲ روند و کسانیکه هستند در بلوکات باندرون آن در نیایند * زیرا
 که آنروز است روزهای انتقام و تکمیل هر آنچه نوشته شده است
 ۲۳ * و وای بر آپستنها و شیر و هنده کان در آن ایام زیرا که گرفتاری
 ۲۴ عظیم بر زمین خواهد بود و این طایفه را سخت * و بدم شمشیر
 خواهند افتاد و در همگی قبایل اسیر خواهند شد و پایمال طوایف
 ۲۵ خواهد بود و اورشلیم تا زمانیکه زمان طوایف تمام شود * و خواهد
 بود علامات در آفتاب و ماه و ستاره ها و بر زمین گرفتاری طوایف
 ۲۶ بتحیر و صدای دریا و امواج * و خلق از وهم و انتظار آن قضا یا که
 بر ربع مسکون می آید بیجان خواهند شد زیرا که خواهد شد
 ۲۷ توانائی های آسمان متزلزل * و آنوقت خواهند دید فرزند انسانرا
 ۲۸ که بر ابر نشسته با قوت و جلال عظیم می آید * و چون شروع
 باین چیزهای میشود راست نشسته سرهای خور را بالا نمائید زیرا
 ۲۹ که خلاصی شما نزدیک شده است * و آنها مثلثی را آورد که
 ۳۰ درخت انجیر و سایر درختها را ملاحظه نمائید * که چون بمحرو بینید
 که شکوفه را میریزند خور در یابید که الحال تابستان نزدیک شده
 ۳۱ است همچنین شما نیز چون بینید که آنها واقع میشوند در یابید
 ۳۲ که ملکوت خدا نزدیک شده است * و من بشما راست میگویم
 ۳۳ که نخواهد گذشت این طبقه تا همگی اینها بوقوع انجامد * و آسمان
 و زمین خواهد گذشت ولیکن نخواهد گذشت سخنان من
 ۳۴ * و با خذر باشید که مبارک و لهاسی شما پرخوری و می پرستی و افکار
 ۳۵ معیشت کران کرد و ناکاه دریابد آنروز شمارا * زیرا که چون دام

۳۶ هر تمامی نشیننده‌گان بر روی زمین خواهد آمد * پس بیدار بپور
 و عاکنید در تمامی اوقات تا آنکه شایسته باشید که توانید رستگار
 شد از تمامی اینها که بوقوع می‌انجامد و بایستید پیش روی فرزند
 ۳۷ انسان * و روزها در هیکل تعلیم میفرمود و شب‌ها بیرون رفته
 ۳۸ در کوه مستمی بنیتون توقف می نمود * و تمامی خاق برای شنیدن
 کلامش در هیکل پیشش جمع میشدند

باب بیست و دویم

۲ و چون نزدیک بود عید فطیر که مستمی است بفتح * کاهنان
 بزرگ و نویسنده‌گان در جستجو میبوزند که او را بچه طریق مقتول
 ۳ نمایند زیرا که از خلق واهمه می نمودند * و شیطان در یهودا که ملقب
 ۴ باسخریوطی یکی از وازروه نفر بود در آمده * پس آمده بر وسای
 ۵ کهنه و سپاه گفتگو می نمود که او را چگونه بایشان سپارو * و خوشنور
 ۶ بوزند و با وی عهد بستند که او را زر خواهند داد * و او راضی شده
 در انتظار فرصت می بود که او را پنهانی از خلق بایشان سپارو
 ۸ * چون روز فطیر که در آن فصح بایست نمودن آمد * او
 بطرس و یوحنا را فرستاده گفت بروید و فصحرا از برای ما آماده
 ۹ سازید که تناول نمائیم * آنها ویرا گفتند کجا میخواهی که آماده
 ۱۰ کنیم * ایشانرا گفت چون بشهر در آئید کسی را بر خرید که سبوی
 ۱۱ از آب میبرد او را پیرومی نمائید بخاته که در آید * و بگوئید صاحبخانه را
 که استوار میفرماید که کجاست مکانی که در آن با شاکردان
 ۱۲ خود فصحرا خورده باشم * و او حجره وسیع مفروشی را بشما خواهد
 ۱۳ نمود در آنجا آماده سازید * و ایشان رفته چنانکه بایشان فرموده

- ۱۴ بود یافتند و صبح را مهیا ساختند * چون وقت رسید بنشست
- ۱۵ و دروازه حواری نیز با او * ایشانرا فرمود که من بسیار خواهشمند
- ۱۶ بودم که قبل از وفات خود این فصیحرا با شما خورده باشم * که
- بشما میگویم که من بعد ازین نخواهم خورد تا اینکه در ملکوت خدا
- ۱۷ کامل کردو * و کاسه را گرفته شکر بجا آورد و فرمود که بگیری این را
- ۱۸ و در میان خود قسمت نماید * زیرا که من شما را میگویم که نخواهم
- ۱۹ آشامید از میوه زرتا وقتی که بیاید ملکوت خدا * و تانی را گرفته
- شکر نمود و شکسته بایشان داد و فرمود که این تن من است که در
- ۲۰ راه شما داده میشود این را بیاد من بجا آرید * و کاسه را نیز بهمان
- طور بعد از خوردن شام گرفته فرمود که این کاسه پیمان نویست
- ۲۱ که بسته میشود بخون من که ریخته میشود در راه شما * و الحال
- وست آنکس که مرا خیانت می نماید با من در میان سفره
- ۲۲ است * و فرزند انسان بر حسب تقدیر می رود لیکن وای بر
- ۲۳ آنکس که او را تسلیم می نماید * پس آنها از همدیگر تفحص می
- ۲۴ نمودند که آیا کدام یک باشد که این عمل را نماید * و بود در میان
- ۲۵ ایشان نزاعی که آیا کدام یک از آنها بزرگتر میباشد * او ایشانرا
- فرمود که سلاطین قبایل خداوندی بر ایشان می نمایند و خوانده
- میشوند ولی نعمت کسانی که در میان آنها صاحب اقتدار
- ۲۶ هستند * لیکن مباحثید شما اینچنین بلکه بزرگتر از شما بود
- ۲۷ باشد چون کوچکتر و پیشوا چون ملازم * کیست بزرگتر آیا آنکس
- که نشسته است یا آنکه خدمت می نماید آیا نیست آنکس که نشسته
- ۲۸ است لیکن من در میان شما چون خادم هستم * و شما آنان

- ۲۹ هستی که صبر نموده اید در امتحان های من بامن * و من برای
- ۳۰ شما مهیا می نمایم ملکوتی را چنانچه پدرم برای من نموده است * تا که
- شما بر خوان من بخورید و بیاشامید در ملکوت من و بنشینید بر
- ۳۱ تختها و حکم نماید بر دوازده سبط اسرائیل * پس خداوند فرمود که
- ای شمعون شمعون اینک شیطان میخواهد که شمارا به بیزد
- ۳۲ چون کندم * و اما من خواسته ام برای تو که ناقص نشو و ایمان تو
- ۳۳ و چون تو تائب شده برادران خود را نیز استوار نما * و او عرض
- کرد که یا خداوند من مستعد می باشم که بپوشم با تو در زندان
- ۳۴ و در مرگ * پس گفت او را ای پطرس میگویم تورا امروز بانگ
- خواهد زد خروس مگر آنکه پیش از آن تو سه بار انکار کرده باشی
- ۳۵ مرا که من اورا نمی شناسم * و ایشانرا فرمود که چون فرستادم
- شمارا بی کیسه و خورجین و نعلین آیا در هیچ چیز کم رسی یافتید
- ۳۶ گفتند که در هیچ چیز نیافتیم * و ایشانرا فرمود که حال آنکس که
- کیسه با اوست بر وارد و همچنین کسی که خورجین را وارد و کسی
- ۳۷ که ندارد بفروشد جامه خود را و بخرد شمشیری * و میگویم شمارا که
- آنچه نوشته شده است باید که در من کامل گردد که شمرده میشود
- با بدکاران بجهت آنکه نوشته شده است در باره من کمالی
- ۳۸ وارد * پس ایشان گفتند یا خداوند دو شمشیر در اینجا هست
- ۳۹ گفت ایشانرا که بس است * و بحسب عادت برآمده بسری
- ۴۰ کوه زیتون روان شد و شاگردانش او را متابعت نمودند * چون
- رسید بانمکان شاگردان را فرمود و بگفتند تا آنکه در امتحان در
- ۴۱ نیاید * و او خود بمقدار سنگ پرتابی دور رفته برانو درآمده دعا

۲۲ کرد * وگفت اسی پدر اگر خواهی که این پیاله از من بگذرد بگذرد
 ۲۳ لیکن نه. خواهش من بلکه خواهش تو * و فرشته از آسمان
 ۲۴ نمودار شد تا قوت دهد اورا * واو در اضطراب افتاده بسعی
 شدید دعا می نمود و عرقش چون قطره با از خون بود که بر زمین
 ۲۵ می چکید * و از دعا برخاسته بنزد شاکردان آمد یافت ایشانرا که از
 ۲۶ حزن خواب ربوده است * و ایشانرا گفت چرا می خوابید برخیزید و دعا
 ۲۷ نائید تا آنکه داخل نشوید در تجربه * و هنوز تکلم می فرمود که ناگاه
 گروهی که آنکس که بی پروا مستمی بود یکی از آن دوازده نفر بود
 ۲۸ ایشانرا پیشوا شده بنزد عیسی آمد تا اورا ببوسد * عیسی ویرا فرمود
 ۲۹ اسی پروا آیا تو ببوسه خیانت میکنی فرزند انسانرا * آنگاه
 مصاحبانش چون دیدند که چه خواهد شد ویرا گفتند یا خداوند
 ۵۰ آیا بشمشیر بزنیم * یکی از آنها زد و کوش راست خادم کاهن
 ۵۱ بزرگ را برید * عیسی فرمود که همین بس است و کوش اورا
 ۵۲ مس نموده اورا درست نمود * و عیسی بانگسانی که بنزد وی آمده
 بودند از کاهنان بزرگ و سرداران هیکل و مشایخ فرمود که آیا چون
 ۵۳ برای دزد بر من آمدید با شمشیرها و چوب دستها * و من هر روز در
 هیکل با شما می بودم و شما دست بر من دراز نکردید لیکن این
 ۵۴ ساعت شماست و قوت ظلمت * پس ایشان اورا گرفته
 و برده بخانه کاهن بزرگ رسانیدندش و در او در پطرس بعقبش
 ۵۵ روان شد * و ایشان آتشی در وسط خانه افروخته با هم نشستند
 ۵۶ و پطرس نیز با ایشان نشست * کنیزکی اورا دیده که نزدیک
 آتش نشسته است در وی تیز نگریسته گفت که این نیز با وی بود

- ۵۸ * او انکار او نموده گفت که ای زن من اورا نمی شناسم * بعد
از لسمحه شخصی دیگر اورا دیده گفت که تو نیز از آنها هستی
۵۹ پطرسش گفت ای مرد نیستم * و چون تخمینا ساعتی گذشت
دیگر بار شخصی مبالغه نموده که اینکس بی شبهه با او بوده است
۶۰ زیرا که جلیلی است * پطرس گفت ای مرد نمی یابم که تو چه
میگویی و هنوز در تکلم میبود که فی القور خروس بانگ زد
۶۱ * خداوند کشته پطرس نگریست و او سخن خداوند را که با او فرموده
بود که پیش از آنکه خروس بانگ زند تو مرا سه بار انکار خواهی نمود
۶۲ یاد آورد * و پطرس بیرون آمده زار زار بگریست * و آنانی که
۶۳ عیسی را نگاه میداشتند اورا تازیانه زده تمسخر می نمودند * و رویش را
پوشانیده طپاچه برومی زدند و پرسیدندش و گفتند از راه نبوت
۶۴ بگو که کیست که تورا طپاچه زد * و دیگر سخنان زل بسیار باو
۶۵ گفتند * و چون روز ظاهر شد جمع شدند رؤسای قوم و بزرگان کهنه
۶۶ و نویسنده کان و اورا در مجمع خود داخل نمودند * پس گفتند بوی
که چنانچه تو مسیح هستی ما را اطلاع ده گفت اگر بگویم باور
۶۸ نخواهید نمود * و اگر سؤال نمایم جواب نخواهید داد و مرخص
۶۹ نخواهید نمود * و من بعد ازین زمان فرزند انسان بر دست
۷۰ راست قوت خدا نشسته خواهد بود * همه گفتند پس تو پسر
۷۱ خدا هستی گفت ایشانرا که شما میگوئید که من آمم * پس ایشان
گفتند که ما چه احتیاج بشهادت است زیرا که خود از ذهن
اوشنیدیم

باب بیست و نهم

- ۲ پس تمامی آنجماعت بر خاسته اورا بنزد پیلطس آوردند * و آغاز شکایت بر او نموده گفتند که یافتیم این شخص را که مخرف میکنند قوم را و از دادن جزیه بقیصر منع میکنند و میگویند که او خود
- ۳ مسیح پادشاهست * پیلطس از وی سؤال نموده گفت که تو پادشاه یهود هستی او جواب داد که تو میگوئی * و پیلطس کاهنهای
- ۴ برک و جمع را گفت که من درین شخص عیبی نمی بینم
- ۵ * و ایشان تاکید نموده گفتند که او از جلیل آغاز نموده در تمام یهودیه تا اینجا تعلیم میداد و در میان مردم فتنه می انگیزد * و پیلطس چون جلیل را شنیده پرسید که آیا این شخص از جلیل است
- ۶ * و چون یافت که از اعمال هیروویس است اورا بنزد هیروویس فرستاد زیرا که او نیز در آن ایام در اورشلیم بود * و چون هیروویس عیسی را دیده بسیار خوشوقت شد زیرا که مدتها بود که خوانان دیدارش بود بعلت آنکه بسیار ازو بقلها شنیده بود
- ۹ و امیدوار بود که ازو معجزه دیده باشد * پس از او سئوالات چند نمود و او مطلقا جوابش نداد * پس ایستادند رؤسای کهنه و نویسندگان و بشدت تمام بروی شکایت می نمودند * هیروویس بالشکر خود اورا استحقار و استهزا می نمود و کسوت فاخری بوی پوشانیده اورا بنزد پیلطس باز فرستاد * و آنروز پیلطس و هیروویس باهم آشتی نمودند زیرا که باهم از پیش در مقام
- ۱۳ عداوت بودند * و پیلطس بررکان کاهنان و رؤسای قوم را خوانده * ایشانرا گفت که اینکس را که شما بنزد من آوردید که

- مردم را منحرف میسازد الحال پیش روی شما من اورا امتحان
 نمودم هیچ عیبی از آنها که شما ویرا بان منسوب مینماید در او
 ۱۵ نمی یابم * بلکه نه هیروویس نیز زیرا که من خود شمارا بنزدش
 فرستادم و الحال هیچ چیز که لایق قتل باشد در وی بعمل
 ۱۷ نیاورده است * پس اورا تنبیه نموده را خواهم نمود * چون بر
 ۱۸ او در آن عید واجب بود که کسی را بجهت آنها آزاد نماید * همه
 بیکبار فریاد کرده گفتند که این را ببر و برتاس را بجهت ما آزاد
 ۱۹ ساز * و آن کسی بود که بسبب شورش و قتلش که در شهر واقع
 ۲۰ شده بود در محبس گرفتار شده بود * پس پیلاطس و یکبار
 ایشان را مخاطب ساخت و خواهش داشت که عیسی را آزاد
 ۲۱ کند * و آنها فریاد کرده گفتند که اورا صلیب کن صلیب کن
 ۲۲ * باز سیم مرتبه ایشانرا گفت که اینکس چه بدی کرده است
 علت قتل را از وی نیافته ام اورا تنبیه نموده را خواهم نمود
 ۲۳ * و ایشان باواز بلند مبالغه بسیار نمودند و خواهش کردند که او
 صلیب شود و آواز ایشان و کاهنان برک اورا مغلوب نمود
 ۲۵ * پس پیلاطس حکم نمود که مطلوب ایشانرا بعمل آرند * و برای
 ایشان شخصی را که بعزت هنگامه و قتل در زندان بود و اورا
 ۲۴ خواستند را نمود و عیسی را بخواهش ایشان سپرد * و چون اورا
 می بردند شخصی شمعون نام قیروانی که از خارج شهر می آمد
 گرفتار کرده صلیب را بر دوشش گذاشتند که از پس عیسی برود
 ۲۷ * و گروهی بسیار از مردم و از زنانی که بجهت او سینه زنان
 ۲۸ و گریه کنان بودند در عقب او روان شدند * و عیسی بسوی ایشان

برکشته گفت ای دختران اورشلیم بر من مکرشید بلکه بر خود
 ۲۹ و فرزندان خود بکرشید * زیرا که می آید ایامی که در آن خواهند
 گفت که خوشا حال عقیمها و رحمهای که نزاوند و پستانهایی که
 ۳۰ شیر ندادند * و آنگاه شروع تکلم بکوه ها خواهند کرد که بر ما بیفتید
 ۳۱ و بتلها که ما را پنهان نمائید * زیرا که چون کرده میشو و این اعمال
 ۳۲ با چوب تر با چوب خشک چه خواهد شد * و دو نفر دیگر که بدکار
 ۳۳ بودند آورند که با او کشته شوند * و چون بجائی که آنرا کاسه سر
 میگویند رسیدند او را در آنجا صلیب نمودند و بدکارانرا نیز یک از
 ۳۴ راست و یک از چپ * و عیسی گفت که ای پدر اینهارا بیا مرز
 زیرا که نمیدانند که چه کار می کنند و آنها رختهای او را قسمت
 ۳۵ کرده قرعه زوند * و مردم نگران ایستاده بودند و بزنگان بتمسخر بانها
 گفتند که دیگرانرا نجات داد خوررا نجات دهد اگر اینست مسیح
 ۳۶ بر کزیده خدا * و سپاهیان نیز او را استهزا می نمودند که پیش او
 ۳۷ آمده سر که گذاشتند و گفتند * که اگر تو پادشاه یهود هستی خوررا
 ۳۸ نجات ده * و نامه بر او نوشته بود بخط یونانی و رومی و عبری که این
 ۳۹ پادشاه یهود است * و یکی از آن بدکاران که بصلیب آویخته
 شده بود او را منکرانه گفت که اگر توئی مسیح خوررا و ما را نجات
 ۴۰ ده * و دیگری او را نهیب داده در جواب گفت آیا تو از خدا نمی
 ۴۱ ترسی زیرا که تو در همان عذاب گرفتاری * و ما بحق زیرا که
 مکافات اعمال خوررا می یابیم و اینکس هیچ عمل نا شایسته
 ۴۲ نکرده است * و عیسی گفت یا خداوند مرا یار چون بملکوت
 ۴۳ خود رسی * عیسی ویرا گفت که من راست میگویم که تو امروز

۲۲ در فروروس با من خواهی بود * و قریب بساعت ششم بود که همه
 ۲۵ مرزوبوم را ظلمتی فرو گرفت و تا بساعت نهم باقی بود * و آفتاب
 ۲۶ تاریک شد و پردهٔ هیکل از میان شکافت * و عیسی با آواز بلند
 فریاد نموده گفت ای پدر من روح خود را بدستهای تو میسپارم
 ۲۷ و این را گفته وفات نمود * و یوزباشی این واقع را دیده خدا را تمجید
 ۲۸ نمود و گفت بدرستی که ابن شخص بر راستی بود * و همگی
 طوائف که بجهت این تاشا حاضر بودند چون این واقعات را
 ۲۹ ملاحظه نمودند سینه زنان بر کشیدند * و همگی آشنایان او وزنانی
 که از جلیل او را پیروی نموده بودند از دور ایستاده این واقعات را
 ۵۰ ملاحظه نمودند * و ناگاه مردی مشیر یوسف نام که راست و نیکوکار
 ۵۱ بود * و در مشورت و عمل آنها شریک نبود و خود نیز منتظر
 ۵۲ ملکوت خدا میبود از اربمشیه که شهر یست از شهرهای یهو * نرو
 ۵۳ بیلاطس آمده بدن عیسی را خواش نمود * و آنرا پائین آورده
 در پارچهٔ کتان پیچیده در مقبره که از سنگ کنده شده بود جایی
 ۵۴ که هیچکس گذارده نشده بود او را گذاشت * و آنروز روز تهم
 ۵۵ و ابتدای سبت بود * و آن زنانی که از جلیل با وی آمده بودند
 نزدیک آمده در قبر می نگریدند که چه سان تنش را گذارند
 ۵۶ و بر کشته بویهای خوش و عطرها آماده ساخته و در روز سبت
 بحسب حکم آرام گرفتند

باب بیست و چهارم

۱ و در روز یکشنبه صبح بسیار زودی آن عطرائی را که مهیا
 ساخته بودند بر داشته بسر قبر آمدند و با آنها تنی چند نیز بودند

- ۳ * و یافتند که سنگ از سر قبر غلطیده شده است * چون
- ۴ باندرون رفتند تن خداوند عیسی را نیافتند * از این واقعه در
- حیرت میبویزند که نگاه دو مرد با لباسهای درخشان بر ایشان
- ۵ پدید آمدند * چون که ایشان ترسان شده سرها را بزیر انداختند
- ۶ ایشانرا گفتند چرا شما زنده را در مرده کان میجوئید * در اینجا
- نیست بلکه برخاسته است یو آرید که چه گفت شما را هنگامی که
- ۷ در جلیل بود * که فرزند انسان باید که بدستهای مردم کنایه کار
- ۸ تسلیم کرده شود و صلیب شود و در روز سیم برخیزد * و سخنش را
- ۹ یو آورزند * و از سر قبر بزرگشته بالتمام این واقعات بان یازده
- ۱۰ نفر و باقی مردم را خبر دادند * و مریم مجدلیه و یوحنا و مریم یعقوب
- و زنان دیگر که همراه بودند ایشان بودند که حواریانرا باین واقعه
- ۱۱ خبر دادند * و سخن ایشان نزد آنها مانند افسانه آمده ایشانرا
- ۱۲ تکذیب نمودند * پطرس برخاسته بر سر قبر دوید و خم شده کفن را
- دید که گذاشته شده است بتهنهایی از آن واقعه تعجب نمودند بر
- ۱۳ کشت * و اینک در آنروز دو نفر از ایشان بسوی قریه که
- شصت تیر پرتاب از اورشلیم دور بود و اسمش امواس بود
- ۱۴ میرفتند * و آنها در باره همه این واقعات با یکدیگر گفتگو مینمودند
- ۱۵ * و در آنوقت که گفتگو و جستجو مینمودند عیسی خود پیش آمده با
- ۱۶ ایشان روان شد * اما چشمهای ایشان پوشیده شده بود که اورا
- ۱۷ نشناختند * ایشانرا گفت که این چه سخن است که در راه با
- ۱۸ یکدیگر میگوئید و مکنر هستی * و یکی که کلیوپاس نام داشت
- ویرا در جواب گفت که آیا تو در اورشلیم خوش نشین هستی

- ۱۹ و پس آنچه درین اوان در میان آن واقع شدند انسته * ایشانرا گفت که چه واقعه ویرا گفتند که نقل عیسمای ناصریست که
- ۲۰ پیغمبر بود و پیش خدا و خلق در فعل و قول قادر بود * و کاهنان بزرگ و روسای ما چکونه اورا بقضای مرگ سپردند و صلیب
- ۲۱ نمودند * و ما امیدوار بودیم که همین باشد که اسرائیل را فدی خواهد بود و علاوه بر این واقعات که حال سه روز است که این واقع
- ۲۲ شده است * زنی چند از طایفه ما مارا حیران نموده اند که صبحی
- ۲۳ بر سر قبر رفته اند * و تنش را نیافتند آمده میگفتند که فرشته چندرا
- ۲۴ رویت نموده اند که گفته بودند که او زنده است * و بعضی از رفقای ما بر سر قبر آمده آنچهنان که زنان گفته بودند ملاحظه نمودند
- ۲۵ و اورا نیافتند * و او ایشانرا گفت که امی نا فهمان دور باور
- ۲۶ کردن همه آنچه پیغمبران گفته اند سست اعتقادان * آیا
- ۲۷ نبایست که مسیح این چیزها را کشیده بجلال خود برسد * پس نقل خوورا از همگی کتابها از موسی آغاز نموده و سایر پیغمبران
- ۲۸ برای ایشان تفسیر نمود * چون نزدیک شدند بقریه که بسوی
- ۲۹ آن میرفتند او اراده نمود که پیشتر رود * ایشان چنگ در او زده گفتند که با ما باش زیرا که نزدیک بشامست و آفتاب در
- ۳۰ زوالست پس داخل شد که با ایشان باشد * و چون با ایشان نشسته بود نانی را بر داشته و شکر بجا آورده و شکسته با ایشان داد
- ۳۱ * که چشمهای ایشان کشاده شد و اورا شناختند و او از ایشان
- ۳۲ نا پدید گشت * و با یکدیگر میگفتند که آیا جان ما مشتعل نبود در هنگامی که در راه با ما تکلم مضموز و کتابها را بجهت ما تفسیر

۳۳ مینوو * وور همانساعت بر خاسته باورشلیم مراجعت نمودند و آن
 ۳۴ یازده نفر ورفقای ایشانرا یافتند که باهم جمع شده اند * و میگفتند
 که خداوند فی الحقیقت بر خاسته است و بر شمعون نمودار شده
 ۳۵ است * پس بایشان نقل راه سفررا نمودند که چه سان در
 ۳۶ وقت شکستن نان بایشان نمودار شد * وایشان درین گفتگو
 بوزند که عیسی خود در میان ایشان ایستاده گفت سلام بر شما
 ۳۷ باد * وایشان حیران و مخوف شده می پنداشتند که روح را
 ۳۸ رویت مینمایند * و آنها را فرمود که چرا شما مضطرب میباشید
 ۳۹ و چرا در دلهای خود شبها را راه میدهید * دستها و پاهای مرا
 ملاحظه نمائید که من خود هستم و مرا لمس نمائید و به بینید زیرا که
 روح جسم و استخوان ندارد و آچنانکه ملاحظه میکنید که در من
 ۴۱ است * و این را گفته دستها و پاهارا بایشان نمود * و چون
 هنوز از خوشوقتی در شبهه و حیران بوزند ایشانرا فرمود که آیا چیز
 ۴۲ خوراکسی در اینجا دارید * ایشان قدری از ماهی بریان واز شان
 ۴۳ عسل بومی دادند * و او گرفته پیش روی ایشان تناول نمود
 ۴۴ * و بایشان فرمود که این همان مقدساتست که شمارا میگفتم در
 وقتی که هنوز با شما بودم که هر آنچه در آئین موسی و رسایل
 پیغمبران و مزامیر در باره من نوشته شده است باید کامل کرد
 ۴۵ * آنگاه فهم آنها را وسعت داده که کتابهارا توانند فهمید * وایشانرا
 گفت که باین طور نوشته شده است و باین قسم لازم بود که مسیح
 ۴۶ کشته شود و در روز سیم از میان اموات برخیزد * و باید از
 اورشلیم آغاز شده ندا بتوبه و آمرزش کنان در همه قبایل با سمش

۴۹ گروه شود * و شما شاهدان این چیزها هستید * و اینک من
 وعده پدر خوررا بشما میفرستم و شما در شهر اورشلیم توقف نمائید
 ۵۰ تا وقتی که از عالم بالا بقیوت ملتبس شوید * پس ایشانرا بیرون
 آورد تا بیت عنیه و دستهای خوررا بلند کرده آنها را برکت میداد
 ۵۱ * و او هنوز ایشانرا برکت میداد که از ایشان جدا گشته بسوی
 ۵۲ آسمان بلند شد * و آنها اورا سجده نموده با فرح بسیار بسوی
 ۵۳ اورشلیم برگشتند * و پیوسته در هیكل مانده خدا را حمد و سپاس
 میخوانند آمین

فهرست این کتاب مقدس

<p>رسالهٔ دویم پولس بتسلنیقیان . . . 503</p> <p>رسالهٔ اول پولس بتیموثیوس . . . 507</p> <p>رسالهٔ دویم پولس بتیموثیوس . . . 516</p> <p>رسالهٔ پولس بتیتوس . . . 522</p> <p>رسالهٔ پولس بفلیمون . . . 526</p> <p>رسالهٔ پولس بعبریآن . . . 528</p> <p>رسالهٔ عام یعقوب حواری . . . 552</p> <p>رسالهٔ عام اول پطرس حواری . . . 561</p> <p>رسالهٔ عام دویم پطرس حواری . . . 570</p> <p>رسالهٔ عام اول یوحناي حواری . . . 576</p> <p>رسالهٔ عام ثاني یوحناي حواری . . . 585</p> <p>رسالهٔ عام سیم یوحناي حواری . . . 586</p> <p>رسالهٔ عام یهوداي حواری . . . 587</p> <p>کتاب مکاشفات یوحناي الهی . . . 590</p>	<p>انجیل متي آغاز میکند در صحیفهٔ 1</p> <p>انجیل مرقس 83</p> <p>انجیل لوقا 135</p> <p>انجیل یوحنا 221</p> <p>کتاب اعمال حواریان 288</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل روم . . . 371</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل قونتس . . . 405</p> <p>رسالهٔ دویم پولس حواری باهل قونتس 437</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بکلتیان . . . 459</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بافسسیان . . . 470</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل فیلیپی . . . 481</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بقلسیان . . . 489</p> <p>رسالهٔ اول پولس بتسلنیقیان . . . 496</p>
---	---

هللا ةالص

، برلا اها

قفرع نم نكم متن ىتح جارفال مت دقو اذه ديدجل دهعلا والي جبال اذه ىلع ارکش
لكن ع ديزملا

تنا .ح اتملا ينورتكلال باتكل اذه عنص نع ملو عسمل بعشلا قدع اسم ءاجرلا
مهتدع اسم ىلع نورداق متن او مه نم فرعت

بتكل ارشكأ اهل عجو ، عرسب لمعلا ىلع قرداق نوكت نأ ىلع امتدع اسم ءاجرلا
ةح اتملا هي نورتكلال

نوكت يكف هجاتحت يذلا تقولا و قوقو ، لاومال او دراومل عيمج ىلع امتدع اسم ءاجرلا
لمعلا ةلصاوم ىلع قرداق
لكن

موي لك ساسا ىلع مهدعاسي يذلا قيرفلا نم اعزج لكشت يتلا قدع اسم ءاجرلا
اهل ديرت يتلا لامع الل يحو رلا مهفلا مهنم لك اعطع او رارمتسالا قوق اهئاطع اى جري
هل عفت نأ

ركذنتل او فوخل مدعل مهنم لك قدع اسم ءاجرلا
ءيش لك نع لوؤسملا و ةالصلا مبوبج ا يذلا هللا تنأ نإ

نوكراشي مهنأ قراز & لمعلا ، مهتياح مكن او ، مهعيجشت متلضفت نأ هللا وعدأ
هيف

يتلا تابقعل نم امريغ و اهي حورلا تاوقلا نم مهتياح متلضفت نأ هللا وعدأ
لفسا ىلا امنم عطب و امريض نأ نكمي

هذه نم اول عج نيذلا سانلا اضيا ركفنل ديدج دهع اذه مدختسا امدنع يتدع اسم ءاجرلا
رارمتسالا مهل ىنس تي ىتحو اهيلع ىلصي نا عيطتسا ىتح ، ةح اتملا هعبطلا
سانلا نم ربكاددع قدع اسم يف

فوس كن او ، (ديدجل دهعلا) قدقملا قملك كل بح ينيطعت تنك نا هللا وعدأ
ةينمزلأ قرتفل او مهفل لضفا لئنا فرعت نا من طفل او قملكحل او هي حورلا ينيطعت
اهي شيعن يتلا

لك يننا هجاوت يتلا تابوعصلا عم لماعتلا ةيفيك قفرع ميف يتدع اسم ءاجرلا
نيرخال دعاسن نا ديرنو لضفا لئنا فرعت نا ديرت يندعاسي هللا دروللا .موي
لماعلا لوحو قوطنملا يدلب يفي نيحي سمل

مكتمكح مهدعاست نيذلا و بختنملا ينورتكلال باتكل ايطعي نا مكل هللا وعدأ

مكعب مهف نكلو ، اي حور عدخي ال (يتلئاعو) امترسا دارفأ دعاسي نا مكل هللا وعدأ

قرطلا لكب مكلة عباتم لوبق ديرتو

ءايشالا هذه لعفا نا مكئم بلطاو ، تاقوألا مده يف هيجوتلا او هعتملا اني طعي امك
نيم ، عوسي مساي يف

- Prayer -

5 minutos a ayudar excepto otros - diferencie eterno

Dios querido,

gracias que se ha lanzado este nuevo testamento de modo que poder aprender más sobre usted.

Ayude por favor a la gente responsable de hacer este Ebook disponible.

Ayúdele por favor a poder trabajar rápidamente, y haga que más Ebooks disponible por favor le ayuda a tener todos los recursos, los fondos, la fuerza y el tiempo que necesitan para poder guardar el trabajar para usted.

Ayude por favor a los que sean parte del equipo que les ayuda sobre una base diaria. Por favor déles la fuerza para continuar y para dar a cada uno de ellos la comprensión espiritual para el trabajo que usted quisiera que hicieran. Ayude por favor a cada uno de ellos a no tener miedo y a no recordar que usted es el dios que contesta a rezo y que está a cargo de todo.

Ruego que usted los animara, y que usted los proteja, y el trabajo y el ministerio que están contratados adentro.

Ruego que usted los protegiera contra las fuerzas espirituales que podrían dañarlas o retardarlas abajo. Ayúdeme por favor cuando utilizo este nuevo testamento también para pensar en ellas de modo que pueda rogar para ellas y así que pueden continuar ayudando a más gente Ruego que usted me diera un amor de su palabra santa, y que usted me daría la sabiduría y el discernimiento espirituales para conocerle mejor y para entender los tiempos que estamos adentro y cómo ocuparse de las dificultades que me enfrentan con cada día.

Señor God, me ayuda a desear conocerle mejor y desear ayudar a otros cristianos en mi área y alrededor del mundo. Ruego que usted diera el Web site y los de Ebook el equipo y los que trabajan en que les ayudan su sabiduría. Ruego que usted ayudara a los miembros individuales de su familia (y de mi familia) espiritual a no ser engañado, pero entenderle y desear aceptarle y seguir de cada manera. y pido que usted haga estas cosas en el nombre de Jesús, amen, ¿

(por qué lo hacemos tradujeron esto a muchas idiomas?

Porque necesitamos a tanto rezo como sea posible, y a tanta gente que ruega para nosotros y el este ministerio tan a menudo como sea posible. Gracias por su ayuda.

El rezo es una de las mejores maneras que usted puede ayudarnos más).

- Prayer -

5 minuti da aiutare risparmi altri - faccia una differenza eterna

Caro dio,

grazie che questo nuovo Testamento è stato liberato in modo che possiamo impararvi più circa. Aiuti prego la gente responsabile del rendere questo Ebook disponibile.

Aiutilo prego a potere funzionare velocemente e renda più Ebooks disponibile prego aiutarlo ad avere tutte le risorse, i fondi monetari, la resistenza ed il tempo di che hanno bisogno per potere continuare a funzionare per voi. Aiuti prego quelli che fanno parte della squadra che le aiuta su una base giornaliera.

Prego dia loro la resistenza per continuare e dare ciascuno di loro la comprensione spiritosa per il lavoro che li desiderate fare. Aiuti loro prego ciascuno a non avere timore ed a non ricordarsi di che siete il dio che risponde alla preghiera e che è incaricato di tutto. Prego che consigliereste loro e che li proteggete ed il lavoro & il ministero che sono agganciati dentro.

Prego che li proteggereste dalle forze spiritose che potrebbero nuoc o ritardarle giù. Aiutilo prego quando uso questo nuovo Testamento anche per pensare loro in moda da poterlo pregare io per loro ed in modo da possono continuare a aiutare più gente Prego che mi dareste un amore della vostra parola santa e che mi dareste la saggezza ed il discernment spiritosi per conoscerli più meglio e per capire i tempi che siamo dentro e come risolvere

le difficoltà che sono confrontato con ogni giorno. Il signore God, lo aiuta a desiderare conoscerli più meglio e desiderare aiutare altri cristiani nella mia zona ed intorno al mondo.

Prego che dareste la squadra e coloro che lavora al Web site e coloro di Ebook che le aiuta la vostra saggezza.

Prego che aiutereste i diversi membri della loro famiglia (e della mia famiglia) spiritual a non essere ingannati, ma capirli e desiderare accettarli e seguire in ogni senso. e vi chiedo di fare queste cose in nome di Jesus, amen,

(perchè traducono questo in molte lingue?

Poiché abbiamo bisogno di tanta preghiera come possibile e di altrettanta gente che prega spesso per noi e questo ministero come possibile. Grazie per il vostro aiuto.

La preghiera è uno dei sensi migliori che potete aiutarli più).

- Prayer -

5 minutos a ajudar excepto outros - faça uma diferença eternal

Caro deus,

obrigado que este testament novo estêve liberado de modo que nós possamos aprender mais sobre você. Ajude por favor aos povos responsáveis para fazer este Ebook disponível. Ajude-lhes por favor poder trabalhar rapidamente, e faça-o mais Ebooks disponível por favor ajudar-lhes ter todos os recursos, fundos, força e tempo que necessitam a fim poder se manter trabalhar para você. Ajude por favor àqueles que são parte da equipe que lhes ajuda em uma base diária. Dê-lhes por favor a força para continuar e dar a cada um deles a compreensão espiritual para o trabalho que você os quer fazer. Ajude por favor a cada um deles não ter o medo e não recordar que você é o deus que respondem ao prayer e que está na carga de tudo. Eu pray que você os incentivaria, e que você os protege, e o trabalho & o ministry que estão acoplados dentro. Eu pray que você os protegeria das forças espirituais que poderiam as prejudicar ou as retardar para baixo. Ajude-me por favor quando eu uso este testament novo pensar também delas de modo que eu possa pray para elas e assim que podem continuar a ajudar a mais povos Eu pray que você me daria um amor de sua palavra holy, e que você me daria a sabedoria e o discernment espirituais para o conhecer mais melhor e para compreender os tempos que nós estamos dentro e como tratar das dificuldades que eu estou confrontado com cada dia.

O senhor Deus, ajuda-me querer conhecê-lo mais melhor e querê-lo ajudar a outros cristãos em minha área e em torno do mundo. Eu pray que você daria a equipe e aquelas que trabalham no Web site e aquelas de Ebook que lhes ajudam sua sabedoria. Eu pray que você ajudaria aos membros individuais de sua família (e de minha família) não ser iludido espiritual, mas para compreendê-lo e para querê-lo aceitá-lo e seguir em cada maneira.e eu peço que você faça estas coisas no nome de Jesus, amen,

(por que nós traduzem isto em muitas línguas?
 Porque nós necessitamos tanto prayer como possível, e tantos como povos que praying para nós e este ministry tão frequentemente como possível. Obrigado para sua ajuda.
 O prayer é uma das mais melhores maneiras que você pode nos ajudar mais).

- Prayer -

5 minuti da aiutare risparmi altri - faccia una differenza eterna

Lieber Gott,

danke, daß dieses neue Testament freigegeben worden ist, damit wir in der Lage SIND, mehr über Sie zu erlernen. Helfen Sie bitte den Leuten, die für das Zur Verfügung stellen von von diesem Ebook verantwortlich sind. Helfen Sie ihnen bitte, zu sein, schnell zu arbeiten, und stellen Sie mehr Ebooks, bitte ihnen zu helfen, alle Betriebsmittel, die Kapital, die Stärke und die Zeit zu haben zur Verfügung, die sie zwecks sein müssen für, Sie zu arbeiten zu halten. Helfen Sie bitte denen, die ein Teil der Mannschaft sind, das ihnen auf einer täglichen Grundlage helfen.

Geben Sie ihnen die Stärke bitte, um jedem von ihnen das geistige Verständnis für die Arbeit fortzusetzen und zu geben, daß Sie sie tun wünschen.

Helfen Sie bitte jedem von ihnen, Furcht nicht zu haben und daran zu erinnern, daß Sie der Gott sind, der Gebet beantwortet und der verantwortlich für alles ist.

Ich bete, daß Sie sie anregen würden und daß Sie sie schützen und die Arbeit u. das Ministerium, daß sie innen engagiert werden. Ich bete, daß Sie sie vor den geistigen Kräften schützen würden, die sie schädigen oder sie verlangsamen könnten.

Helfen Sie mir bitte,

wenn ich dieses neue Testament benutze, um an sie auch zu denken, damit ich für sie beten kann und also sie fortfahren können, mehr Leuten zu helfen Ich bete, daß Sie mir eine Liebe Ihres heiligen Wortes geben würden und daß Sie mir geistige Klugheit und Einsicht, um Sie besser zu kennen geben würden und die Zeiten zu verstehen, daß wir innen sind und wie man die Schwierigkeiten beschäftigt, daß ich mit jedem Tag konfrontiert werde. Lieber Gott, helfen mir Sie besser kennen und zu wünschen anderen Christen in meinem Bereich und um die Welt helfen wünschen.

Ich bete, daß Sie die Ebook Mannschaft und die, die auf der Web site arbeiten und die geben würden, die ihnen Ihre Klugheit helfen. Ich bete, daß Sie den einzelnen Mitgliedern ihrer Familie (und meiner Familie) helfen würden nicht Angelegenheiten betrogen zu werden, aber, Sie zu verstehen und Sie in jeder Weise annehmen und folgen zu wünschen. und ich bitte Sie, diese Sachen im Namen Jesus zu tun, amen,

(warum wir, übersetzen dieses in viele Sprachen? Weil wir so viel Gebet benötigen, wie möglich und da viele Leute so, die häufig für uns und dieses Ministerium beten, wie möglich. Danke für Ihre Hilfe. Gebet ist eine der besten Weisen, daß Sie uns am meisten helfen können).

Dear Lord,

Thank you that this New Testament has been released so that we are able to learn more about you. Please help accurate versions to have wide circulation. Please help us obtain copies of the accurate Greek New Testament.

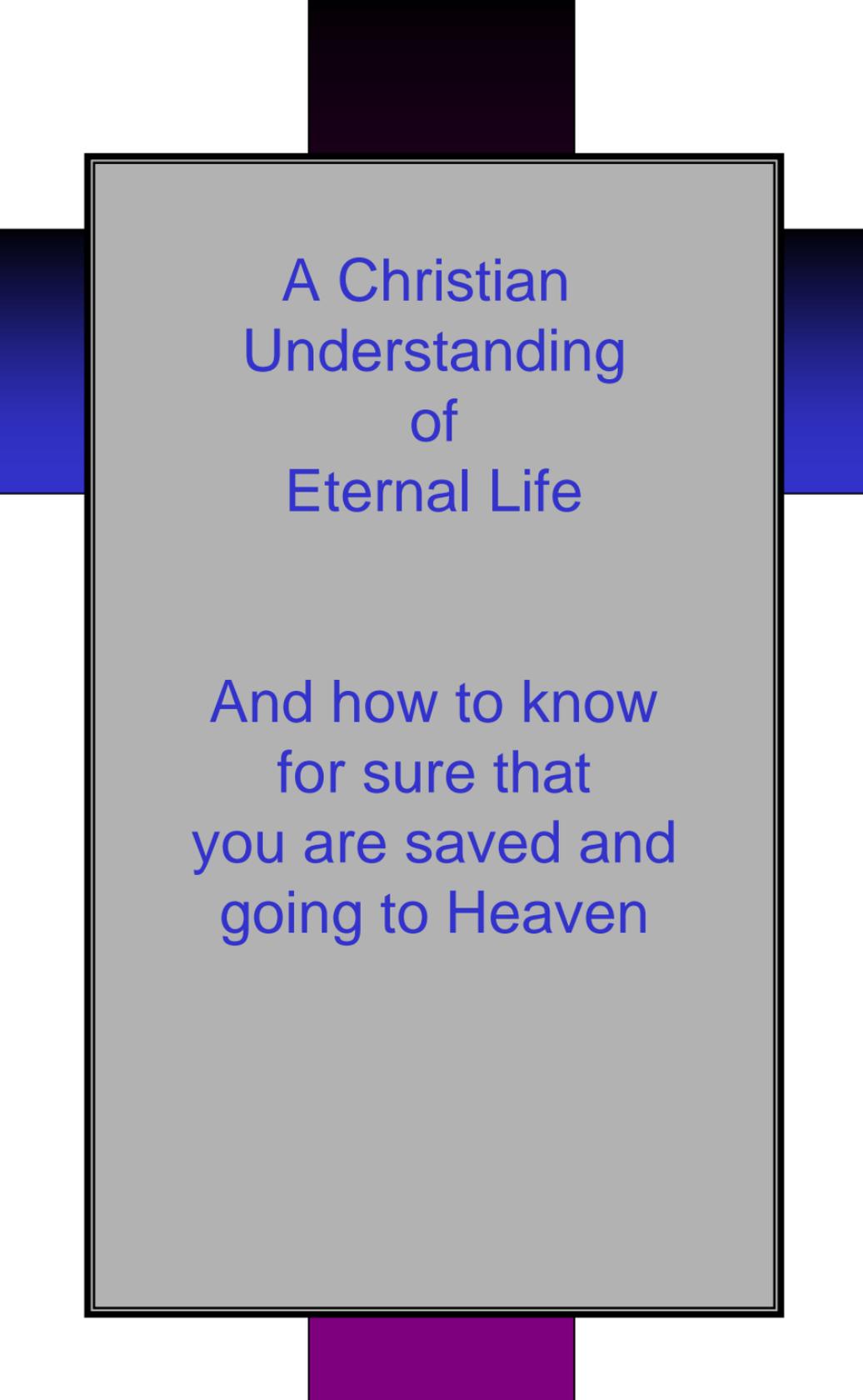
Please help the people responsible for making this Ebook available.

Please help them to be able to work well, and make more Ebooks and information available. Please help them to have all the resources, the funds, the friends, the strength and the time that they need and want so that they are able to keep working for You. Please help me to remember to pray for them so this will help other believers.

Please help their family members to not be deceived. Please help their families to truly turn to the real Jesus and to follow Him and understand His divine perspective. Please help those family members to understand the importance of spiritual priorities instead of the false god of money.

I pray that you would encourage those working on Ebooks, and that you protect them, and the work & ministry that they are engaged in. I pray that you would protect them from the Spiritual Forces or anything else that could harm them or slow them down. Please protect their right and ability to distribute the Ebooks.

I pray that you would give them your wisdom and great discernment. I ask you to do all these things in the name of Jesus, Amen,



A Christian
Understanding
of
Eternal Life

And how to know
for sure that
you are saved and
going to Heaven

Saved - How To become a Christian how to be saved

**A Christian is someone
who believes the
following**

*Steps to Take in order to become a
true Christian, to be Saved & Have a
real relationship & genuine
experience with the real God*

**Read, understand, accept and
believe the following verses from
the Bible:**

**1. All men are sinners and fall short
of God's perfect standard**

Romans 3: 23 states that

For all have sinned, and come short of
the glory of God;

2. Sin - which is imperfection in our lives - denies us eternal life with God. But God sent his son Jesus Christ as a gift to give us freely Eternal Life by believing on Jesus Christ.

Romans 6: 23 states

For the wages of sin is death; but the gift of God is eternal life through Jesus Christ our Lord.

3. You can be saved, and you are saved by Faith in Jesus Christ. You cannot be saved by your good works, because they are not "good enough". But God's good work of sending Jesus Christ to save us, and our response of believing - of having faith - in Jesus Christ, that is what saves each of us.

Ephesians 2: 8-9 states

8 For by grace are ye saved through faith; and that not of yourselves: it is the gift of God:

9 Not of works, lest any man should boast.

4. God did not wait for us to become perfect in order to accept or unconditionally love us. He sent Jesus Christ to save us, even though we are sinners. So Jesus Christ died to save us from our sins, and to save us from eternal separation from God.

Romans 5:8 states

But God commendeth his love toward us, in that, while we were yet sinners, Christ died for us.

5. God loved the world so much that He sent his one and only Son to die, so that by believing in Jesus Christ, we obtain Eternal Life.

John 3: 16 states

For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should not perish, but have everlasting life.

6. If you believe in Jesus Christ, and in what he did on the Cross for us, by dying there for us, you know for a

**fact that you have been given
Eternal Life.**

I John 5: 13 states

These things have I written unto you that believe on the name of the Son of God; that ye may know that ye have eternal life, and that ye may believe on the name of the Son of God.

7. If you confess your sins to God, he hears you take this step, and you can know for sure that He does hear you, and his response to you is to forgive you of those sins, so that they are not remembered against you, and not attributed to you ever again.

I John 1: 9 states

If we confess our sins, he is faithful and just to forgive us our sins, and to cleanse us from all unrighteousness.

If you believe these verses, or want to believe these verses, pray the following:

" Lord Jesus, I need you. Thank you for dying on the cross for my sins. I open the door of my life and ask you

to save me from my sins and give me eternal life. Thank you for forgiving me of my sins and giving me eternal life. I receive you as my Savior and Lord. Please take control of the throne of my life. Make me the kind of person you want me to be. Help me to understand you, and to know you and to learn how to follow you. Free me from all of the things in my life that prevent me from following you. In the name of the one and only and true Jesus Christ I ask all these things now, Amen".

Does this prayer express your desire to know God and to want to know His love ? If you are sincere in praying this prayer, Jesus Christ comes into your heart and your life, just as He said he would.

It often takes courage to decide to become a Christian. It is the right decision to make, but It is difficult to fight against part of ourselves that wants to hang on, or to find against that part of our selves that has trouble changing. The good news is

that you do not need to change yourself. Just Cry out to God, pray and he will begin to change you. God does not expect you to become perfect before you come to Him. Not at all...this is why He sent Jesus...so that we would not have to become perfect before being able to know God.

**Steps to take once you have asked
Jesus to come into your life**

Find the following passages in the Bible and begin to read them:

- 1. Read Psalm 23 (in the middle of the Old Testament - the 1st half of the Bible)**
- 2. Read Psalm 91**
- 3. Read the Books in the New Testament (in the Bible) of John, Romans & I John**
- 4. Tell someone of your prayer and your seeking God. Share that with someone close to you.**
- 5. Obtain some of the books on the list of books, and begin to read**

them, so that you can understand more about God and how He works.

6. Pray, that is - just talk to and with God, thank Him for saving you, and tell him your

fears and concerns, and ask him for help and guidance.

7. email or tell someone about the great decision you have made today !!!

Does the "*being saved*" process only work for those who believe ?

For the person who is not yet saved, their understanding of **1) their state of sin and 2) God's personal love and care for them, and His desire and ability to save them....is what enables anyone to become saved.**

So yes, the "being saved" process works only for those

who believe in Jesus Christ and Him only, and place their faith in Him and in His work done on the Cross.

[...and if so , then how does believing save a person?](#)

Believing saves a person because of what it allows God to do in the Heart and Soul of that person.

But it is not simply the fact of a "belief". The issue is not having "belief" but rather what we have a belief about.

IF a person believes in **Salvation by Faith Alone in Jesus Christ** (ask us by email if this is not clear), then **That belief** saves them. Why ? because they are magical ? No, because of the sovereignty of God, *because of what God does to them, when they ask him into their heart & life.* When a person decides to place their faith in Jesus Christ and **ask Him** to forgive them of

their sins and invite Jesus Christ into their life & heart, **this** is what saves them – *because of what God does for them at that moment in time.*

At that moment in time when they sincerely believe and ask God to save them (as described above), God takes the life of that person, and in accordance with the will of that human, having requested God to save them from their sins through Jesus Christ – God takes that person's life and sins [all sins past, present and future], and allocates them to the category: of "*one of those people who Accepted the Free Gift of Eternal Salvation that God offers*".

From that point forward, their sins are no longer counted against them, because that is an account that is paid by the shed blood of Jesus Christ. And there is no person that could ever sin so much, that God's love would not be good enough for them, or that would somehow not be able to be covered by the penalty of

death that Jesus Christ paid the price for. (otherwise, sin would be more powerful than Jesus Christ – which is not true).

Sometimes, People have trouble believing in Jesus Christ because of two extremes:

First the extreme that they are *not* sinners (usually, this means that a person has not committed a "serious" sin, such as "murder", but God says that **all sins separates us from God**, even supposedly-small sins. We – as humans – tend to evaluate sin into more serious and less serious categories, because we do not understand just how serious "small" sin is).

Since we are all sinners, we all have a need for God, in order to have eternal salvation.

Second the extreme that they are *not good enough* for Jesus Christ to save them. This is basically done by those who reject the Free offer of Salvation by Christ Jesus because those people are -literally – **unwilling**

to believe. After death, they will believe, but they can only chose Eternal Life BEFORE they die. The fact is that all of us, are not good enough for Jesus Christ to save them. That is why Paul wrote in the Bible "**For all have sinned, and come short of the glory of God**" (Romans 3:23).

Thankfully, that is not the end of the story, because he also wrote " **For the wages of sin *is* death; but the gift of God *is* eternal life through Jesus Christ our Lord.**"(Romans 6: 23)

That Free offer of salvation is clarified in the following passage:

John 3: 16 For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should not perish, but have everlasting life.
17 For God sent not his Son into the world to condemn the world; but that the world through him might be saved.

Prayers that count

The prayers that God hears

We don't make the rules any more than you do. We just want to help others know how to reach God, and know that God cares about them personally.

The only prayers that make it to Heaven where God dwells are those prayers that are prayed directly to Him "through Jesus Christ" or "*in the name of Jesus Christ*".

God hears our prayers because we obey the method that God has established for us to be able to reach him. If we want Him to hear us, then we must use the methods that He has given us to communicate with Him.

And he explains - in the New Testament - what that method is: talking to God (praying) in accordance with God's will - and coming to Him in the name of Jesus Christ. Here are some examples of that from the New Testament:

(Acts 3:6) Then Peter said, Silver and gold have I none; but such as I have give I thee: In the name of Jesus Christ of Nazareth rise up and walk.

(Acts 16:18) And this did she many days. But Paul, being grieved, turned and said to the spirit, I command thee in the name of Jesus Christ to come out of her. And he came out the same hour.

(Acts 9:27) But Barnabas took him, and brought *him* to the apostles, and declared unto them how he had seen the Lord in the way, and that he had spoken to him, and how he had preached boldly at Damascus in the name of Jesus.

(2 Cor 3:4) And such trust have we through Christ to God-ward: (i.e. toward God)

(Gal 4:7) Wherefore thou art no more a servant, but a son; and if a son, then an heir of God through Christ.

(Eph 2:7) That in the ages to come he might show the exceeding [spiritual] riches of his grace in *his* kindness toward us through Christ Jesus.

(Phil 4:7) And the peace of God, which passeth all understanding, shall keep your hearts and minds through Christ Jesus.

(Acts 4:2) Being grieved that they taught the people, and preached through Jesus the resurrection from the dead.

(Rom 1:8) First, I thank my God through Jesus Christ for you all, that your faith is spoken of throughout the whole world.

(Rom 6:11) Likewise reckon ye also yourselves to be dead indeed unto sin,

but alive unto God through Jesus Christ our Lord.

(Rom 6:23) For the wages of sin *is* death; but the gift of God *is* eternal life through Jesus Christ our Lord.

(Rom 15:17) I have therefore whereof I may glory through Jesus Christ in those things which pertain to God.

(Rom 16:27) To God only wise, *be* glory through Jesus Christ for ever. Amen.

(1 Pet 4:11) ...if any man minister, *let him do it* as of the ability which God giveth: that God in all things may be glorified through Jesus Christ, to whom be praise and dominion for ever and ever. Amen.

(Gal 3:14) That the blessing of Abraham might come on the Gentiles through Jesus Christ; that we might receive the promise of the [Holy] Spirit through faith.

(Titus 3:6) Which he shed on us abundantly through Jesus Christ our Saviour;

(Heb 13:21) Make you perfect in every good work to do his will, working in you that which is wellpleasing in his sight, through Jesus Christ; to whom *be* glory for ever and ever. Amen.

Anyone who has questions is encouraged to contact us by email, with the address that is posted on our website.

Note for Foreign Language and International Readers & Users

Foreign Language Versions of the Introduction and Postscript/Afterword will be included (hopefully) in future editions.

VERSIONS based upon
the Textus Receptus are
the accurate versions

Please Note:

CHECK THE GREEK
TEXT TO BE SURE

It is not that this New Testament Book is 100% perfect.
It may not be, though it is pretty accurate.

This is one of the few versions available in
the Mandarin Chinese Language (Older Traditional)
that is based upon the accurate Ancient Greek Text.

The Printing is from 1885, but the Translation of
this edition is actually from 1880 which means
it was produced prior to the Revised Version
and the Collation of Westcott & Hort.

It is true that there were problems with versions
in Chinese Language PRIOR to Westcott and Hort,
ever since the work of Griesbach who was incompetent.

Accurate Versions of the N.T. should always conform
to the Greek N.T. called the Textus Receptus, which is
the standard historic Koine Greek Text of the
New Testament. (the work of John w Burgon. Carston Thiede
or C.D.Ginsburg in the 1800s demonstrate this over and over)

The Textus Receptus is available online
Under "Textus Receptus". There are 2
or 3 usual versions of the T.R. :

1. The original 1550/51 Version of the
Textus Receptus by Stephens / Stephanos / Estienne
2. The version of the T.R. by Cura P. Wilson 1833
and
3. The Textus Receptus in Koine Greek by
Scrivener, the edition of 1860.

Permission to re-post, use, transmit, or print online GRANTED

Isaiah 40:31

31 But they that wait upon the LORD shall renew their strength;
they shall mount up with wings as eagles;
they shall run, and not be weary; and they shall walk, and not faint.

I Thessalonians 4: 13_-5:6

13 But I would not have you to be ignorant, brethren, concerning them which are asleep, that ye sorrow not, even as others which have no hope.

14 For if we believe that Jesus died and rose again, even so them also which sleep in Jesus will God bring with him.

15 For this we say unto you by the word of the Lord, that we which are alive and remain unto the coming of the Lord shall not prevent them which are asleep.

16 For the Lord himself shall descend from heaven with a shout, with the voice of the archangel, and with the trump of God: and the dead in Christ shall rise first:

17 Then we which are alive and remain shall be caught up together with them in the clouds, to meet the Lord in the air: and so shall we ever be with the Lord.

18 Wherefore comfort one another with these words. 5:1 But of the times and the seasons, brethren, ye have no need that I write unto you. 2 For yourselves know perfectly that the day of the Lord

so cometh as a thief in the night. 3 For when they shall say, Peace and safety; then sudden destruction cometh upon them, as travail upon a woman with child; and they shall not escape.

4 But ye, brethren, are not in darkness, that that day should overtake you as a thief.

5 Ye are all the children of light, and the children of the day: we are not of the night, nor of darkness. 6 Therefore let us not sleep, as do others; but let us watch and be sober.

Matthew 25:1-13

25:1 Then shall the kingdom of heaven be likened unto ten virgins, which took their lamps, and went forth to meet the bridegroom.

2 And five of them were wise, and five were foolish.

3 They that were foolish took their lamps, and took no oil with them:

4 But the wise took oil in their vessels with their lamps.

5 While the bridegroom tarried, they all slumbered and slept.

6 And at midnight there was a cry made,

Behold, the bridegroom cometh; go ye out to meet him.

7 Then all those virgins arose, and trimmed their lamps.

8 And the foolish said unto the wise,

Give us of your oil; for our lamps are gone out.

9 But the wise answered, saying, Not so; lest there be not enough for us and you: but go ye rather to them that sell, and buy for yourselves.

10 And while they went to buy, the bridegroom came; and they that were ready went in with him to the marriage: and the door was shut.

11 Afterward came also the other virgins, saying, Lord, Lord, open to us.

12 But he answered and said, Verily I say unto you, I know you not.

13 Watch therefore, for ye know neither the day nor the hour wherein the Son of man cometh.

**NOTE: This New Testament in
PERSIAN (IRANIAN - FARSI) of HENRY
MARTYN 1837** is [exists] in Nine [9] Parts.
All are available online **Persian New Testament
Edition of HENRY MARTYN 1837**

-
Please Note:

**Permission for YOU to Print, use, Post online, store,
use, distribute personally or in file sharing systems,
online or otherwise, is hereby granted**

**Permission to Post and Repost on your website
is granted.**

**Note: Do not always depend on
large “storage” websites. Do not depend on websites
in the west. Sometimes large websites are affected
and then no longer work. For your convenience
and easy access, Please keep copies of this
somewhere safe or on other servers**

Some bulletin boards sometimes have storage
space available.

Téléchargement = Free = No Cost
Télécharger - Gratuit

Please continue to pray for your protection, and
for our protection in all ways and at all times.
Thanks.

**NOTE: This New Testament in
PERSIAN (IRANIAN - FARSI)
of HENRY MARTYN 1837**

is [exists] in Nine [9]

Parts:

Part 1

Part 2

Part 3

Part 4

Part 5

Part 6

Part 7

Part 8

Part 9

All are available online
Persian New Testament
Edition of **HENRY MARTYN**
1837

Téléchargement
Free = No Cost
Télécharger - Gratuit

A TRUE GOD IS NOT AFRAID OF QUESTIONS.
THERE MAY BE QUESTIONS YOU CANNOT ANSWER
THERE ARE NO QUESTIONS THAT GOD CANNOT ANSWER,
IF HE WANTS. **GOD IS BIG ENOUGH.** ANY REAL GOD
IS ABLE TO UNDERSTAND THE CURIOSITY AND DESIRE
THAT ANYONE WHO WORSHIPS HIM WOULD WANT TO KNOW.
DO NOT BE AFRAID OF QUESTIONS...IF YOUR GOD IS TRULY GOD

FOR ADDITIONAL INFORMATION - FOR THOSE WHO HAVE
EITHER CURIOSITY or COURAGE - For Your Consideration:

The case for Christ by Strobel / Who moved the stone by Morison
Books by Henry Rawlinson / Books by George Rawlinson
The Two Babylons by Hislop
Books by Archibald Sayce (A.H.) Sayce

The Canon (Cannon) of the Old and New Testaments by A. Alexander
The [Idolatry of] the Worship of Mary by J. Endell Tyler
Books by George STANLEY Faber
Revelation by Clarence Larkin

Tract on Christianity and Mohammed by Henry Martin (1824)
Works written by Imad-ud-din, of Umritsur

TAHQY UL IMAN (Inquiry of Faith). 1866. On Evidences of Christianity
written by Maulvi Ahmad Ullah

WAQIAT I IMADIYA (Autobiography of Imad-ud-din by himself). 1866

ILTIFAQI MUBAHISA (Account of a verbal Controversy). 1867

Original Sources of the Coran / Koran by Muir

Books in French (Auteurs Français) = Alain Choquier , Ralph Shallis,
Felix Neff, Alexis Muston, T. de Beze, Editions Le Phare,

Accurate Edition: (Texte Reçu) of the New Testament in Greek (Grec) =
Nouveau Testament Grec de Robert Estienne (1550/151)
[Estienne is sometimes also called Stephens or Stephanos]

Please note the standard information that the last book of the New
Testament (called the Book of Revelation) must be read WITH
the Old Testament book of DANIEL in order to be fully understood.

كتاب
العهد الجديد لربنا ومخلصنا يسوع
المسيح

قد تُرجم حديثاً من اللغة اليونانية

اسماء اسفار العهد الجديد وعدد اصحاحاتها

٦	.	.	.	١ تيموثاوس	٢٨	.	.	اصحاحات	انجيل متى
٤	.	.	.	٢ تيموثاوس	١٦	.	.	"	انجيل مرقس
٢	.	.	.	٢٤ تيطس	٢٤	.	.	"	انجيل لوقا
١	.	.	.	٢١ فليمون	٢١	.	.	"	انجيل يوحنا
١٢	.	.	.	٢٨ العبرانيين	٢٨	.	.	"	اعمال الرسل
٥	.	.	.	١٦ يعقوب	١٦	.	.	"	رومية
٥	.	.	.	١ بطرس	١٦	.	.	"	١ كورنثوس
٢	.	.	.	٢ بطرس	١٣	.	.	"	٢ كورنثوس
٥	.	.	.	١ يوحنا	٦	.	.	"	غلاطية
١	.	.	.	٢ يوحنا	٦	.	.	"	افسس
١	.	.	.	٢ يوحنا	٤	.	.	"	فيلبي
١	.	.	.	يهوذا	٤	.	.	"	كولوسي
٢٢	.	.	.	٥ رؤيا يوحنا	٥	.	.	"	١ تسالونيكي
	.	.	.	٢ وجميعها سبعة وعشرون سفرًا	٢	.	.	"	٢ تسالونيكي